

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگ و اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۷

تعدادگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگ و اجتماع

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

رهبر قرائی

فارسی

۸	انس خانوادگی با قرآن
۱۰	تحصیلات (قرآنی)
۱۳	سابقه‌ی مبارزاتی - تفسیری
۲۷	روش و گرایش تفسیری
۲۹	سابقه‌ی پژوهشی - تألیفی
۳۷	سابقه‌ی اجرایی در حوزه‌ی قرآن کریم
۴۵	جایگاه قرآن کریم در اندیشه‌ی آیت الله العظمی خامنه‌ای
۵۰	حسن ختام: مروری بر چند خاطره قرآنی به نقل از استاد سادات فاطمی
۵۳	منابع

العربية

المقدمة	٥٥
أسرة القائد والقرآن الكريم	٥٦
الجدور الثورية والتفسيرية	٦٠
منهجه التفسيري	٧٤
الخلفية البحثية التأليفية	٧٦
خلفيته التنفيذية في المجال القرآني	٨٥
مكانة القرآن الكريم في فكر الإمام السيد علي الخامنئي	٩٣
حسن الختام: مرور على بعض الخواطر القرآنية نقلاً عن الأستاذ «سادات فاطمي»	٩٨
المصادر	١٠١



فارسی.

● مقدمه

با دقت در زندگی مقام معظم رهبری علیه السلام، بهره‌مندی ایشان از قرآن در تمام مراحل زندگی‌شان به روشنی قابل مشاهده است؛ به طوری که می‌توان محوری‌ترین بُعد از ابعاد شخصیتی معظم را «بُعد قرآنی» دانست.

براین اساس سازمان اوقاف و امور خیریه در آستانه برگزاری سی و پنجمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، به منظور آشنایی بیش‌تر با ابعاد شخصیت قرآنی معظم‌له، در نوشتار حاضر با عنوان **رهبر قرآنی** به ارائه‌ی اطلاعاتی پرداخته است که با مطالعه آن، نه تنها از حدود هفت دهه فعالیت قرآنی ایشان اطلاع می‌یابیم، بلکه منطبق بودن منظومه‌ی فکری ایشان با قرآن و مبانی اسلامی نیز بر ما روشن می‌گردد. به امید آنکه مورد استفاده همگان قرار گیرد.

سازمان اوقاف و امور خیریه



انس خانوادگی با قرآن

۸

اگر بخواهیم چگونگی آشنایی و ارتباط مقام معظم رهبری علیه السلام با قرآن را بررسی و به جایگاه قرآن در اندیشه و منظومه‌ی فکری ایشان دست پیدا کنیم، لازم است ابتدا با خانواده‌ی ایشان آشنا شویم؛ چراکه نهاد خانواده، اساسی‌ترین بستر تربیت آدمی است و در شکل‌گیری و تکوین شخصیت افراد، نقش بسزایی دارد.

سیدعلی حسینی خامنه‌ای، در فروردین‌ماه سال ۱۳۱۸ شمسی برابر با ۱۳۵۸ قمری در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. پدرش، سیدجواد خامنه‌ای (۱۶ آذر ۱۲۷۴-۱۴ تیر ۱۳۶۵)، از علما و مجتهدین عصر خود بود که پس از گذراندن دروس سطح در تبریز و مهاجرت به مشهد و بهره‌مندی از محضر اساتید بزرگ آن دیار، در ۱۳۴۵ق به نجف رفت و در زمینه‌ی فقه و اصول فعالیت داشت؛ در ادامه نیز از حوزة درس میرزا محمدحسین نائینی، سیدابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی کسب فیض کرد و از سه نفر مذکور اجازه‌ی اجتهاد گرفت.

مادرش، بانو خدیجه میردامادی (۱۲۹۳ش-۱۳۶۸ش)، فرزند آیت‌الله سیدهاشم نجف‌آبادی بود. سیدهاشم نجف‌آبادی پس از ازدواج با بی‌بی سکینه به مشهد رفت و در این شهر به ارشاد مردم، تفسیر

انس خانوادگی با قرآن

قرآن کریم و تألیف کتاب روی آورد. اودریکی از شبستان های مسجد گوهرشاد، آیه های قرآن را با مینا قرار دادن تفسیر مجمع البیان، تفسیر می کرد که با استقبال گروهی از طلاب، فضلا و علاقه مندان روبه روشد. خدیجه میردامادی (مادر آیت الله خامنه ای)، بانویی زاهد، متشّرع، آشنا با آیات قرآن، احادیث، تاریخ و ادبیات بود. اندوخته ی علمی ایشان با مطالعه در تفاسیر قرآن و کتب تاریخی چون روضه الصّفا، به جایی رسید که زندگی انبیا، امامان معصوم و شخصیت های قرآنی را در قالب داستان ها و روایت های شنیدنی برای فرزندانش باز می گفت؛ قرآن را با صدایی خوش تلاوت می کرد. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در این باره می فرمایند:

«من اولین نغمه های خوش قرآن را از حنجره ی مادرم شنیدم... دورا و جمع می شدیم و می نشستیم و ایشان قرآن را با صوتی خیلی شیرین و دل پذیر برای ما می خواند و آیاتی از آن را ترجمه می کرد.»
«من خودم اولین بار، زندگی حضرت موسی، زندگی حضرت ابراهیم و بعضی پیامبران دیگر را از مادرم به این مناسبت شنیدم. قرآن که می خواند، به آیاتی که نام پیامبران در آن است می رسید، بنا می کرد به شرح دادن.»

سیدعلی خامنه ای با وجود چنین پدر و مادری، از همان کودکی با قرآن آشنا شده و تحت تربیت قرآنی رشد یافته است که همین امر، سبب انس و ارتباط قوی ایشان با کلام وحی است.



تحصیلات (قرآنی)

ایشان در چهارسالگی تحصیل را از مکتب خانه شروع کرد و در پنج سالگی وارد دبستان شد. او صدای خوبی داشت و قاری مدرسه شده بود و قرائت او، آوازه‌ای هرچند محدود پیدا کرده بود.

پدرش برای آشنایی بیش‌تر پسرانش با قرآن و یادگیری تجوید، از حاج رمضان بنکدار خواست آنان را آموزش دهد و بعد از او نیز، ملاعباس، که بزرگ‌ترین استاد قرائت قرآن مشهد بود، آموزش را برای آن‌ها ادامه داد و سیدعلی تمام قواعد تجوید را از او فراگرفت.

سیدعلی حسینی خامنه‌ای از دوازده سالگی، کلاس درس قرائت قرآن داشتند و از این دوران سیر فعالیت‌های قرآنی خود را آغاز کرده است.^۱

ایشان بعدها، از این‌که در کودکی و نوجوانی به حفظ قرآن نپرداخته ابراز تأسف کرد؛ هرچند در سنین بالا، بخش‌هایی از این کتاب جاوید را حفظ کرد، همچنان، این‌که خودش را حافظ قرآن

۱. عکسی موجود است که معظّم‌له پشت آن نوشته‌اند: «۱۲ سالگی، کلاس ششم ابتدایی... روز جمعه پس از پایان جلسه‌ی قرائت قرآن که استاد آن من بودم و قراء آن، شاگردان مدرسه‌ای که من دانش‌آموز آن بودم. من و چند نفر کلاس ششم آن مدرسه بودیم (ابتدایی) و دیگران از کلاس‌های پایین‌تر بودند.»

نمی‌داند، جزو تأسف‌های بزرگ اوست.

سیدعلی خامنه‌ای، درس‌های طلبگی را از کلاس پنجم دبستان شروع کرد. پس از اتمام دوره‌ی دبستان، وارد دنیای طلبگی شد و در سال ۱۳۳۴ ش، در درس خارج فقه آیت‌الله سید محمدهادی میلانی حاضر شد. پس از آن، مدّتی در نجف و مدّتی در حوزه‌ی علمیّه قم از محضر اساتید استفاده کرد و در مدّت اقامت در قم اکثر وقت خود را به تحقیق، مطالعه و تدریس می‌گذراند. در ۱۳۴۳ ش به دلیل عارضه‌ی بینایی پدر و کمک به وی به ضرورت از قم به مشهد بازگشت و بار دیگر در جلسات درس آیت‌الله میلانی حضور یافت که تا سال ۱۳۴۹ ش ادامه داشت.

آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام معتقد بودند جلسه قرائت قرآن به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید مقدّمه‌ای باشد تا مردم با مفاهیم قرآن آشنا شوند.^۱ ایشان همواره در طول فعالیت‌های خود به مقدّم بودن آشنایی

۱. بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به تاریخ ۱۳۷۳، ۰۶، ۰۴. رهبر انقلاب می‌فرمایند: اگر حکومتی براساس اسلام بود، به این معناست که اسلام مورد عمل قرار گرفته است. اما اگر اسلام به معنای اعتقاد و عمل افراد در جامعه وجود داشته باشد و حاکمیت دین برقرار نباشد، در چنین جامعه‌ای قرآن و اسلام مهجور است. مصداق آن در قرآن کریم و در سوره‌ی فرقان چنین آمده است: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». پیغمبر اکرم نزد پروردگار عالم عرض می‌کند: «يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»، هجر قرآن به چه معناست؟ بی‌شک به این معنا نیست که قرآن و اسم قرآن و اسم مسلمانان را به‌طور کلی از خود دفع کردند. این اتخاذ نیست. «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ یعنی قرآن را دارند؛ اما همراه با هجر. قرآن هست؛ اما مهجور است. به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام ظاهری می‌شود؛ اما به احکام آن عمل نمی‌کنند و به بهانه‌ی جدایی دین از سیاست، حکومت را از قرآن سلب می‌نمایند. اگر قرار بود که اسلام و قرآن حکومت نکنند، پس مبارزات پیغمبر برای چه بود؟

برانس با قرآن، لزوم تدبیر در قرآن و تلاش برای عملیاتی کردن آموزه‌های قرآن در جامعه تأکید داشته‌اند. این دغدغه‌ی انس و آشنایی جوانان با مفاهیم قرآن تا آنجا پیگیری شد که فصلی دیگر از فعالیت‌های ایشان، یعنی «مبارزه» برای تحقق حکومت قرآنی شکل گرفت. در ادامه، مروری بر سابقه‌ی تفسیری و پژوهشی ایشان خواهیم داشت.

لعل از نگاه ایشان، ایجاد یک نظام مبتنی بر دین، یعنی همان کاری که پیغمبر اکرم ﷺ در آمدن به مدینه و هجرت به مدینه انجام دادند. تا وقتی جامعه‌ای نباشد، نظامی نباشد، تمرکز اقتداری نباشد که بتواند بر روی همه فعالیت‌های اجتماعی سایه بيفکند، کارها ضمانتی ندارد. قبل از انقلاب، خیرخواهان و ناصحان معدودی بودند؛ دلشان می‌سوخت و مردم را نصیحت می‌کردند؛ موعظه هم بی‌تأثیر نیست، در دل اثر می‌کند؛ اما قابل تحقق عملی نیست؛ چرا؟ چون نظام، نظام غلطی است؛ چون جهت‌گیری جامعه، جهت‌گیری ضد عدالت، ضد انصاف، ضد مروت، ضد اخلاق است. جهت‌گیری مهم است. اصل جهت‌گیری با تشکیل یک نظام است.

سابقه‌ی مبارزاتی-تفسیری



شروع مبارزات و انتخاب جلسات تفسیر به عنوان یکی از خطوط مبارزه

حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه از نخستین کسانی بود که با شروع مبارزات در سال ۱۳۴۱، به ۱۳ امام خمینی رحمته الله علیه پیوست و اولین فعالیت‌های شان همان تکثیر و پخش اعلامیه‌های امام بود. در این زمان‌ها، ابعاد سیاسی امام برای ایشان یکی پس از دیگری رومی شد. این‌که بینش سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه چگونه ساخته و پرداخته شد؟ چه کسانی بر او تأثیر سیاسی گذاشتند؟ و... سؤالاتی بود که سید علی خامنه‌ای به آن‌ها می‌اندیشید.

اوبه این نتیجه رسید که غیر از تأثیر بسزایی که آیت الله سید حسن مدرّس و آیت الله میرزا محمد علی شاه‌آبادی در اندیشه‌ی آیت الله خمینی گذاشتند، استعداد، هوشمندی و تیزبینی امام در باب مسائل اجتماعی و فهم عمیق از مسائل اسلامی، او را در جایگاه یک انقلابی بزرگ و دگرگون‌کننده‌ای بی‌بدیل قرار داده است و البته شجاعت امام، که میراثی خانوادگی بود نیز، در این خیزش بسیار مؤثر بوده است. پس مجموعه‌ای از دین‌داری، شجاعت، درک سیاسی و الهام‌گیری از مرام سیاسی آقایان مدرّس و

شاه‌آبادی در قیام امام خمینی رحمته‌الله علیه به چشم می‌خورد و آیت‌الله خامنه‌ای می‌دید که همه‌ی این عوامل زیرچتری به نام «انگیزه‌ی دینی» جمع است.

از سال ۱۳۴۲ که مبارزات ملت ایران به رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه وارد مرحله‌ی جدیدی شد و پس از سرکوبی این نهضت توسط رژیم طاغوت، جریان‌های مختلف سیاسی-اجتماعی خط مشی‌های مختلفی را در پیش گرفتند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز میان مبارزان بوده و علاوه بر همراهی با دیگر مبارزان، زمینه‌سازی فکری و اندیشه‌ای جامعه را نیز منظور نظر قرار داد؛ در این حوزه، یکی از مؤثرترین فعالیت‌های‌شان، برگزاری جلسات تفسیر بود.

آیت‌الله خامنه‌ای تلاش کردند تا طرخی برای زیست مؤمنانه در جهان جدید ارائه دهند که تسلیم تحولات زمانه نیست و راهکارهایی برای مدیریت تحوّل ارائه می‌کند. این رویکرد برپایه‌ی بازگشت به قرآن استوار شده و به دنبال «دین‌داری حداکثری» است.

شرایط آن زمان، سبب شده بود تمام فعالیت‌های آیت‌الله خامنه‌ای و سایر فعالین، توسط نیروهای ساواک تحت نظر باشد؛ به طوری که در تمام سخنرانی‌های ایشان نیروهای ساواک حضور داشتند تا حرف‌ها را بشنوند و مهم‌ترین بخش‌هایش را یادداشت و منعکس کنند؛ به همین دلیل، آیت‌الله خامنه‌ای به محدودیت‌هایی که در ارائه مطالب به مخاطب داشتند، اشاره کرده، فرمودند:

«مطالبی را که فکر می‌کردم دانستن آن برای نظام و رژیم به شدت مضراست، بدون این‌که اندک اشاره‌ای به دستگاه بکنم، مطرح می‌کردم. هیچ گوشه و کنایه‌ای هم مطلقاً به دستگاه نمی‌زدم.»
 با این حال، گزارش‌ها و خبرچینی‌هایی بود که به دستگیری‌های متعدد آیت‌الله خامنه‌ای منجر

● سابقه‌ی مبارزاتی-تفسیری

می‌شد؛ ایشان قبل از انقلاب، شش مرتبه توسط ساواک بازداشت شده، به زندان رفتند و بعد از آن نیز، تبعید شدند.

جلسات تفسیر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

آیت الله خامنه‌ای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعاً نه سری جلسات تفسیری برگزار کردند که در ادامه به ترتیب زمانی، به شرح این‌ها می‌پردازیم:

جلسات پایین خیابان؛ اولین سری تفسیر

شروع جلسات تفسیر آیت الله خامنه‌ای، از سال ۱۳۴۳ بود که جمعی از اهالی «پایین خیابان» از او ۱۵ خواستند تفسیر بگویند و او با شرایطی پذیرفت؛ بنابراین، بعد از آزادی از دومین زندان، به مدت یک ماه رمضان در جمعی از کسبه، تاجران مشهد و اندک روحانیون فعال که به امور سیاسی علاقه‌مند بودند، تفسیر سوره‌ی «مائده» گفت که این جلسات به «جلسه‌ی پایین خیابان» شهرت یافته بود.

جلسات تفسیر در عین تعقیب و گریزها

دغدغه‌ی نشر و ترویج قرآن موجب شد حتی در شرایط سخت مبارزات و تعقیب و گریز نیز فرصت‌های کوتاه پیش آمده را در تفسیر آیات نورانی قرآن صرف کنند؛ در سال ۱۳۴۵ که از مشهد فرار کردند و در تهران به طور ناشناس زندگی می‌کردند، جمعی از آشنایان، جلسه‌ای گذاشتند که ایشان، شب‌های ماه رمضان برای آنان تفسیر می‌گفتند. آیت الله خامنه‌ای در وصف این جلسات گفته‌اند:

«جلسات پرشور و خوبی بود و من سوره‌ی کهف را برایشان تفسیر کردم.»

تفسیر در مسجد صدیقی‌ها و مدرسه میرزا جعفر

سومین مرتبه‌ی دستگیری ایشان در فروردین سال ۴۶ بود که آیت‌الله خامنه‌ای، پس از آزادی، در تهران به ملاقات زندانیان سیاسی رفت. آیت‌الله خامنه‌ای از طریق ارتباط با مبارزان در نقاط مختلف، سعی در تشکّل بخشیدن به مبارزان و مبارزه، تربیت نسل‌های جدید مبارزان و انقلابیون بر اساس اندیشه‌ی اسلامی خصوصاً بین طلاب علوم دینی و دانشجویان، سعی در اخذ مبانی مبارزه از قرآن و حدیث، مقابله با اندیشه‌های مادی‌گرایانه مارکسیستی و لیبرالیستی و امثال آن، به تعمیق اندیشه‌ی اسلامی و مبارزه در چهارچوب نهضت امام خمینی رحمته‌الله علیه پرداخت و علی‌رغم مقابله‌ی رژیم پهلوی به موفقیت‌های زیادی دست یافت.^۱

ایشان بعد از آزادی از سومین زندان، دومین جلسات تفسیر در سال ۱۳۴۷ به درخواست دو یار او که هردو اهل گناباد، هم محله، هم مدرسه، هم سفره، همراه و هم مباحثه بودند، برگزار شد: سیدرضا کامیاب و محمدباقر فرزانه، در سفری که همراه آقای خامنه‌ای بودند، هرچند محدود، با ابعاد علمی، اجتماعی و سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای آشنا شده و او را شایسته‌ی استادی یافته بودند. آن‌ها هردو باهم نزد سیدعلی خامنه‌ای آمدند و اصرار کردند غیر از درس‌های معمولی، درس عمومی دیگری شروع کند؛ تفسیر، عقاید، اخلاق.

آقای خامنه‌ای به تفسیر قرآن اعتقاد ویژه‌ای داشت؛ از این رو پس از بازگشت به مشهد، سوره‌ی مائده، همچون سال ۱۳۴۳ بستر تفسیر قرآن شد. پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها حلقه‌های این درس شکل می‌گرفت و این جلسات رفته‌رفته خواهان پیدا کرد و طلبه‌های زیادی مشتری او شدند و حتی پس از مدتی، جوانان دانش‌آموز، دانشجو و تعدادی از بازاریان نیز از شرکت‌کنندگان در این جلسات بودند. مکان آن ابتدا در مسجد صدیقی‌ها در بازار سرشور بود که با فزونی شاگردان، به کتابخانه‌ی مدرسه‌ی میرزا جعفر منتقل شد. این حلقه‌ی علمی، به کوتاهی بار اول نبود و سالیانی به درازا کشید؛ اما در نهایت به دست مأموران امنیتی شکست. متأسفانه نوار آن جلسات از دست رفته و اطلاعاتی از جزئیات محتوایی آن در اختیار نیست.

ادامه تفسیر مدرسه میرزا جعفر

این زندان‌های پیاپی، رشته‌ی زندگی، فعالیت آموزشی و برنامه‌های ریزودرشت معظم‌له را مدام پاره می‌کرد. بعد از پنجمین زندان، می‌دانست که از هم مسلکانش گرفته تا مأموران خبرچین افتخاری، اخبار ایشان را به ساواک منتقل می‌کنند و به نظر می‌رسید بندهای اختناق بیش‌ازپیش تنگ‌تر شده بود، پس مواظب رفتار و گفتارش بود.

آیت‌الله خامنه‌ای، بی‌درنگ بعد از آزادی از پنجمین زندان نیز، در پاییز سال ۱۳۵۰ کلاس‌های تفسیر خود را در مدرسه‌ی «میرزا جعفر» مشهد، (دانشگاه رضوی فعلی) شروع کرد و فروردین ۱۳۵۱ بود که پس از رسیدن خبر تشکیل کلاس‌های تفسیر ایشان به ساواک، خشم مقامات امنیتی برانگیخته شد و ساواک دستور داد یکی دو خبرچین دائم در اطراف وی باشند و گفتار و کردارش را گزارش کنند.

در این جلسات سوره‌های مبارکه مائده، انفال، براءت و آیاتی از سوره مبارکه یونس مورد تفسیر و تبیین قرار گرفت.

شروع جلسات تفسیر مسجد امام حسن علیه السلام مشهد

در پاییز ۱۳۵۱ و ماه رمضان، شمع تفسیر قرآن در مسجد امام حسن علیه السلام روشن شد: آیت الله خامنه‌ای با اصرارهای فراوان، پیشنهاد امامت مسجد امام حسن علیه السلام را پذیرفت. رفته رفته سخنرانی‌های کوتاه او که ایستاده ایراد می‌شد، مورد استقبال قرار گرفت. تخته سیاهی به مسجد آورد و شروع به ترجمه و شرح معارف دین کرد. دوستان و استادان جلسات تفسیر از همه‌ی طبقات و اقشار بودند. اینک، شب‌ها بیرون مسجد پرمی‌شد از دوچرخه‌ها و موتورسیکلت‌هایی که صاحبان جوانشان داخل صحن بودند و تعداد جوانان بر موسفیدهای مسجد می‌چربید. اینان، نشسته و سربر روی کاغذ، سخنان آیت الله خامنه‌ای را از ترجمه و شرح قرآن یادداشت می‌کردند. جلسات تفسیر قرآن در مسجد امام حسن علیه السلام با نظم هفتگی (صبح روزهای جمعه) برگزار می‌شد و در سال ۱۳۵۲ نیز ادامه داده شد. شروع تفسیر، با ویژگی‌های قوم یهود بود و مثلاً ۱۸ اسفند ۱۳۵۱، آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی بقره ترجمه و تفسیر شد. روش آیت الله خامنه‌ای، بدین صورت بود که با یادکردن از نمونه‌هایی از زمان حال، به تفسیر آیات می‌پرداخت.

در این میان، ساواک به دنبال به دست آوردن مدرک برای دستگیری و پیگرد شدید او بود؛ از این رو درس تفسیر او را به شدت پیگیری می‌کرد و نکاتی را که حکایتگر دیدگاه‌های سیاسی آقای خامنه‌ای بود، ثبت و ضبط می‌نمود.

از طرفی آقای خامنه‌ای با هر آنچه موجب تعطیلی بی جهت جلسه‌های تفسیرش می شد، مخالف بود؛ حتی اگر این عامل، صلوات برای مرادش، امام خمینی رحمته الله علیه باشد و در یکی از جلسات گفتند: «از آقایان می خواهم که بگذارند ما کارمان را بکنیم و کار ما را متوقف نکنید. من امروز بیش از هر چیز شناخت قرآن را لازم می دانم و لذا این ضرورت را احساس کرده‌ام و در حوزه‌ی علمیه قم و مشهد گفتم که بیاید دروس فعلی را به مدت بیست سال متوقف کنیم و به یک باره بپردازیم به قرآن و خودم مدت شش سال درس تفسیر می‌گویم و بدین وسیله حوزه تا حدی به عقیده‌ی من متقاعد شده. لذا من از آقایان می‌خواهم که شعار ندهند؛ چون شعار امروزه نه حرف [مفید] است، نه عمل.»

جلسات ادامه داشت و هر جلسه، ادامه‌ی آیات جلسه قبل از سوره‌ی بقره ترجمه و تفسیر می‌شد. روز بیست و هشتم اردیبهشت ۱۳۵۲، به آیه‌های ۹۶ تا ۹۸ اختصاص یافته و جلسه‌ی بعد نیز، به آیات ۹۹ تا ۱۰۲ سوره‌ی بقره پرداخته شد. هم‌زمان، گزارش جلسات توسط بازیگر مذهبی ساواک، تهیه می‌شد. پس از رسیدن این گزارش به سازمان اطلاعات و امنیت مشهد، یکی از مقامات آن سازمان ادامه‌ی تشکیل جلسات تفسیر را به مصلحت ندانست و گفت: این جلسات باید تعطیل شود. جلسات تفسیر تا آیه‌ی ۱۰۹ سوره‌ی بقره ادامه یافت و سپس به سید علی خامنه‌ای ابلاغ شد که خود را به ساواک معرفی کند... او آخر تیرماه بود که ایشان به ساواک رفت و پذیرفت که محفل تفسیر خود را در مسجد امام حسن علیه السلام، تعطیل کند و فقط در آنجا نماز بخواند و بعد از نماز، چند حدیث بیان کند و درس پانزده نفر طلبه را که جنبه تعلیم دارد ادامه دهد.

در آخرین جلسه خطاب به حاضران در مسجد گفت:

«در این هفته، بحث ما در اینجا خاتمه می‌پذیرد؛ ولی شما از اطراف قرآن پراکنده نشوید... تمام بدبختی‌های امروز ما در اثر نداشتن علم قرآن است. قرآن مرهم تمام زخم‌ها و جراحات‌ها است... قرآن را فرا بگیرید و بشکافید که قرآن هدفش چیست و منظور نهایی آن چه می‌باشد.»

جلسات تفسیر مسجد امام حسن (علیه السلام) تعطیل شد؛ اما تعطیلی آن‌ها، مانع از کوشش‌های تحقیقی او درباره‌ی قرآن نشده بود و در نخستین ماه‌های سال ۱۳۵۲ بود که تصمیم خود را برای تألیف دو پژوهش قرآنی^۱ به کار بست.

حلقه‌های تفسیر در مسجد قبله

آیت‌الله خامنه‌ای هرگز از پای نمی‌نشست و هر جلسه را که تعطیل می‌کردند، جلسه‌ی دیگری تشکیل می‌داد (چراکه او نظام حاکم را از بیخ و بن مردود می‌دانست و آنچه در اندیشه‌اش جای داشت، برپایی نظام اسلامی بود)؛ مثلاً بعد از تعطیلی جلسات تفسیر مسجد امام حسن (علیه السلام)، او روزهای پنج‌شنبه و جمعه در مسجد قبله، تفسیر [اصول عقاید] می‌گفت و حدود یک صد و پنجاه طلبه‌ی علوم دینی به پای حرف‌های او می‌نشستند؛ اما نهایتاً این حلقه‌های تفسیر نیز در تیرماه ۱۳۵۲ با تهدید ساواک تعطیل شد.

۱. در قسمت سابقه‌ی پژوهشی، توضیح داده می‌شود.

برگزاری مجدد تفسیر در مسجد امام حسن علیه السلام

ماه رمضان ۱۳۵۲ ش، آیت الله خامنه‌ای برای این‌که حساسیت ساواک را برنینگیزد، با مشورت به این نتیجه رسید که پس از نماز ظهر و عصر مسجد امام حسن علیه السلام، آیاتی از قرآن را خوانده و ترجمه کند؛ اگر شد خودش ترجمه نماید و اگر نشد، آیه‌ها را تعیین کند و جوان‌های علاقه‌مند حاضر، ترجمه‌ی فارسی آن را بخوانند.

آیت الله خامنه‌ای از روزهایی از رمضان را بعد از نماز ظهر و عصر، به ترجمه و شرح آیاتی از سوره‌ی آل عمران گذراند؛ در روز دهم رمضان، آیات ۱۳۰ تا ۱۳۵ سوره‌ی اعراف را شرح کرد. او با این توضیح که هدف من تفسیر نیست، بلکه ترجمه‌ی آیات است به بازگویی مفهوم حق و باطل پرداخت و درباره‌ی ۲۱ «سنت پیشروی حق» و «رکود و جمود باطل» سخن گفت و اشاره می‌کرد:

«حکومت الهی بالاخره در جریان تاریخ غلبه پیدا خواهد کرد و بر حکومت باطل پیروز خواهد شد.»

او در پایان سخن‌هایش که شباهتی به ترجمه نداشت و بیش‌تر شرح و تفسیر آیات شده بود، دو حدیث خواند و حکمی کلی از آن‌ها به دست آورد که: «مؤمن باید در برابر تندباد حوادث همچون گیاهی سبز، ناشکنده باشد.» روز یازدهم رمضان (هفدهم مهر)، آیات ۲۰ تا ۲۷ سوره‌ی انفال را ترجمه و تفسیر کرد و در روز سیزدهم رمضان نیز آیاتی از سوره‌ی صف ترجمه و شرح داده شده بود.

این گفته‌ها، سبب شد به ساواک ابلاغیه‌ای مبنی بر گردآوری مدارک علیه او به منظور اعمال شدت عمل بیش‌تر، اقدام شود. فلذا آخرین سخنان او در مسجد امام حسن علیه السلام در ۲۰ آبان بود که به شرح سوره‌ی عصر اختصاص یافت.

تفسیر در مسجد کرامت

کمتر از دو ماه، آقای خامنه‌ای مرکز فعالیت‌های خود را از مسجد امام حسن علیه السلام به مسجد کرامت منتقل کرد. شب جمعه پس از تلاوت قرآن، به ترجمه و تفسیر آن می‌پرداخت و طبق مشی فکری او، تفاسیر، آمیخته به نکات و موضوعات اجتماعی بود.

اما سخنان او از قرآن، نماز و روایات حتماً به جای باریک رسیده بود که ساواک تصمیم گرفت از ادامه‌ی مجالس او در مسجد کرامت جلوگیری کند و در نتیجه، آخرین سخنرانی آقای خامنه‌ای در مسجد کرامت، هفتم اسفند ۱۳۵۲ بود.

دست‌آورد آقای خامنه‌ای از تفاسیر و سخنرانی‌ها در مسجد کرامت، کتاب «گفتاری در باب صبر» بود که یک سال و نیم پس از آخرین حضور او در مسجد، از خلاصه و پیراسته‌ی سخنان او در موضوع «صبر»، منتشر شد.

۲۲

مشهورترین و مهم‌ترین جلسات تفسیر

در رمضان ۱۳۵۳ ش، آقای خامنه‌ای ظهرها در مسجد امام حسن علیه السلام، با تفسیر آیاتی از قرآن، مفاهیم حرکت‌آفرینی از اسلام را برای حاضران بازگو می‌کرد و از ناراستی‌های موجود در جامعه پرده برمی‌داشت. تقابیل حکام و پیامبران، تقابیل اسلام با ظلم و بیداد، برابری انسان‌ها و نبود فاصله‌ی ارزشی میان غنی و فقیر، مانع‌تراشی ثروتمندان، اشراف، رهبانان و حاکمان در برابر پیامبران، مبارزه با جهل و بی‌سوادی از جمله موضوعاتی بود که با استفاده از آیه‌های قرآن، ترجمه و تفسیر می‌شد.

تلقی گزارشگر ساواک از این سخنرانی‌ها، این بود که «آیت‌الله خامنه‌ای، به تشریح اصول انقلابی قرآن و به‌طور کنایه در لفافه به تشویق و تحریک مردم و به پایداری [در برابر] اختلافات طبقاتی و استثمار و خفقان می‌پردازد.»

در روزهای ۲۶ و ۲۷ رمضان، درباره‌ی «ولایت مطلقه‌ی امام» سخنرانی و ولی خدا را معرفی کرد و شروط او را گفت و نهایتاً از مردم خواست تا فکر کنند، قالب‌گیری و اندازه‌گیری و جانشین امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف را انتخاب کنند. این بار سخنان به قدری آشکار بود که گزارشگر ساواک در پایان گزارش خود می‌نویسد: «منظور از جانشین امام در این شرایط، خمینی است.»

۲۳ آیت‌الله خامنه‌ای عمیقاً اعتقاد داشت که قرآن، منبعی سرشار، اصیل و سند قاطع و تردیدناپذیر اسلام، راهگشای مبارزه با بیداد و مبین زندگی اجتماعی انسان‌هاست. بر همین اساس، در سخنرانی ماه مبارک رمضان به طرح اصولی چون ایمان، توحید، نبوت و ولایت پرداخت و هریک را در چند جلسه شرح داد.

آیت‌الله خامنه‌ای پیش از شروع جلسات، هربار چکیده‌ای از مطالب آن جلسه را تکثیر و میان حاضران توزیع می‌کرد. اوایل آبان ماه ۱۳۵۳ این چکیده‌ها را کنار هم قرار داده، ویرایش کرده، با اضافه کردن مقدمه‌ای بر آن، کتابی با عنوان «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن» به چاپ رسانید.

جلسات تفسیر تا سال ۱۳۵۶ و قبل از دستگیری و تبعید به ایرانشهر ادامه داشت.

پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت دین تبدیل کرد و این پیروزی، اولین و مهم‌ترین مرحله‌ی بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی است. تحقق کامل

این تمدن نوین نیز ممکن نیست مگر آن‌که «قرآنی شدن» اندیشه و زندگی مسلمانان، به طور نظام‌مند از ادعا به عمل برسد.

در واقع آیت‌الله خامنه‌ای در تداوم خط فکری امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ و دیگر احیایان فکری اسلامی در دوران معاصر، بر این باور هستند که «اقامه‌ی دین بتمامه»، یعنی تحقق همه‌ی ارکان و اجزای دین، جز از راه حاکمیت ارزش‌های دینی بر شئون مختلف جامعه ممکن نخواهد شد؛ بنابراین ناگزیر باید دین اقتدار بیابد، فرایند حکمرانی بر پایه و در چارچوب ضوابط دینی باشد و حرکت جامعه، صورت و سیرت دینی پیدا کند که البته فارغ از خواست مردم، نه ممکن است و نه مطلوب.

تاریخ اندیشه و جنبش اسلامی در دوره‌ی معاصر نشان می‌دهد که به منظور حاکم شدن دین و قرآنی شدن نظام جامعه، احیای برخی مفاهیم بدفهم شده یا به حاشیه رفته ضرورت داشته است.

جلسات تفسیر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

دوران ریاست جمهوری معظم‌له

پس از انقلاب نیز در دوره‌ی ریاست جمهوری ایشان، اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ که هنوز کمتر از یک سال از تصدی ریاست جمهوری توسط آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای نگذشته بود، همچون سال‌های پیش از انقلاب، درس تفسیر خود را شروع کردند. این بار مخاطبان جلسات، پاسداران نهاد ریاست جمهوری بوده و جلسه، هفته‌ای یک بار در نهاد ریاست جمهوری برگزار می‌شد. «درس تفسیر از جزء بیستم و هفتم آغاز شد. سال‌های ابتدایی تشکیل حکومت اسلامی در کشور

بود و تبیین مباحث حکومتی اسلام در جامعه، نیاز ضروری داشت. آیت الله خامنه‌ای، هدف و انگیزه‌ی خود را از برگزاری این جلسات چنین بیان می‌کند:

مسئله‌ی عدالت اجتماعی، مسئله‌ی حکومت، مسئله‌ی جهاد در جبهه‌های جنگ و از این قبیل مسائل، ده‌ها مسئله از این قبیل مسائل عمده‌ی بعد از تشکیل حکومت است. این مسائلی است که در آیات مدنی بیش‌تر به آن‌ها پرداخته شده. آیات این جزء به بعد تا جزء سی‌ام، بیش‌تر مدنی است که جزء سی‌ام بیش‌تر مکی است و ما دیدیم که اینجاها را هم کمتر تفسیر کردند.^۱

آیت الله خامنه‌ای که تا پیش از انقلاب یکسر در اندیشه‌ی برپایی حکومت قرآنی بوده و جزء تا جزء آن را از آیات قرآن برای شاگردان خویش در مشهد تفسیر کرده است، اکنون با همان شور انقلابی و مطابق با نیاز زمان، مسائل جامعه اسلامی را پس از برپایی حکومت، تفسیر می‌کند. ویژگی مهم این درس، تطبیق آن با جریانات و مسائل روز است. از جریانات تاریخی صدر اسلام گرفته تا فتنه لیبرال‌ها و منافقین و مستکبران جهانی، همه و همه از آیات قرآن استنباط و تفسیر می‌گردد؛ همچنین مفاهیم استکبار، استضعاف، فتنه، نفاق و نفوذ در آن، سهمی قابل توجه دارد.

می‌توان گفت این جلسات، بخش مهم دیگری از مبانی نظری رهبر انقلاب علیه السلام در موضوعات مختلف، جهت راهبردی نظام اسلامی در سال‌های تصدّی ولایت فقیه و رهبری نظام است.^۲

۱. بیانات مقام معظّم رهبری، به تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ در درس تفسیر سوره‌ی مجادله

۲. پایان‌نامه‌ی «بررسی روش تفسیری آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای»؛ خواجه، زهرا؛ دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم؛ شهریور ۱۳۹۴

دوران رهبری معظم له

بعد از شروع رهبری آیت الله خامنه ای علیه السلام نیز، جلسات تفسیری در حسینیه امام خمینی رحمته الله علیه و بیت رهبری برگزار شد که در آنجا تفسیر سوره ی بقره گفته شده است. جزئیات زیادی از این جلسات در دسترس نیست و تنها می توان از محتوای بعضی از جلسات که در سایت Khamenei.ir منتشر شده است، استفاده کرد. متن بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در ۱۲ جلسه از دوره، منتشر شده است. از آن ها دریافت می شود که هشتمین جلسه ی این دوره، در ۲۴ مهر ۱۳۷۰ برگزار شده و بیست و هشتمین جلسه ی آن نیز، آخرین جلسه ی منتشر شده است که در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۶ برگزار شده بود.

روش و گرایش تفسیری



«هریک از مفسران بنا بر سلیقه‌ی خود، از جنبه‌ای به تفسیر قرآن مشغول شده‌اند. روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، روش «اجتهادی» یا «جامع» است. روش تفسیری اجتهادی یعنی استنباط و فهم معارف و احکام قرآن با استفاده از منابع با داشتن صلاحیت مفسر برای تفسیر؛ پس مفسری که این روش را برای تفسیر قرآن برمی‌گزیند، قاعداً باید از همه‌ی روش‌های دیگر نیز برای رسیدن به مقصود خود استفاده کند. علاوه بر روش، انواع گرایش‌های تفسیری نیز وجود دارد که گرایش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، گرایش «سیاسی اجتماعی» است. تفسیر قرآن با گرایش اجتماعی به اندیشه‌های اجتماعی قرآن عنایت خاصی دارد و از منظر اجتماعی به مسائل انسان، هدایت و ارائه پیام قرآنی می‌پردازد و سعادت فرد را از سعادت جامعه جدا نمی‌بیند. از طرفی مفسران این گرایش معتقدند که در سایه‌ی تحولات جدید و به وجود آمدن مشکلات اجتماعی، بهترین راه حل مراجعه به تفسیر قرآن است.^۱»

«امروزه نگاه فراتری در گرایش تفسیری مورد توجه پژوهشگران قرآن قرار گرفته است که از آن به

۱. مقاله‌ی «بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظم رهبری»؛ علوی مهر، مروجی طبسی؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، زمستان ۱۳۸۹ - ش ۹، ص ۴۵-۹۲.

گرایش تفسیری تمدنی یاد می‌شود. در این گرایش تفسیری، مفسری که به عرصه تمدن سازی توجه دارد به دنبال یافتن مبانی و آموزه‌های تمدن ساز در قرآن کریم و ارائه الگوی تمدنی آن و پیوند آن با عرصه‌ی عمل در ساختن تمدن قرآنی است. مطالعه‌ی آرا و دیدگاه‌های تفسیر رهبرانقلاب نشان می‌دهد تفسیر ایشان نمونه‌ی کاملی از این گرایش در تفسیر است. این نگرش تفسیری به دنبال ارائه‌ی طرح مناسبی در زمینه‌ی مهندسی فرهنگی برای ایجاد پیشرفت بوده و به تفسیر تاریخی از قرآن کریم نگاه ویژه‌ای دارد. مفهوم نظام سازی که در اندیشه و تفسیر ایشان تبلور یافته و نیز توجه ایشان به مقوله‌ی تمدن نوین اسلامی و «سبک زندگی» به عنوان روح تمدن اسلامی و خصیصه‌ی ممتاز آن از تمدن‌های بشری و تمدن امروز دنیای غرب، خود شاهده‌ی بر این مدعا است.^۱

۱. مقاله‌ی «نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای علیه السلام»؛ عینی زاده، مؤدب؛ دوفصلنامه‌ی علمی پژوهشی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال یازدهم، شماره‌ی اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۱، ص ۱۵۳-۱۷۵.

سابقه‌ی پژوهشی-تألیفی



پس از مراسم تحلیف (مهر ۱۳۶۰)، مصاحبه‌ای با آیت‌الله خامنه‌ای توسط صداوسیما انجام شد که از آن، می‌توان دریافت: آشنایی با تفکرات ارزشمندی چون «لِزوم تجلّی ۲۹ هویت مسلمانی در ابعاد اجتماعی-سیاسی زندگی»، «اندیشه‌ی حاکمیت اسلام بر جامعه‌ی مسلمین» و «عدم تمکین در برابر حکومت‌های غیردینی» که آرام‌آرام در گوشه و کنار مجامع روشن‌بینانه‌ی دینی و طلبگی مطرح می‌شد، هرچند در اقلیت بود، از آن‌چنان قدرتی برخوردار بود که طلبه‌ی دغدغه‌مند و آزاداندیشی چون سیدعلی را مجذوب خویش سازد. این تفکر آن‌چنان سراسر وجود ایشان را فراگرفته بود که «دفاع از هویت قرآنی اسلام»، به منشأ و جهت‌بخش همه‌ی فعالیت‌های تطبیقی، تألیفی و ترویجی ایشان تبدیل می‌شود.

علاوه بر جلسات تفسیر، یکی از فعالیت‌های ایشان در حوزه‌ی قرآن و تفسیر، تألیف و ترجمه‌ی کتب بود که به کتاب‌های «دو پژوهش قرآنی»، «گفتاری در باب صبر» و «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن» اشاره داشتیم. یکی دیگر از این تلاش‌ها، «ترجمه کتاب تفسیر فی ضلال؛ نوشته‌ی سیدقطب»

می باشد. اخیراً نیز سه کتاب «مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری»، «تفسیر سوره‌ی مجادله» و «تفسیر سوره‌ی براءت» از صوت جلسات گذشته‌ی آیت الله خامنه‌ای تهیه شده و توسط انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. در ادامه به شرح این‌ها می‌پردازیم:

تألیف «دو پژوهش قرآنی»

جلسات تفسیر مسجد امام حسن (علیه السلام) تعطیل شد؛ اما تعطیلی آن‌ها، مانع از کوشش‌های تحقیقی او درباره‌ی قرآن نشده بود و در نخستین ماه‌های سال ۱۳۵۲ بود که تصمیم خود را برای تألیف دو پژوهش قرآنی به کار بست. یک پژوهش او، تدوین لغت‌نامه قرآنی بود و دیگری تهیه کشف‌الآیات فارسی که فارسی‌زبانان بتوانند به آسانی آیات قرآن را بیابند و ناچار از دانستن ریشه‌های لغات عربی نباشند. تدوین کشف‌الآیات به صورت گروهی انجام می‌شد و کار ادامه داشت تا مهر ۱۳۵۳ که به شکل اتفاقی متوجه شدند دکتر محمود رامیار نیز، در حال اجرای هر دو طرح هستند و حتی کشف‌الآیات را به چاپ رسانده‌اند؛ فلذا اینجا بود که کار متوقف شد.

کتاب «گفتاری در باب صبر»

در سال ۱۳۵۲، دستاورد آیت الله خامنه‌ای از تفسیرها و سخنرانی‌ها در مسجد کرامت، کتاب «گفتاری در باب صبر» بود که یک سال و نیم پس از آخرین حضور او در مسجد، از خلاصه و پیراسته‌ی سخنان او در موضوع «صبر»، منتشر شد.

کتاب «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن»

آیت الله خامنه‌ای پیش از شروع جلسات مسجد امام حسن (علیه السلام)، هر بار چکیده‌ای از مطالب آن جلسه را تکثیر و میان حاضران توزیع می‌کرد. اوایل آبان ماه ۱۳۵۳ این چکیده‌ها را کنار هم قرار داده، ویرایش کرد و با اضافه کردن مقدمه‌ای بر آن، کتابی با عنوان «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن» به چاپ رسانید. در مقدمه‌ی کتاب به سه خصوصیت مهم در مباحث اسلامی اشاره داشتند که می‌تواند نشان‌دهنده خط فکری ایشان باشد:

۱. معارف و دستگاه فکری اسلامی از تجرد و ذهنیت محض، خارج گشته و همچون همه‌ی مکاتب اجتماعی، ناظر به تکالیف عملی و به‌ویژه زندگی اجتماعی باشد و هریک از مباحث نظری، از این دیدگاه که چه طرحی برای زندگی انسان و چه هدفی برای بودن او و چه راهی برای رسیدن به این هدف، ارائه می‌دهد مورد بررسی و تأمل و تحقیق قرار گیرد.
۲. مسائل فکری اسلام، به صورت پیوسته و به‌عنوان اجزای یک واحد مورد مطالعه قرار گیرد و هر یک به لحاظ آن‌که جزئی از مجموعه دین و عنصری از این مرکب و استوانه‌ای در این بنای استوار است و با دیگر اجزا و عناصر، هماهنگ و مرتبط است و نه جدا و بی‌ارتباط با دیگر اجزا، بررسی شود تا مجموعاً از شناخت این اصول، طرح کلی و همه‌جانبه‌ای از دین به صورت یک ایدئولوژی کامل و بی‌ابهام و دارای ابعادی متناسب با زندگی چندبُعدی انسان، استنتاج شود.
۳. در استنباط و فهم اصول اسلامی، مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد، نه سلیقه‌ها و نظرهای شخصی یا اندوخته‌های ذهن و فکراین‌وآن... تا حاصل کاوش و تحقیق، به درستی

«اسلامی» باشد و نه هرچه جزآن. برای برآمدن این منظور، قرآن، کامل‌ترین و موثق‌ترین سندی است که می‌توان به آن متکی شد که: «باطل را از هیچ سوی بدان راه نیست» (فصلت/۴۲) و «درآن، مایه‌ی روشنگری هرچیز هست.» (نحل/۸۹) و البته در پرتو تدبیری ژرف‌پیمای که خود، ما را به آن فرمان داده است.

به علت وجود چنین دیدگاهی نسبت به معارف اسلامی بود که آیت‌الله خامنه‌ای، در جلسات تفسیر خود، مهم‌ترین پایه‌های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی ارائه کرد؛ اسلام و اندیشه‌ی اسلامی را از خلال آیات قرآن استخراج و بیان می‌نمود و به تعمیق بنیان‌های اندیشه‌ی مبارزه و براندازی حکومت طاغوت می‌پرداخت به صورتی که شرکت‌کننده در درس تفسیر او به این نتیجه ضروری و طبیعی می‌رسید که حکومتی برپایه‌ی اسلام و معارف دین باید در کشور تحقق یابد. یکی از اهداف اصلی او از تفسیر، انتقال مبانی انقلاب اسلامی به جامعه بود.

کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، با موضوع ایمان در قرآن، آغاز می‌شود؛ چراکه قرآن وعده‌ی دل‌نشین خلافت الهی و سیطره‌ی سیاسی بر جهان و تشکیل جامعه ایده‌آل اسلامی را به مؤمنانی که عمل شایسته و متناسب را با ایمان قرین سازند، می‌دهد.

تمرکز محتوا بر «توحید» است؛ چراکه این بینش، زیربنا و قاعده‌ی اساسی تمام طرح‌ها و برنامه‌ها و افکار عملی و زندگی‌ساز (ایدئولوژی) در اسلام است.

در انتها، مسئله‌ی امامت و ولایت در پیوند با توحید قرار می‌گیرد. مفهوم ولایت را ناظر به «پیوند‌های

● سابقه‌ی پژوهشی-تألیفی

امت اسلامی با یک کانون» می‌داند؛ چراکه بینش نوین آورده شده با رسالت پیامبر، تنها وقتی می‌تواند زندگی براساس آموزه‌های دین را برای جامعه رقم بزند که نخست در فکر و روان و عمل یک جمع متشکل، تحقق و عینیت یابد.

از طرفی اهتمام رهبرانقلاب علیه السلام به تربیت نیروهای خالص انقلابی را می‌توان هدف فرعی برگزاری سلسله جلسات درس تفسیر دانست.

ترجمه کتاب «تفسیر فی ضلال»

در کتاب «تفسیر فی ضلال» روش اصلی مؤلف، تقسیم موضوعی آیه‌هاست تا بدین ترتیب هر ۳۳ یک از مجموعه‌ها وحدت موضوعی و هدف معین داشته باشند، سپس مفسر می‌کوشد تا آیه‌ها را با ذوق خاص ادبی، تفسیر و فلسفه‌ی کلی آیه‌ها را بدون پرداختن به جزئیات بیان می‌کند.

آیت الله خامنه‌ای دو جلد اول این مجموعه‌ی هشت جلدی تفسیر فی ضلال را ترجمه کرده است (تا آیه‌ی ۱۸۲ سوره‌ی بقره). این ترجمه که در سال‌های قبل از انقلاب نگاشته شده است^۱، قرار بود در مجموعه‌ای از ترجمه‌ی دیگر مجلدات این تفسیر که توسط آقایان دکتر محمد مفتاح و حجتی کرمانی به انجام می‌رسید به چاپ برسد که به دلایلی این کار میسر نشد. همین حد از ترجمه نیز، بعد از سال ۱۳۶۲ تجدید چاپ نشد. از ویژگی‌های این اثر، آمیختگی مباحث اعتقادی به مباحث اجتماعی و سیاسی است. آیت الله خامنه‌ای در ترجمه‌ی این اثر، هر جا که لازم دیده است، تعریض‌ها و نقدهایی به مؤلف

۱. احتمالاً ترجمه این کتاب، در سال ۱۳۵۴ بوده است.

وارد ساخته و اشتباهات و عدم تخصیص وی در حوزه‌هایی را مشخص کرده و ضمن اشاره به تفاوت موضع‌گیری کلامی و فقهی مذهب اهل بیت با مذهب مختارنگارنده، در مواضع کلی اعتقادی و فقهی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی با وی هم صدا شده است.

کتابی که تا اینجا معرفی شد، از جمله مواردی بودند که آیت الله خامنه‌ای در همان دوران، به چاپ رسانیده بودند.

در ادامه، کتابی را معرفی می‌کنیم که توسط مجموعه‌های مسئول، در سال‌های پس از رهبری آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، با توجه به نوارهای موجود از جلسات تفسیرایشان، تهیه شده و به چاپ رسیده‌اند. ۳۴

ویرایش جدید کتاب «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن»

کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن که اولین بار در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات صهبا به چاپ رسید، پیاده شده‌ی نوارهای ضبط شده‌ی آن زمان است که پس از کمی بازنگری، یکسان‌سازی و ویرایش در دسترس عموم قرار گرفت. (تغییرات، بسیار جزئی بوده و محتوا دقیقاً همان محتوای است.) لازم به ذکر است، این کتاب، نسبت به کتابچه‌ای که قبل از انقلاب به چاپ رسیده بود، بسیار کامل‌تر بوده و حجمی چندین برابر دارد. این کتاب، تاکنون چندین مرتبه تجدید چاپ شده و باینکه بیش از ۴۰ سال از زمان ایراد مطالب آن می‌گذرد، اما همچنان مورد استقبال مخاطبین قرار دارد.

کتاب «مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری» در تفسیر سوره‌ی توبه

در طول دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سوره‌های مبارک مائده، انفال، توبه و بخشی از سوره‌ی مبارک یونس مورد بحث و تفسیر معظم‌له قرار گرفت که از این میان، اکنون متن درس تفسیر سوره‌ی مبارک توبه منتشر شده است.

این متن توسط گروه پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت و روش و قواعد تفسیری مورداستفاده‌ی معظم‌له در آن استخراج شد که ویراست اول آن در ۱۲۰ صفحه منتشر گردید.

کتاب «تفسیر سوره‌ی مجادله»

این کتاب متن ویراسته‌ی جلسات تفسیر سوره‌ی مجادله است. این جلسات در دوران مسئولیت ریاست جمهوری معظم‌له در جمع پاسداران و اعضای دفتر ریاست جمهوری در هفت نوبت از هفدهم اردیبهشت تا یازدهم تیرماه ۱۳۶۱ برگزار شده و تمام ۲۲ آیه‌ی این سوره مورد بحث قرار گرفته است. ایشان درباره‌ی علّت انتخاب این سوره و سوره‌های بعد که متن آن به زودی منتشر می‌شود می‌فرمایند: «علّت این که اینجا را انتخاب کردیم این است که سوره‌های جزء بیست و هفتم و بیست و هشتم و این حدود، غالباً سوره‌های مدنی است و از سوره‌هایی است که در مدینه‌ی طیبه بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و مربوط است به بعد از تشکیل حکومت اسلامی؛ یعنی مثل وضع کنونی ما. نوع مطالب و مسائلی که بعد از تشکیل حکومت برای یک جامعه لازم است با نوع مطالب و مسائلی که [مربوط به] حین مبارزه‌ی مردم برای تشکیل حکومت اسلامی است فرق می‌کند؛ کما این که شما در جامعه‌ی خودمان هم این را مشاهده می‌کنید.

امروز شما یک مسائلی دارید که این مسائل قبل از بهمن ۵۷ برای شما وجود نداشت، مطرح نبود؛ آن روز مسائلی داشتید که امروز برای شما مطرح نیست؛ مثلاً مسئله‌ی منافقین و مسئله‌ی نفاق، مسئله‌ی عدالت اجتماعی، مسئله‌ی حکومت، مسئله‌ی جهاد در جبهه‌های جنگ و ده‌ها مسئله از این قبیل، مسائل عمده‌ی بعد از تشکیل حکومت است و این مسائل همان مسائلی است که در آیات مدنی بیشتر به آن‌ها پرداخته شده.»

کتاب «تفسیر سوره‌ی برائت»

۳۶

«اکنون اگر بخواهیم جامعه‌ای که طبق اصول انقلابی به وجود آمده است و قوانین انقلابی بر آن حاکم شده، باقی باشد و تا قیامت بماند، باید عامل امر به معروف و نهی از منکر را در آن زنده کنیم؛ یعنی همه‌ی مردم را مسئول نگهداری روح انقلابی جامعه بنماییم و بگوییم: ای مسلمانان و ای مؤمنان! شما باید که باید تعالیم زنده و کلی و جزئی اسلام را زنده نگه دارید و همه‌ی شما مسئولید.»

این کتاب که جدیدترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی است، از تفاسیری که معظّم له در سال ۱۳۵۱ (از اوایل سال تا بهمن ماه) برای طلاب بیان داشته‌اند، تهیه شده و فروردین ماه ۱۳۹۷ منتشر شد.

● سابقه‌ی اجرایی در حوزه‌ی ...

سابقه‌ی اجرایی در حوزه‌ی قرآن کریم



از مهم‌ترین و مؤثرترین فعالیت‌های قبل از انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای، همان برگزاری جلسات تفسیر ۳۷ بود که جزئیات آن شرح داده شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام دغدغه‌ی قبل را داشته و علاوه بر این که جلسات تفسیر را ادامه دادند، فعالیت‌هایی چون تأسیس رادیو قرآن، تأسیس شورای عالی قرآن، ایجاد مرکز طبع و نشر قرآن کریم، ارتباطات مردمی، اهدای قرآن به خانواده‌های شهدا و دیدار مستمر و مؤثر با جامعه قرآنی را داشتند که در ادامه به شرح جزئیات بیش‌تر می‌پردازیم:

تأسیس رادیو قرآن

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۴، با درج مطلبی، خبر تأسیس رادیو قرآن را داد. عنوان خبر، جمله‌ای از ریاست جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای است که فرمودند:

«یکی از برکات دهه‌ی فجر امسال، شروع به کار فرستنده‌ی رادیویی صدای قرآن است.»
این روزنامه در ادامه با ذکر قسمتی از مصاحبه‌ی مدیر رادیو قرآن، درباره‌ی تأسیس آن، چنین آورده است:

«ایده تأسیس چنین رادیویی، از سوی حجت الاسلام خامنه‌ای به ما پیشنهاد شد.»
فلذا در سال ۱۳۶۲، شبکه‌ی رادیویی قرآن، با پیشنهاد و حمایت حضرت آیت الله خامنه‌ای به شبکه‌های صدای جمهوری اسلامی اضافه شد؛ شبکه‌ای که هم‌زمان با ایام دهه‌ی فجر و با تلاوت ترتیل سوره‌ی مبارک حمد و آیات ۱ تا ۲۱ سوره‌ی مبارک بقره توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای، آغاز به کار کرد. این دقت نظر معظم له نشان از دید باز و نگاه راهبردی ایشان در توسعه‌ی زیرساخت‌های قرآنی جامعه‌ی اسلامی است. ایشان که در ایام مبارزه، قرآن را محور مبارزه‌ی خود علیه طاغوت قرار داده بودند، پس از پیروزی انقلاب هم مسیر پیشرفت و اعتلای کشور را در هر چه بیش تر قرآنی شدن آحاد جامعه می‌دیدند. بالتبع تأسیس یک شبکه‌ی قرآنی که عموم مردم در سراسر کشور امکان بهره‌گیری از آن را دارند، گامی مهم در ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه بود.

معظم له در دیدار با مدیر و کارکنان رادیو قرآن، اهتمام ویژه‌ای برای پرداختن به قرآن لازم دانسته، می‌فرمایند:

«...رادیو قرآن یک برنامه‌ی قرآن نیست این را شما بدانید، رادیو قرآن است. فرق است بین برنامه‌ای در رادیو و بین رادیویی برای قرآن. این دوتا را باید از همدیگر تفاوت قائل شد و اشتباه نباید بشود این دوتا با همدیگر و الا حُب اگر قرار بود که برنامه‌ی قرآن باشد، حُب انسان صبح یک

ده دقیقه، یک ربعی توی رادیو قرآن هست... لکن این مورد نظر نیست.

ما برای پرداختن به قرآن یک اهتمام ویژه لازم داریم در همه‌ی قسمت‌ها و من مدّت‌ها قبل این صحبت را با بعضی از دوستان کردیم که اصلاً یک موسسه‌ی قرآنی به وجود بیاید. یک کمیته‌ای، یک سازمانی برای پرداختن به امور قرآن در کشور باید به وجود بیاید که حالا ان شاء الله همت کنند برادرها، بتوانند این کار را راه بیندازند. ما احتیاج به این داریم. شاید ده‌ها کار در رابطه‌ی با قرآن لازم است که انجام بگیرد. بعضی از این‌ها را دولت باید انجام بدهد، بعضی از این‌ها را علما باید انجام بدهند، بعضی از این‌ها را آحاد ملت باید انجام بدهند، بعضی از این‌ها را قراء، اساتید، مثل شماها باید انجام بدهید و سرجمع کردن این‌ها، برنامه‌ریزی کردن این‌ها، ۳۹ مانع‌شدن از فراموشی یکی از این‌ها، این کاریک دستگاه متمرکزی است، که البته رادیو قرآن به نظر من یکی از اهمّ این کارهایی است که باید انجام بگیرد.^۱

تأسیس شورای عالی قرآن

انتخاب تلاوت‌های اذان‌گاهی، اذان و نغمات دینی برای پخش در شبکه‌های صدا و سیما تا سال ۱۳۷۰ زیر نظر خود سازمان و کارشناسان آن بود. این موضوع و عدم ورود کارشناسان این فن، موجب پخش تلاوت‌های ضعیف و دور از شأن نظام اسلامی بود. معظّم‌له طی دریافت گزارشی از وضعیت نایب‌امان موجود، طی حکمی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۳ دستور به تشکیل شورایایی برای نظارت بر تلاوت‌ها

۱. دیدار با مدیر و کارکنان رادیو قرآن، به تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۱۱.

و نعمات دینی دادند که شورای عالی قرآن نام گرفت. بخشی از منویات معظّم له در حکم تأسیس بدین شرح است:

«... با توجّه به اهمیت قرآن مجید و نقش حیات بخش کلام الهی در جامعه اسلامی و نظر به لزوم پخش قرائت صحیح و دل‌نشین قرآن و سایر نعمات الهی از صداوسیما جمهوری اسلامی و به منظور سیاست‌گذاری، نظارت، هدایت و ارتقای برنامه‌های مربوط به قرائت قرآن، اذان، مناجات، ادعیه و تواشیح، هیئتی تشکیل شده و وظایف مربوط را به عهده بگیرند.»

۴۰ ایجاد مرکز طبع و نشر قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران

یکی از نیازهای ایران اسلامی بعد از انقلاب، برای توسعه‌ی فرهنگ قرآنی، راه‌اندازی سازوکار انتشار قرآنی با نگارش و علامت‌گذاری صحیح بود. اولین اقدام در ترویج فرهنگ قرآن، در سطح جامعه، نشر و در دسترس بودن آن بود. در دوره‌ی طاغوت در مکتب‌خانه‌ی شهری مانند مشهد، به دلیل اطمینان از صحت کتابت، قرآن‌های چاپ بمبئی مورد استفاده بود. معظّم له در کتاب شریف «شرح اسم»، ناظر به آن دوران می‌گویند: «شاید بتوان گفت قرآن‌های هندی جزو صحیح‌ترین قرآن‌ها هستند. قرآن‌های مصری و هندی هر دو صحیح هستند. برخلاف قرآن‌های ایرانی که غلط زیادی داشتند.»

در سال ۱۳۷۰، معظّم له در دیدار با اعضای سازمان دارالقرآن کریم به اهمیت موضوع نگارش درست لغات (رسم المصحف) اشاره کردند؛ لکن این موضوع مسکوت ماند تا این‌که در سال ۱۳۷۳ به دستور معظّم له هیئت امنای طرح «تهیه قرآن جمهوری اسلامی ایران» با اهداف زیر تشکیل شد:

● سابقه‌ی اجرایی در حوزه‌ی ...

۱. چاپ و نشر قرآنی مختص نظام جمهوری اسلامی که ضمن صحت کامل، دارای مختصات و ویژگی‌های ممتاز باشد.
۲. تدوین مبانی رسم صحیح و تدوین قرآن امام.
۳. ارائه‌ی الگوی تهیه‌شده برای نگارش یا چاپ قرآن‌های آتی و جلوگیری از اغلاط رایج در قرآن‌های موجود.
۴. تدویم مطالعات و تحقیقات در زمینه‌ی خط، رسم الخط و علوم قرائت و کتابت قرآن.
۵. طبع و نشر قرآن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم.
۶. نظارت کامل بر کار چاپ قرآن.

از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۹۴ این مرکز با همکاری ۷۱ ناشر، بیش از ۲۵ میلیون جلد قرآن به طبع رسانده است. در کنار طبع قرآن، این مرکز به چاپ نهج البلاغه، صحیفه‌ی سجادیه و مفاتیح الجنان هم اقدام کرده است.

ارتباطات مردمی

مکاتبات مردمی یکی از مواردی است که دغدغه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به قرآن را نشان می‌دهد. ایشان صبورانه پاسخ‌گوی نامه‌ها بوده و در جواب بسیاری از نامه‌ها، شاهد توصیه‌هایی به شرح زیر هستیم:

«خود را با عبادات و قرآن مأنوس کنید.»
 «از مزدهی حفظ قرآن در دل و ذهن شما دانشجوی عزیز خرسند شدم.»
 «قدر حفظ قرآن را بدانید.»
 «به حفظ قرآن همت بگذارید.»
 «با قرآن انس بگیرید و در آن تأمل و تدبیر کنید.»
 «انس با قرآن را نعمتی بزرگ شمارید.»

۴۲ اهدای قرآن به خانواده‌ی شهدا

اهدای قرآن به خانواده‌های شهدا از جمله فعالیت‌های معظم‌له در زمان ریاست جمهوری بوده که بعد از رهبری نیز ادامه داده شده است. در انتهای قرآن‌های اهدایی، دست‌نوشته‌ی معظم‌له دیده می‌شود و ایشان می‌فرمایند:

«بنده شاید حدود ۱۷ سال است که این‌گونه قرآن‌ها را می‌نویسم و به منازل شهدا می‌برم. اسم خودم را به امیدی کنار اسم شهید می‌نویسم و به خدای متعال عرض می‌کنم: الْمُجَالَسَةُ مُؤَثِّرَةٌ»^۱
 عموماً دست‌نوشته‌ها با دعا یا توصیه‌هایی همراه است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 «خدا توفیق انس با قرآن را به شما مرحمت فرماید ان شاء الله!»

«با قرآن عزیزانس بیابید و در آن تدبیر کنید.»^۱

«امید است در پرتو قرآن، خوش بخت و در راه آرمان‌های قرآنی ثابت قدم باشد ان شاء الله!»^۲

دیدار با جامعه قرآنی

در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، شاهد جلوه‌هایی دیگری از توجه معظم‌له به قرآن هستیم که در ادامه به مواردی اشاره خواهیم داشت:

مسابقات بین‌المللی قرآن کریم

یکی از باارزش‌ترین فعالیت‌های قرآنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در کشور جمهوری اسلامی ایران است. این مسابقات با تدبیر و حمایت مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۰ (۱۴۰۲ هجری قمری) تاکنون توسط سازمان اوقاف و امور خیریه با شرکت ده‌ها قاری و حافظ از سراسر جهان اسلام در تهران برگزار می‌شود.

حضور بی‌نظیر و همیشگی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای عنه‌السلام و بیانات ایشان از اولین دوره مسابقات تاکنون چه در سمت ریاست جمهوری و چه در دوران زعامت و رهبری معظم‌له، از بهترین دستاوردهای این رویداد بزرگ بوده است که به لحاظ توجه دادن جامعه به اهمیت انس با قرآن،

۱. دست‌نوشته‌ی قرآن‌اهدایی به فرزند شهید صیاد شیرازی.

۲. دست‌نوشته‌ی قرآن‌اهدایی به مناسبت جشن تکلیف آرمیتا رضایی نژاد.

تسبیب رابطه انقلاب ایران و قرآن، روشنگری در زمینه دوری جهان اسلام از قرآن و لزوم بازگشت دولت‌ها و ملت‌های مسلمان به معارف حیات بخش آن و بیان توصیه‌ها به جامعه قرآنی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مهم تر آن‌که این رهنمودها، در حال و آینده می‌تواند برای گسترش و تعمیم فرهنگ غنی قرآن بسیار راهگشا باشد.

محافل انس با قرآن

۴۴

دومین جلسه‌ی دیدار آیت الله خامنه‌ای با جامعه قرآنی، همان محفل انس با قرآن است که همواره اولین دیدار آیت الله خامنه‌ای در ماه مبارک رمضان را به خود اختصاص می‌دهد. ایشان در ابتدای یکی از محافل، به این نکته اشاره کرده و فرمودند:

«خداوند متعال را شکرگزاریم که عمر داد و توفیق داد تا بتوانیم امسال هم ماه مبارک رمضان را با این محفل نورانی آغاز کنیم.»^۱

آیت الله خامنه‌ای با حضور چند ساعته خود، استماع تلاوت‌ها و نهایتاً ایراد بیاناتی در حوزه قرآن کریم، این جلسات را مورد توجه خود قرار می‌دهند.

۱. بیانات در محفل انس با قرآن به تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

جایگاه قرآن کریم در اندیشه‌ی آیت الله العظمی خامنه‌ای



آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه به دنبال برپایی حکومتی شایسته در جوامع اسلامی بودند که در تمام مؤلفه‌های آن از قرآن کریم استخراج، استنباط و تفسیر گردد.

۴۵

«حفظ قرآن قدم اول است. اولاً حفظ را باید نگه داشت؛ بنابراین حافظ قرآن باید تلاوت‌کننده‌ی مستمر قرآن باشد؛ یعنی مرتباً بایستی قرآن را تلاوت کند؛ ولاً حفظ از دست خواهد رفت. بعد بایستی این حفظ کمک کند به تدبیر که این جور هم هست، حفظ حقیقتاً کمک می‌کند به تدبیر. آنجایی که شما قرآن را تکرار می‌کنید، حافظید و می‌خوانید، فرصت تدبیر و تعمق در آیات قرآن برای شما پیدا می‌شود. البته انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین می‌کنند، خیلی لازم است. وقتی حفظ باشد و این انس با تفسیر هم باشد و تدبیر باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه‌ی ما هست، پیش می‌آید: شکوفایی قرآنی. شما تصور کنید در کشور ما ۱۰ میلیون، ۱۵ میلیون کسانی باشند از مردان و زنان که این‌ها با معارف قرآن آشنا باشند، ببینید این چقدر با ارزش است. آموزش‌های قرآنی را، درس‌های قرآنی را، نصایح قرآنی را، اندازهای قرآنی را، بشارت‌های قرآنی را در ذهن داشته باشند، آن‌ها را مرور کنند، آن‌ها

را بردل خودشان فرابخوانند؛ اصلاً یک ملت پولادینی به وجود می‌آید. خوشبختانه زمینه‌هایش فراهم است. امروز هم عزم و اراده‌ی ملت ما عزم پولادینی است؛ اما آن ساخت قرآنی جامعه، در آن صورت به دست خواهد آمد که ما امیدواریم ان شاء الله این پیش‌بیاید.^۱

ایشان در کتاب طرح کلی اشاره داشتند:

«امروز روزی است که به قرآن مراجعه باید بکنیم. شرط اولش این است که قرآن را بفهمیم... آن کسانی که راه‌ها و شیوه‌ها و روش‌ها را برای زندگی مردم جعل می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند، آیا یقین دارند به صحت این راه‌ها؟ ... یقین هم ندارند؛ «وَأَن هُمْ إِلَّا يَخُرْصُونَ»، با تخمین، با گمان، با فرضیه و تئوری، مردم دنیا را، جامعه‌های بشری را می‌خواهند اداره کنند، با تئوری؛ اما خدا با تئوری کسی را اداره نمی‌کند؛ با متن واقعیت، با علم و دانش به معنای واقعی، انسان‌ها را به راه راست هدایت می‌کند. «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ»^۲؛ یقیناً پروردگار توسست داناتر به حال آن کسانی که گمراه می‌شوند از راه او، «وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» و او داناتر است به راه‌یافتگان و هدایت‌شدگان.»^۳

سال ۱۳۷۰ نیز در دیدار با قاریان قرآن به اهمیت و لزوم توجه به آن در جامعه اشاره کرده، فرمودند: «... من می‌گویم که در جامعه، قرآن اصل است. اَمّت حزب الله باید یواش یواش با قرآن آشنا بشوند؛ آن‌طوری که بتوانند مستقیم قرآن را از شماها گوش کنند و بفهمند. شما باید بتوانید در

۱. بیانات به تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۱.

۲. سوره‌ی مبارک انعام، آیه‌ی ۱۱۷ و ۱۱۸.

۳. طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن؛ جلسه‌ی یازدهم.

یک مجلس بالای منبر بروید، آیات قرآن را بخوانید و مردم با شنیدن این آیات اشک بریزند؛ ما این را می‌خواهیم.»^۱

در سال ۱۳۸۸، در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه اشاره داشتند که مسئولین نظام باید اهداف، خصوصیات و عملکردشان براساس دین باشد و این همان عمل به قرآن است:

«با قرآن باید عجبین شد؛ مفاهیم قرآنی مفاهیمی است برای زندگی؛ فقط معلومات نیست... نظام جمهوری اسلامی، نظام دین‌مدار، یکی از بزرگ‌ترین اقلام عمل به قرآن است که این را انقلاب برای ما تأمین کرد... ایجاد یک نظام مبتنی بر دین که مسئولان این نظام، هویتشان، اهدافشان،

خصوصیاتشان، عملکردشان، ارتباطشان با مردم، عملکردشان برای مردم براساس دین باشد - بر ۴۷ اساس دستور دینی و دستور اسلامی باشد - این همان بزرگ‌ترین قلم از اقلام عمل به قرآن است؛ ... بایستی کارهای اساسی را انجام داد، برای این‌که محتواها به معنای حقیقی کلمه قرآنی بشود؛ رفتار فردی ما، رفتار مدیریتی ما، رفتارهای سازمانی ما، رفتار ما در آموزش و پرورش - یعنی دستگاه آموزش و پرورش ما شامل دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و حوزه‌ها و همه‌جا - رفتار در درون خانواده‌ی ما، رفتارهای سیاسی ما، رفتار بین‌المللی ما، همه براساس اسلام باشد؛ این کی خواهد شد؟ آن وقتی که ما با مفاهیم قرآن، به درستی آشنا باشیم.»^۲

آیت الله خامنه‌ای در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن سال ۱۳۷۹ اشاره داشتند که مکاتب اجتماعی

دنیا پاسخ‌گوی نیازهای انسان‌ها نبوده و قرآن کریم راه صحیح را نشان می‌دهد:

۱. بیانات در دیدار با قاریان قرآن، به تاریخ ۱۳۷۰/۱/۲۲.

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور به تاریخ ۱۳۸۸/۰۷/۲۸.

«امروز مکتب‌های فلسفی و مکتب‌های معرفتی دنیا، در کار بشریت درمانده‌اند. باور کنید مکاتب اجتماعی دنیا در کار انسان درمانده‌اند و راه پیدا نمی‌کنند. آن مارکسیسم بود که آن‌طور شکست خورد و نابود شد. مکاتب غربی نیز همین‌طورند؛ درمانده‌اند. دلیل درماندگی‌شان این است که در غرب علم هست، پول هست، قدرت نظامی هست؛ سعادت نیست؛ سکینه و طمأنینه نیست؛ آرامش معنوی نیست. پس آن نسخه، نسخه‌ی ناکامی است؛ نسخه‌ی شکست خورده‌ای است؛ اما قرآن و آیین اسلام، به انسان، هم علم می‌دهد، هم رفاه می‌دهد، هم عزت می‌دهد، هم سکینه می‌دهد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْخِرُوا إِيْمَانَهُمْ»؛ «فَإِنَّ لِلَّهِ سَكِينَةً عَلَى رُسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى». علاوه بر لذت دنیوی، رفاه مادی و قدرت علمی، سکینه و طمأنینه می‌دهد و آرامش می‌بخشد و این در تاریخ تجربه شده است؛ امروز هم قابل تجربه شدن است. در ایران اسلامی، مایک قدم کوچکش را برداشتیم؛ آثارش را هم مشاهده کردیم؛ برکاتش را هم دیدیم و هرچه جلوتر برویم، بیش‌تر خواهد شد. امروز علاج امت اسلامی این است؛ مقدمه و صراط مستقیمش همین قرآن کریم است.^۱

ایشان در دیدار با قاریان قرآن سال ۸۸ نیز، علاج دردها و ضعف‌های دنیای اسلام را در آیات قرآن دانسته، فرمودند:

«عزیزان من! بدانید که امروز دنیای اسلام محتاج قرآن است. در مضامین آیات سوره‌های آل عمران، بقره، انبیاء و احزاب، مطالبی وجود دارد که امروز علاج دردها و ضعف‌های دنیای

۱. سخنرانی در مراسم اختتامیه‌ی مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم به تاریخ ۱۳۷۹/۰۸/۰۹

اسلام است و این‌هاست که ایمان انسان را عمیق و راسخ می‌کند؛ معرفت انسان را روشن و آگاهانه می‌کند؛ نیروی حیاتی انسان را به میدان می‌آورد و از آن‌ها کار می‌کشد. آن وقت جامعه‌ای با این خصوصیات، هم ترقّی می‌کند، هم روحیه می‌گیرد. وقتی جامعه‌ای روحیه‌اش قوی شد، دشمن نمی‌تواند به آن زور بگوید... نه دشمنان بیرونی و نه دشمنان درونی (تنبلی و بی‌عاری و بی‌کاری). این‌که در روایت دارد: «وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ» برای این است که قرآن را فقط برای این‌که اسم و رسم بیابند یا مشغولیتی برای خودشان درست کنند، نخوانند؛ بلکه قرآن را به جهت این‌که درمان‌های اصلی از آن است بخوانند. داروی قرآن را روی درد جان و وجود و باطن خود بگذاریم و با قرآن این دردها را شفا دهیم. این کار، احتیاج دارد به این‌که فضا قرآنی شود.^۱

وجود چنین دیدگاهی نسبت به قرآن کریم سبب شده است آیت‌الله خامنه‌ای پس از رهبری نیز، در بسیاری از بیانات خود به آیات قرآن استناد کرده، نشان دهند مسیر انتخابی برای پیشرفت انقلاب اسلامی، برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات است. به صورت موردی نیز در تمام مباحث منظومه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان تطبیق اندیشه‌ی ایشان با قرآن را دریافت که پرداختن به آن بسیار مفصل بوده و از حوصله‌ی بحث، خارج است.

در ادامه، خاطرات یکی از نزدیکان و دوستان ایشان را مرور می‌کنیم که با بیانی متفاوت، در تأیید آنچه تا به حال گفتیم، است.



حسن ختام مروری بر چند خاطره قرآنی به نقل از استاد سادات فاطمی

استاد حاج سید مرتضی سادات فاطمی، خادم، حافظ و قاری بزرگ قرآن کریم هستند که تقریباً همه‌ی ما در گوشه و کنار و از طرق مختلف صدای قرآن و اذان این استاد عظیم الشان قرآن کریم را، چه از رادیو و تلویزیون و چه از مناره‌های بلند مسجد مقدس گوهرشاد، شنیده‌ایم. ایشان به خاطرات خود با معظم له مختصراً اشاراتی داشتند که در ادامه به مرور آن‌ها می‌پردازیم؛ چرا که حقیقتاً هریک از آن‌ها حاوی نکات ظریف و دقیقی از عظمت علمی و معنوی رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) است.

آرزوی «انس جامعه با قرآن»

سادات فاطمی با اشاره به دغدغه‌ی قرآنی رهبر معظم انقلاب علیه السلام می‌گویند:
من یک سخنرانی از رهبر معظم انقلاب سراغ ندارم که در آن اشاره‌ای به قرآن نداشته نباشند،

حتّی در جمع‌های غیرقرآنی ایشان مرتّب اشاره به قرآن دارند و حتّی زمانی به من فرمودند: «یکی از آرزوهای من این است که مردم ما این قدر با قرآن انس بگیرند و قرآن را بفهمند که همان‌طور که مساجد را پر می‌کنند و یک منبری برایشان سخنرانی می‌کند، همان‌طور هم مساجد را پر کنند و یک قاری برایشان قرآن بخواند.»

وی با بیان این‌که حضرت آقا همیشه بر امر تلاوت قرآن تأکید داشتند، ادامه داد: قبل از انقلاب در مشهد جلسات قرآنی با حضور آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شد و به همین منظور مشهد به عنوان پایگاه قاریان قرآن معروف شده است. خود ایشان به بنده توصیه کردند که علاوه بر قرائت اساتیدی نظیر «منشأوی»، «علی‌البناء» و «عبدالباسط» به تلاوت و تقلید از مصطفی اسماعیل هم بپردازم.

۵۱

سادات فاطمی اضافه کرد: در جلسات تفسیر و سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مشهد نیز همیشه تأکید ایشان بر این بود که پس از بحث‌ها و سخنرانی‌ها تلاوت قرآن با صوت یک قاری برتر انجام شود و این نشان از اهمیت دادن آیت‌الله خامنه‌ای به فعّالیت‌های قرآنی است.

تخصص در همه فنون قرآنی

قبل از این‌که شحات انور به ایران بیاید، آقا در جمعی فرمودند که او موسیقیدان عظیمی است. ایشان شحات را ندیده بودند؛ امّا نوارهایش را گوش داده بودند. بعد از این‌که برای اولین بار به ایران آمد در مصاحبه‌اش گفته بود که من دو سال تخصصی روی موسیقی و نغمات مطالعه کرده‌ام. آقا صرفاً از خوانندش به این مسئله پی برده بودند. این نشان می‌دهد که ایشان در همه‌ی فنون قرآنی متخصص و صاحب‌نظرند.

شناخت بسیاری از قراء و داشتن نوارهایشان

رادیو قرآن به دستور حضرت آقا راه افتاد، مسئول رادیو قرآن روزی به من می‌گفت: «یک بار رفته بودم خدمت آقا، ایشان به بنده فرمودند: «چرا نوارهای «کامل یوسف» را پخش نمی‌کنید؟!» برای من جای تعجب بود که آقا کامل یوسف را از کجا می‌شناسند؟! من (استاد سادات فاطمی) به او گفتم: کجای کاری آقا جان؟! ایشان بسیاری از قراء را از قبل از انقلاب می‌شناختند و نوارهای آن‌ها را داشته‌اند. من خودم قبل از انقلاب، جزء اولین افرادی بودم که به شیوه‌ی جدید و اصطلاحاً مصری می‌خواندم، اگرده نفر مصری بلد بودند یکی من بودم، اما مصطفی اسماعیل را نمی‌شناختم! تا این‌که آقا یک روز به من گفتند: «حیف نیست شما مصطفی اسماعیل نمی‌خوانید؟!» نوارهایش را ایشان به من دادند و از آنجا با او آشنا شدم. آقا واقعاً در همه‌ی مسائل خبره هستند.

۵۲

دقت در قرائت و تذکر اشتباهات به قراء

در یک محفل قرآنی خدمت مقام معظم رهبری بودیم، آقای سعیدیان قاری معروف آیاتی را تلاوت کردند. رسم است که قاری بعد از تلاوت خدمت حضرت آقا می‌رود و با ایشان خوش و بش می‌کند، آقای سعیدیان که رفتند خدمت آقا، ایشان فرمودند: «شما یک وقف «میم لازم» را عبور کردید!» آقای سعیدیان بعد از جلسه به بنده گفتند: «به نظرم آقا اشتباه کردند، من خیلی مراقب بودم که در قرائتم اشتباهی رخ ندهد». گفتم: «امکان ندارد آقا اشتباه کرده باشند، قرآن همراهتان هست؟» در قرآن جیبی شان آیات تلاوت شده را باز کردند، دیدیم که بله، حضرت آقا صحیح فرموده بودند؛ ایشان خیلی دقیق قرائت آقای سعیدیان را بررسی کرده و اشتباهشان را متذکر شده بودند.

منابع:

- کتاب «شرح اسم»، زندگی نامه آیت الله سید علی خامنه‌ای؛ بهبودی، هدایت الله؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- کتاب «از نیمه خرداد»، طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای؛ غفاری، مصطفی؛ نهضت نرم افزاری، وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
- کتاب «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن»؛ انتشارات صهبا.
- مقاله «نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای (علیه السلام)»؛ عینی زاده، مؤدب؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال یازدهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۱، ص ۱۵۳-۱۷۵.
- مقاله «بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظم رهبری»؛ علوی مهر، مروجی طبسی؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۹ از ص ۴۵ تا ۹۲.
- پایان نامه «بررسی روش تفسیری آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای»؛ خواجه، زهرا؛ دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم؛ شهریور ۱۳۹۴.



العربية.

المقدمة

يعكس التأمل في حياة القائد المعظم (مدّ ظله العالي) مدى التفاعل والأنس الذي يعيشه سماحته مع القرآن الكريم منذ ريعان شبابه الى يومنا هذا حيث يعيش العقد السابع من عمره المبارك وبأجمل صورة، يمكن معه القول بأنّ البعد القرآني يمثل أحد أركان شخصيته (حفظه الله).

من هنا ارتأت لمنظمة الأوقاف والأمور الخيرية عشية إقامة مسابقة القرآن الكريم الدولية بدورها الخامسة والثلاثين، تقديم هذه الورقة تحت عنوان **القائد القرآني** لا لتسليط الأضواء على الجانب القرآني في شخصية سماحته طيلة سبعة عقود من النشاط القرآني فحسب، بل لبيان مدى التطابق بين منظومته الفكرية وقيم ومفاهيم القرآن الكريم وانسجامها مع المبادئ والأسس الإسلامية بشكل واضح. أملاً في الانتهال منها.

منظمة الأوقاف والأمور الخيرية



أسرة القائد والقرآن الكريم

٥٦

إذا أردنا رصد العلاقة بين السيد القائد والقرآن الكريم، وتأثر منظومته الفكرية والقيمية بمفاهيم الكتاب المجيد لابد أولاً من الانطلاق من محيطه الأسري؛ باعتبار أن مؤسسة الأسرة هي القاعدة الأساسية والركيزة الأولى لبناء الشخصية وتحديد معالمها، وللدور المهم الذي تقوم به في تشكيل معالم أفرادها. ولد السيد عليّ الحسيني الخامنئي عام ١٣٥٨ هـ [١٩٣٩م] في مدينة مشهد المقدسة في عائلة علمائية محترمة.

والده هو آية الله الحاج السيد جواد الخامنئي (١٢/٧/١٨٩٥ - ٥/٧/١٩٨٦م)، من مجتهدي وعلماء عصره الموقرين الذين تخرجوا من حاضرة النجف الأشرف التي شدّ الرحال إليها سنة ١٣٤٥ هـ. بعد فراغه من دراسة السطوح في تبريز والهجرة إلى مشهد المقدسة، متلمذاً في الفقه والأصول على يد كبار أعلام المدرسة النجفية حيث حضر دروس كل من الميرزا محمد حسين النائيني، والسيد أبو الحسن الأصفهاني والآقا ضياء الدين العراقي، ونال درجة الاجتهاد من الأعلام الثلاثة المذكورين. والدته السيّدة خديجة ميردامادي كريمة آية الله السيّد هاشم نجف آبادي من علماء «مشهد» المعروفين وكان من المهتمين بالشأن القرآني وكان له مجلس تفسير في أحد أروقة مسجد كوه رشاد. وضمت حلقة درسه الكثير من الطلاب والفضلاء والشباب من عشاق المعارف القرآنية.

أسرة القائد والقرآن الكريم

وكانت والدته المكرمة السيّدة خديجة امرأة عفيفة شريفة عالمة متفهمة، زاهدة، متخلّقة بالأخلاق الإلهيّة، وكانت على معرفة جيدة بآيات الذكر الحكيم والأحاديث الشريفة والتاريخ وعلوم اللغة والأدب. وكانت رحمها الله تنقل ما تراكم لديها من إرث معرفي وعلوم تفسيرية ومعارف تاريخية استقتها خلال قراءتها لكثير من المصادر من قبيل كتاب روضة الصفا، عن حياة الأنبياء والأئمة المعصومين عليهم السلام، على شكل حكايات وقصص تسردها على أولادها الصغار، وكانت تتلو القرآن بصوت رخم، وقد أشار السيّد المرشد إلى هذه الحقيقة قائلاً: «إن أوّل ترنيمة قرآنية طرقت مسامعي كانت بصوت الوالدة التي ما فتأت تتلو القرآن بصوت رخم... وكنا نجتمع حولها ونستمع ترانيمها العذبة التي تحترق شغاف القلب، ونصغي لترجمتها لآيات الذكر الحكيم».

وأضاف: «كانت الوالدة هي أوّل من فتح لي الآفاق على حياة كلّ من النبيّ موسى وإبراهيم وبعض الأنبياء عليهم السلام عندما كانت تتلو علينا كتاب الله، فقد كانت تقف عند حياة هؤلاء العظماء لتشرح لنا أبعادها». هذه الاجواء المفعمة بتلاوة كتاب الله التي عاشها والداها كانت هي النافذة التي أطل منها السيّد علي الخامني على عالم القرآن الكريم الرحب لينهل من حياضه ويرتق في حدائقه الغناء وينمو في فضائه الطلق، الأمر الذي جعله يعشق القرآن الكريم ويأنس بكلام الوحي حيث كان.

الدراسات القرآنية

التحق السيّد الخامني بالكتاتيب وهو في الرابعة من عمره. ومع بلوغه الخامسة من عمره التحق بالمدرسة الابتدائية، ولأنه كان يتمتع بصوت جميل ويجيد تلاوة كتاب الله اختياراً قارئاً لكتاب الله وقد اشتهرت تلاواته على نطاق ضيق.

ولتنمية قدراته هو وأخوته على تلاوة كتاب الله طلب والده السيّد جواد من الحاج رمضان بندگان تعليمهم أصول التلاوة وقواعد التجويد، تلاه في المهمة الملاعباس الذي كان يعد حينها من أبرز القراء في مدينة مشهد المقدسة فكانت حصيلة ذلك أن اجتاز السيّد قواعد التجويد كلها بنجاح. وهناك وثيقة تسجّل تصدّي السيّد القائد لتدريس قواعد التجويد وهو في سن الثانية عشرة من عمره، وكانت تلك المرحلة بمثابة الانطلاقة الاولى لنشاطه القرآني^١.

ومن الأمور التي أسف عليها السيّد القائد أنه لم يشرع في حفظ القرآن الكريم في تلك الحقبة الزمنية من عمره الشريف بالرغم من حفظه لبعض أجزاء المصحف المبارك في سني عمره اللاحقة، كما أسف وبشده لعدم تمكّنه من حفظ المصحف الشريف.

بدأ السيّد الخامنئي دراسات العلوم الحوزوية ولم يزل في الصف الخامس الابتدائي، وبعد الفراغ من مرحلة الدراسة الابتدائية دخل عالم الدراسة الحوزوية متدرجا فيه حتى حضر سنة ١٣٣٤ هـ من حضور أبحاث الخارج في الفقه لأية الله السيّد محمد هادي الميلاني، ثم شدّ الرحال صوب النجف الاشرف لينهل من نير أعلامها لفترة قصيرة عاد بعدها للدراسة في مدينة قم المقدسة متلمذا على يدي كبار علمائها، وفي تلك الحقبة أولى اهتماما كبيرا بعالم التحقيق والمطالعة والتدريس. ومع حلول العام ١٣٤٣ هـ [١٩٦٤م] عاد إلى مشهد المقدسة لرعاية والده الذي كان يعاني من مشكلة في البصر، فالتحق من جديد بحلقات درس السيّد الميلاني إلى سنة ١٣٤٩ هـ [١٩٧٠م]. يؤمن آية الله الخامنئي (مدّ ظله العالي) بعدم كفاية حلقات القراءة ما لم تكن منطلقاً لتعزيز

١. توجد صورة للسيّد القائد كتب خلفها بخط يده: «العمر ١٢ سنة، الصف السادس الابتدائي... اليوم الجمعة بعد الفراغ من تدريس قراءة القرآن الكريم وكان القراء من طلاب نفس المدرسة التي أنتمي إليها. وكان الحضور أنا مع عدد من طلاب الصف السادس الابتدائي وسائر الحضور من تلاميذ الصفوف الاخرى.

أسرة القائد والقرآن الكريم

المفاهيم القرآنية في الوسط الاجتماعي^١ ولطالما أكد على التركيز على البعد المعرفي والخوض في غمار المعارف القرآنية وتفعيل مفاهيمه وانزالها إلى الواقع الاجتماعي. وقد انجربه هذا الفهم وتأكيده الدائم على ضرورة ارتباط الشباب بالجانب المفاهيمي للقرآن إلى انطلاقة فصل جديد في حياته تمثل بالبعد الثوري والسعي لتحقيق نظام يقوم على أسس قرآنية.

١. قال في كلمة ألقاها بمناسبة أسبوع الوحدة الإسلامية في طهران بتاريخ ١٧ ربيع الأول ١٤١٥ هجري. بحضور رؤساء السلطات الثلاث وعدد من مسؤولي الجمهورية الإسلامية، والضيوف المشاركين في المؤتمر الدولي لوحدة الإسلامية: إذا كانت الحكومة تستند إلى الإسلام، فمعنى ذلك أن الإسلام يعمل به فيها. لكن حينما يكون الإسلام موجوداً في المجتمع على شكل عقائد وأعمال فردية من دون أن تكون هناك حكومة للدين، فإن القرآن والإسلام يصحان مهجورين في ذلك المجتمع. فما معنى قول الله ﷻ في القرآن الكريم في سورة الفرقان: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؟ «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». لا يعني أن المسلمين تخلوا عن القرآن وعن الإسلام وأبعدوها عن حياتهم من الأساس، فهذا ليس اتخاذ كما عبر القرآن الكريم: «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». يعني أن القرآن موجود بين ظهرانيهم لكنه مهجور وبعيد عن ساحة الحياة. فإذا يعني هذا؟ إن هذا يعني أن القرآن يُبلى من قبل أفراد المجتمع، ويحترم في الظاهر، ولكن لا يُؤخذ بأحكامه وقوانينه. فبجحة فصل الدين عن السياسة سُلب من القرآن الكريم حقه في حكم المجتمع. فعنى هجر القرآن يعني أن يبقى للقرآن اسم ولكن لا تكون له أية سلطة في المجتمع. وعلى هذا فإن أية بقعة من العالم الإسلامي لا تكون فيها الحكومة للقرآن تعتبر مصداقاً لشكوى النبي ﷺ. ويرى سماحته أن إقامة نظام يستند إلى الأسس الدينية تعني تكرار تجربة النبي الأكرم ﷺ عند هجرته إلى المدينة المنورة، فما لم يكن هناك مجتمع إسلامي لا وجود للنظام الإسلامي، ومع عدم وجود مركزية للسلطة يمكن أن يحمي جميع الأنشطة الاجتماعية، فالعمل لا يضمن. فقبل نجاح الثورة الإسلامية كان هناك رجال يتحرقون لما آلت إليه حالة الناس وكانوا يعظون ويظهرون النصيح للناس وكان لوعظه اثرما، لكنه غير مجدي بالكامل ولم يترجم إلى الواقع العملي، لماذا؟ لأن النظام هو نظام الباطل؛ لأن توجه المجتمع كان يسير باتجاه مناهضة العدالة والانصاف وضد المروءة ومعاديا الأخلاقية. التوجيه مهم. ومبدأ التوجه بتشكيل النظام.



الجدور الثورية والتفسيرية

الانطلاقة الثورية واعتماد الحلقات التفسيرية كأحد خطوط المواجهة

كان الإمام الخامني عليه السلام من الرواد الأوائل الذين التحقوا بحركة الإمام الخميني عام ١٣٤١ هـ ش [١٩٦٢م]، وتمثلت باكورة نشاطه السياسي بطبع ونشر بيانات الثورة وخطابات الإمام عليه السلام، مما ساعد على تعزيز الوعي لديه بقيمة الثورة وتجلي أبعاد الرؤية السياسية للإمام الخميني عنده بشكل واضح. ٦٠ وكان في غاية الحرص على فهم كيفية تشكّل الوعي الثوري والرؤية السياسية للإمام الخميني، ومعرفة العوامل والشخصيات التي تأثر بها الإمام الخميني رحمه الله وغير ذلك من الاسئلة التي أخذت حيزاً كبيراً من فكر السيد الخامني.

وخلص إلى أنّه بصرف النظر عن التأثير الكبير الذي تركه كلّ من آية الله السيّد حسن المدرس وآية الله الميرزا محمد علي الشاه آبادي على فكر الإمام الخميني، فإن مواهبه وذكاءه الحاد ووعيه الاجتماعي وفهمه العميق للقضايا الإسلامية هو ما أدى إلى بناء كيانه وتكامل شخصيته السياسية وجعله في طليعة كبار الثوريين، فضلاً عن الشجاعة الفائقة التي تحلّى بها الإمام والتي تمثل إرثاً أسرياً أخذه عن آبائه العظام. لذا، هناك مجموعة من العوامل كالتدين والشجاعة والوعي السياسي والإستلهاً من الجانب السياسي لحياة كل من السيّد حسن المدرسي والشاه آبادي، ساعدت في

انبثاق البعد الثوري الذي اتصف به الإمام الخميني (رحمه الله). وكان السيد الخامني يعي كل تلك العوامل ويضعها تحت مظلة ما يسمّى «بالحافظ الديني».

مع اطلالة العام ١٣٤٢هـ ش [١٩٦٣م]، دخلت ثورة الشعب الإيراني بقيادة الإمام الخميني رحمه الله مرحلة جديدة، وعقب قمع هذه الحركة من قبل النظام الشاهنشاهي، انتهجت مختلف التيارات السياسية والاجتماعية سياسات مختلفة، وكان السيد الخامني إلى جانب مؤازرته لسائر رجالات الثورة، قد سار باتجاه تعزيز البعد الثوري لدى الجماهير متخذاً من الحلقات التفسيرية منطلقاً لحركته الثورية هذه. كما حاول رسم خطة لخلق مجتمع مؤمن لا يرضخ للواقع المزري الذي يعيشه العالم آنذاك، مجتمع قادر على وضع الحلول الناجعة لإدارة التغيير، ويستند في نهجه هذا على العودة إلى القرآن الكريم متبعاً مقولة «الدين بحده الاكثري».

وقد تسببت ظروف ذلك الوقت في مراقبة جميع أنشطة آية الله الخامني وغيره من النشطاء من قبل قوات الأمن (السافاك)، بحيث كان رجالها ومخبروها السريون يحضرون جميع خطباته ومجالسه لمراقبة ما يتفوه به سماحته وتديوين كلامه ضمن تقارير سرّية يرفعونها إلى الجهات الأمنية العليا؛ وقد أشار سماحته إلى تلك القيود المفروضة من قبل السلطات والتضييق على حرية التعبير عن الرأي والحديث مع الجماهير بحرية، وكيف كان يتعامل معها، بقوله:

«كنت لا أتردد في قول ما أعتقد بأنه يضرّ النظام ويؤدي السلطات بشدّة ولكن بلا أدنى تصريح ولو بإشارة طفيفة إلى الجهاز الحاكم. بل كنت اجتنب اعتماد أسلوب التلميح أو الكناية المشيرة للنظام الحاكم مطلقاً.»

ومع ذلك، ساهمت تقارير الوشاة والمخبرين في اعتقال السيد لأكثر من مرة، فقد بلغت اعتقالات السافاك له ست اعتقالات قبل انتصار الثورة، وحكم عليه بالإبعاد إلى مناطق نائية من إيران.

حلقات التفسير قبل انتصار الثورة الإسلامية

بلغت عدد الدورات التفسيرية التي أقامها السيّد حفظه الله حتى انتصار الثورة الإسلامية تسع دورات تفسيرية، نشير إليها تباعاً:

الحلقات التفسيرية في «باين خيابان»

وهذه هي أولى الدورات التفسيرية التي قام بها سماحته وذلك في بدايات سنة ١٣٤٣ هـ ش ١٩٦٤م تلبية لطلب عدد من سكان حيّ «باين خيابان» الذين دعوه لإلقاء محاضرات في التفسير فاستجاب لدعوتهم، فشرع بإلقائها بعد إطلاق سراحه من السجن الثاني طيلة شهر رمضان من ذلك العام، في حشد من رجال الأعمال، والتجار في مشهد، وعدد قليل من رجال الدين النشطين الذين كانوا مهتمين في الشؤون السياسية، جعل محورها تفسير «سورة المائدة» وعرفت تلك المحاضرات حينها باسم «محاضرات باين شهر».

٦٢

جلسات التفسير إبان المطاردة والتخفي

كان لشغف السيّد بالمعارف والقيم القرآنية الدور الفاعل في دفعه لاستغلال أدنى الفرص مهما قصرت لنشر معارف القرآن وترويج مفاهيمه حتى في أحلك الحالات وفي الظروف الصعبة التي كان يعيشها رجال الثورة والاضطهاد الذي يتعرضون له، ففي عام ١٣٤٥ هـ ش [١٩٦٦م]، قام بعقد مجموعة من المحاضرات التفسيرية التي ألقاها على بعض المقربين منه عند فراره من أعين السلطات في مدينة مشهد والاختفاء في طهران وذلك في ليالي شهر رمضان الكريم، وقد وصف سماحته تلك الحلقات

التفسيرية بقوله:

«كانت جلسات جيدة ومفعمة بالحياة والنشاط وكان محور البحث فيها تفسير سورة الكهف».

حلقات التفسير في مدرسة الميرزا جعفر

في المرة الثالثة التي تم اعتقاله في شهر فرودين عام ١٣٤٦ هـ ش [نيسان ١٩٦٧ م]. وبعد إطلاق سراحه قام بزيارة السجناء السياسيين في طهران، وقد حاول من خلال الاتصالات مع الثوار في مناطق مختلفة من البلاد، لتنظيم شؤون الثوار والثورة، وتدريب أجيال جديدة من المقاتلين والثوار على أساس الفكر الإسلامي، وخاصة بين طلاب الحوزة والطلاب الجامعيين محاولاً اعتماد مبادئ النضال المستقاة من القرآن والحديث، في مقابل الفكر الماركسي والليبرالي وغيرها من الاتجاهات الفكرية، من أجل تعميق الفكر والنضال الإسلامي في إطار حركة الإمام الخميني. وعلى الرغم من المواجهة مع نظام بهلوي، فقد حقق الكثير من النجاحات في هذا الإطار^{٦٣}

بعد إطلاق سراحه عقد سماعته السلسلة الثالثة من الحلقات التفسيرية سنة ١٣٤٧ هـ ش [١٩٦٨ م] بطلب من رفيقه في الجهاد الكتابيين وابناء منطقته وزملائه في الدرس، ومرافقيه في السفر، فبعد أن اطلع كل من السيد رضا كامياب ومحمد باقر فرزانه على الأبعاد العلمية والاجتماعية والسياسية لشخصية السيد الخامني، وأنه شخصية علمية مرموقة جدير بالتلمذ على يديه طلبا من سماعته وبالحاح على عقد دروس خارج الإطار المتعارف في العرف الحوزوي من قبيل التفسير والكلام والأخلاق.

ولما كان السيد شديد الرغبة في المعارف القرآنية ويؤمن بأولوية تلك المعارف السماوية، استجاب سماحته - بعد العودة إلى مدينة مشهد - للطلب معتمدا سورة المائدة محوراً للتفسير أيضاً، فكانت حلقات الدرس تعقد في كل خميس وجمعة من الأسبوع، ورويدا رويدا ازداد عدد الحضور حتى تمكنت الحلقة من استقطاب عدد من طلاب العلوم الدينية، بل حظيت باهتمام عدد من الشباب الجامعيين وعدد من رجال البازار [السوق]. وكانت انطلاقة تلك الحلقات التفسيرية أولا في مسجد الصديقين في سوق «سرشور»، ومع ازدياد عدد الحضور تم الانتقال إلى مكتبة مدرسة ميرزا جعفر، وقد امتدت تلك الحلقات لفترة أطول من سابقاتها واستمرت لسنوات عديدة، إلى أن منعت السلطات الأمنية من انعقادها، ولسوء الحظ فقدت اشربة تسجيل تلك الجلسات ولا توجد لدينا أدنى معلومات حول محتويات ما طرح خلالها.

مواصلة سلسلة حلقات تفسير مدرسة الميرزا جعفر

لعبت سلسلة الاعتقالات المتوالية والمطاردة المستمرة التي عاشها سماحة الإمام السيد علي الخانمئي طيلة حياته الشريفة دورا بارزا في الحد من نشاطه والتأثير على الأنشطة التعليمية والتربوية، والبرامج الثقافية التي يقوم بها سماحته، فبعد اعتقاله الخامس وازدياد نسبة المخبرين والراصدين لتحركاته وارتفاع منسوب التوتر وتضييق دائرة الخناق، اقتضى الامر من الثوار الحيطرة في الحركة والاحتراس في السلوك والقول.

الا أن سماحة السيد وبعد إطلاق سراحه الخامس شرع وبلا ادنى تأخير في خريف سنة ١٣٥٠ هـ ش [١٩٧١م] بمواصلة الحلقات التفسيرية في «مدرسة الميرزا جعفر» في مشهد (جامعة الرضوي

الفعلية)، وقد أثار وصول أخبار دروسه التفسيرية هذه إلى (السافاك) حفيظة السلطات الامنية التي سارعت إلى بث بعض عيونها ومخبريها لرصد تحركاته والإبلاغ عما يدور في تلك الاجتماعات بشكل دائم. وفي هذه الجلسات تم تفسير السور المباركة التالية: المائدة، الأنفال، براءة، وآيات من سورة يونس.

بدء الحلقات التفسيرية في مسجد الإمام حسن (ع) في مدينة مشهد

في خريف عام ١٣٥١ هـش [١٩٧٢م] ومع حلول شهر رمضان المبارك بزغ نور الحلقات التفسيرية في مسجد الإمام الحسن (عليه السلام).

٦٥ فبعد أن استجاب سماحته وبالحاح من قبل المؤمنين للتصدي لإمامة الجماعة في المسجد المذكور، شرع رويداً رويداً بإلقاء الخطب والكلمات القصيرة والتي حظيت بإقبال شديد من قبل المؤمنين. وكان سماحته يقوم بتدوين ترجمة الآيات وشرح الأحاديث والمعارف الدينية على لوحة خاصة تم وضعها في المسجد، وقد حظيت الجلسات التفسيرية باستقبال منقطع النظر من قبل طيف الشباب خاصة حيث كانت باحة المسجد تغص بهم وكانوا يدنون ما تجود به قريحة السيد، وكانت الجلسات تعقد في صبيحة أيام الجمعة من كل اسبوع واستمر العمل بها حتى سنة ١٣٥٢ هـش [١٩٧٣م]. وقد تمحور البحث التفسيري حول خصوصيات الشخصية اليهودية. وفي ٩/٣/١٩٧٣م تعرض سماحته لتفسير الآية ٦٢ من سورة البقرة، وكان أسلوبه حفظه الله يقوم على تفسير الآيات من خلال سرد أمثلة من واقعه المعاصر.

وكان رجال (السافاك) يتحينون الفرص عسى أن يعثروا على ذريعة تبرر لهم اعتقاله وإيداعه

السجن! وكان خير مكان يمكن من خلاله رصد تحركه هو تلك الحلقات التفسيرية التي قد يبوح خلالها عن توجهاته السياسية وموقفه من السلطات الحاكمة.

ومن ناحية أخرى كان سماحته شديد الحرص على استمرار تلك الحلقات التفسيرية وكان يرفض ما يؤدي إلى توقفها ولو من قبيل القاء شعار محبب إليه! وقد أشار سماحته إلى تلك الحقيقة في إحدى حلقات التفسير قائلا:

«أطلب من السادة أن يسمحوا لنا بالقيام بعملنا ولا يقوموا بما من شأنه تعطيل العمل. فأننا اليوم اعتقد بأن الأولوية للتعرف على القرآن أكثر من أي شيء آخر، ولا زلت أشعر بهذه الضرورة، ومن هنا قلت للسادة في كل من حاضرتي مشهد وقم العلميتين علينا إيقاف الدروس المتعارفة لمدة عشرين عاما! ولنحدث نهضة قرآنية كبرى، وها أنا أفسر القرآن لمدة ست سنوات وقد آمنت الحوزة العلمية إلى حد ما بصوابية ما أدعو إليه. لذلك أرجو السادة ألا يرددوا الشعارات؛ لعدم جدوائية ذلك اليوم».

وقد استمرت تلك الحلقات حيث وصل يوم ١٨/٥/١٩٧٤م إلى تفسير الآيات ٩٦- ٩٨ وتلاها الحديث في الحلقة اللاحقة عن الآيات ٩٩- ١٠٢ من سورة البقرة، وكان رجال السافاك يواصلون رفع التقارير والأخبار عما يدور أثناءها وتزويد السلطات الأمنية بما يجري فيها، الأمر الذي انتهى إلى عدم السماح له باستمرارها لمعارضتها مع مصحلة النظام الشاهنشاهي. حيث استدعي سماحته في الشهر السابع من عام ١٩٧٤م من قبل السلطات الأمنية التي أبلغته ضرورة التوقف عن القاء المحاضرات التفسيرية والاكتفاء بإقامة صلاة الجماعة في مسجد الإمام الحسن (عليه السلام) إضافة إلى السماح له بشرح بعض الأحاديث ومواصلة دروسه التي كان يلقيها على طلاب العلوم الدينية الذين لم يتجاوز عددهم ١٥ طالبا.

وقد خاطب سماحتة الحاضرين في الجلسة الأخيرة، قائلاً:
”أعلن لكم عن توقف الحلقات التفسيرية، ولكن اطلب منكم ألا تتفرقوا عن القرآن... فان ما نعيشه من بؤس وتعاسة اليوم هو بسبب الابتعاد عن القرآن وجهلنا بمعارفه وعلومه. فهو البلمس لجراجنا... إبحثوا عن روح القرآن وأهدافه”.
ولكن بتوقف سلسلة حلقات مسجد الإمام الحسن عليه السلام لم تتوقف مساعي السيد في مجال الابحاث والتحقيقات القرآنية حيث اتخذ قراره في تلك الفترة بتدوين بحثين قرآنيين^١.

الحلقات التفسيرية في مسجد القبله

٦٧ لم يستسلم السيد لضغط السلطات فكان يسعى لاستغلال أدنى الفرص لبعث الروح من جديد في الحلقات التفسيرية لإيمانه المطلق بعدم شرعية النظام القائم وسعيه الجاد لإقامة نظام إسلامي ينطلق في مبادئه من القرآن الكريم؛ فبعد أن أصدر السافاك الحكم بإيقاف حلقات مسجد الإمام الحسن عليه السلام، قرر سماحتة عقد حلقات تفسيرية في الأصول والعقائد يومي الخميس والجمعة في مسجد القبله، كان يحضرها قرابة المائة والخمسين من طلاب العلوم الدينية، غير أنها هي الأخرى لم تستمر حيث تم إيقافها بعد فترة وجيزة وبتهديد من السلطات الأمنية (السافاك).

إعادة الحلقات التفسيرية في مسجد الإمام الحسن عليه السلام

مع إطلالة شهر رمضان سنة ١٣٥٢ هـش، قرر سماحتة - ولغرض عدم إثارة رجال الأمن - التشاور

١. تمت الإشارة إليها ضمن البحث عن الخلفيات البحثية.

مع الاخوة المؤمنين في آلية مناسبة لإعادة البحث القرآني فانتهى الأمر بعد التشاور الى أن يقوم سماحته بعد صلاتي الظهر والعصر بعرض بعض الآيات وترجمتها بنفسه أو إيكال المهمة إلى الشباب من رواد المسجد ليقوموا بتلاوة ترجمتها الفارسية.

وهكذا أخذ السيد بترجمة وشرح بعض الآيات من سورة آل عمران، وفي اليوم العاشر تعرض للحديث عن الآيات (١٣٠ - ١٣٥) من سورة الاعراف، مؤكداً أن غرضه ليس تفسير الآيات وإنما ترجمة الآيات التي تتحدث عن مفهوم الحق والباطل مركزاً على سنة انتشار الحق وجمود الباطل، مشيراً إلى: «أن الغلبة ستكون في نهاية المطاف للحكم الالهي وأن الحركة التاريخية تسير باتجاه حقيقة انتصار الحق على الباطل».

وأشار في ختام حديثه الذي هو في الحقيقة أقرب إلى الشرح والتفسير منه للترجمة إلى حديثين شريفيين خلص منها إلى أن: «مثل المؤمن كالسنبلة يحركها الريح فتقوم مرة وتقع أخرى...». وفي اليوم الحادي عشر من رمضان من نفس العام شرع بترجمة وتفسير الآيات ٢٠ - ٢٧ من سورة الانفال، وفي اليوم الثالث عشر منه تعرض للحديث عن ترجمة وشرح بعض آيات سورة الصف. لم يرق ذلك لجهاز السافاك فقرّر التضييق على سماحته حتى انتهى الأمر بالتوقف عن لقاء تلك المحاضرات في مسجد الإمام الحسن (عليه السلام) يوم ١١ / ١١ م وكان الحديث حينها عن سورة العصر.

حلقات التفسير في مسجد الكرامة

لم يمرّ على توقف نشاط السيد الخامني في مسجد الإمام الحسن (عليه السلام) شهران حتى انتقل إلى مسجد الكرامة ليعيد نشاطه القرآني هناك حيث يقوم في كل ليلة جمعة بعد تلاوة الآيات بترجمتها

● الجذور الثورية والتفسيرية

وتفسيرها معتمداً نفس المنهج الفكري والاسلوب التفسيري ممزوجاً ببعض النكات والإشارات والمواضيع الاجتماعية.

ولكن حديثه القرآني والروائي بلغ منعطفاً حرجاً جداً ما دعا السافاك الى إصدار أمرٍ بإيقاف تلك المجالس فكانت آخر حلقاته التفسيرية في مسجد كرامة يوم ٢٨ / ٦ / ١٩٧٣م. وكان حصيلة الحلقات التفسيرية التي القاها في مسجد كرامة كتاب «گفتاري در باب صبر» [حديث في باب الصبر] صدر بعد عام ونصف من الفراغ من تلك الحلقات.

أشهر وأهم الجلسات التفسيرية

٦٩ في شهر رمضان من سنة ١٣٥٣ هـ ش [١٩٧٤م] ألقى السيد الخامني في مسجد الإمام الحسن وبعد الفراغ من صلاتي الظهرين سلسلة دروس تفسيرية مركزاً على البعد الحركي في الاسلام، والإشارة إلى بعض التصورات الاجتماعية الخاطئة، ومتعرضاً لبعض الموضوعات التي استقاها من آيات الذكر الحكيم، من قبيل: الصراع بين الحكّام والأنبياء، والمواجهة بين الاسلام والظلم، والمساواة بين البشر وانعدام الفوارق القيمة بين الأغنياء والفقراء، وتصديّ الاغنياء والاشراف والرهبان والحكام لحركة الانبياء، إضافة إلى محاربة الجهل والأمية.

وقد اعتبر رجال السافاك أن « السيد الخامني ينحى منحى ثورياً وأنه بصدد بيان الأسس الثورية في القرآن الكريم وأنه يهدف إلى حث الجماهير على الصمود أمام الفوارق الطبقيّة والاستغلال والظلم والفهر الذي يمارس بحقها ».

في يومي السابع والعشرين والثامن والعشرين من نفس الشهر شرع سماحة بالحديث عن

«ولاية الإمام المطلقة» مسلطا الاضواء على خصوصيات وليّ الله وشروط الولاية، طالبا في الختام من الجماهير التأمل في المعيار الذي من خلاله يتمّ تشخيص نائب الإمام المنتظر عجل الله تعالى فرجه الشريف.

ولمّا كان الحديث واضح المعنى والدلالة فقد رفعت عيون السافاك تقاريرها الى السلطات العليا مؤكدين أن السيّد يعني بنائب الإمام الحجة عليه السلام هو «السيّد الخميني».

ومن الملاحظ أن السيّد الخامني يعتقد جازماً بأن القرآن الكريم منهل فياض وسند الاسلام الأصيل الذي لا ريب فيه، وأنه الوسيلة المثلى لمعالجة وحل عقدة المواجهة مع الظالمين وإقامة نظام اجتماعي إنساني متكامل المعالم، ومن هنا حاول تسليط الاضواء في محاضراته الرمضانية على أصول الدين الاسلامي الحنيف كالتوحيد والنبوة والولاية مفصلاً الحديث ومستوعباً لأطراف الموضوع في أكثر من محاضرة. وكان حفظه الله يقوم قبل البدء بالمحاضرة اللاحقة باستنساخ خلاصة ما جاء في سابقتها وتوزيعها على الحاضرين. وفي أوائل آبان عام ١٣٥٣ هـ ش [نهايات الشهر العاشر الميلادي سنة ١٩٧٤] قام بجمع تلك الخلاصات ونشرها تحت عنوان «الخطوط العريضة للفكر الإسلامي في القرآن».

واصل سماحتهلقاء المحاضرات التفسيرية حتى عام ١٣٥٦ هـ ش [١٩٧٧م] حيث اعتقلته سلطات الشاه وتم إبعاده إلى مدينة إيران شهر.

كان انتصار الثورة الاسلامية بمثابة الانطلاقة القوية في تحويل إيران إلى قاعدة محكمة لفكرة حاكمية الدين، وكانت المرحلة الاولى والمهمة تتمثل في إعادة تركيب الأمة القرآنية والحضارة الاسلامية الحديثة، ولا يتم ذلك التحول الحضاري الكبير إلا من خلال العودة إلى القرآن الكريم وتحوّل الأمة إلى مجتمع قرآني في تفكيره وترتيب نظام حياته.

يعتقد سماحة آية الله السيد علي خامنئي - تبعاً للخط الفكري الذي انتهجه الإمام الخميني (رحمه الله) وسائر رجال النهضة الإسلامية الآخرين - جازماً بأن «إقامة النظام الإسلامي»، أي تحقيق جميع أركان ومكونات الدين، لا يتم إلا عن طريق سيادة القيم الدينية على مختلف الجوانب التي تحكم المجتمع؛ لذلك، ينبغي تعزيز السلطة الدينية، وإقامة عملية الحكم استناداً إلى قيم الدين وفي إطار قواعد الأصول السماوية، وتحويل حركة المجتمع وشكله إلى مجتمع ذي صبغة إسلامية، ولكن بشرط أن يحظى ذلك بتأييد شعبي ودعم الجماهير له وإلا لن يتحقق شيء مما ذكر مع غياب إرادة الشعب. يبين تاريخ الفكر والحركة الإسلامية المعاصرة أنه ومن أجل تعزيز حاكمية الدين ونشر القيم القرآنية في المجتمع، ينبغي إحياء بعض المفاهيم التي أسيء فهمها أو تهملتها.

الحلقات التفسيرية بعد انتصار الثورة الإسلامية

إبان تصديده لرئاسة الجمهورية

لم يمض على تصديده لرئاسة الجمهورية (أرديبهشت من عام ١٣٦١ هـ ش [١٩٨٢م] أقل من عام حتى شرع سماحته بالعودة إلى الدرس التفسيري وإلقاء المحاضرات القرآنية الأسبوعية، وكان الحضور في هذه المرة رجال الحرس الثوري المسؤولين عن حراسة مكتب رئاسة الجمهورية! وقد القاها في المكتب نفسه.

شرع سماحة الإمام الخامنئي بتفسير الجزء السابع والعشرين من القرآن الكريم، حيث كانت السنوات الأولى لتشكيل الدولة الإسلامية في إيران، وكانت الحاجة ماسة وضرورية لشرح وتبيين قضايا الحكم الإسلامي وأصوله في المجتمع. وقد عبّر آية الله الخامنئي عن هدفه وحافزه لعقد هذه

الاجتماعات بقوله:

«العدالة الاجتماعية، والحكومة، والجهاد والمواجهة في ساحات المعارك وما إلى ذلك من عشرات القضايا الرئيسية بعد تشكيل الدولة، تمثل أهم القضايا التي يتم التعامل معها بعد انتصار الثورة الاسلامية، ونشاهد المزيد من الاشارة اليها في الآيات المدنية، وإن آيات الجزء السابع والعشرين وما يليه من الأجزاء أغلبها آيات مدنية الا الجزء الثلاثين الذي يغلب عليه الطابع المكي، مضافاً إلى عدم تسليط الاضواء بشكل وافٍ على تلك السور والآيات»^١.

عاد سماحة آية الله الخامنئي، الذي كان قبل انتصار الثورة أحد أعمدة فكرة إقامة الحكومة القرآنية، والذي عاش القرآن مفسراً لأجزائه وآياته في مدينة مشهد، الآن وبنفس الشغف الثوري وبما يتوافق مع الحاجات المعاصرة ومعالجة قضايا المجتمع الإسلامي قرآنياً، ومن السمات المهمة لهذه الدروس هو تكييفها مع اتجاهات وقضايا الواقع الراهن، مسلطاً الاضواء على التيارات التاريخية في صدر الاسلام مروراً بفتنة الليبراليين والمنافقين والمستكبرين وبرؤية قرآنية تستقي أحكامها من آيات الذكر العزيز.

ويمكن القول بأن هذه المحاضرات تمثل جزءاً مهماً آخر للأسس النظرية لقائد الثورة الإسلامية في مختلف الأمور والتوجه الاستراتيجي للنظام الإسلامي خلال سنوات تصديده لولاية الفقيه وقيادة النظام.^٢

١. ٧ / ٣ / ١٩٨٢ كلمة القائد الأعلى أثناء تفسيره لسورة المجادلة.

٢. اطروحة: «بررسی روش تفسیری آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای = دراسة المنهج التفسيري لآية الله السيد علي الخامنئي»؛ للطالبة الخواجة زهراء؛ جامعة العلوم والمعارف القرآنية؛ قم، شهر يور ١٣٩٤ ش [٢٠١٥م].

مرحلة التصدي للقيادة

لم يتوقف سماحته عن الاعتناء بالشأن القرآني بعد تسنمه لمنصب القيادة حيث واصل عقد الجلسات التفسيرية في كل من حسينية الإمام الخميني رحمته الله عليه وبيته شارحاً ومفسراً لسورة البقرة. لم نملك الكثير من تفاصيل تلك الجلسات باستثناء بعض ما نشر منها في موقع «Khamenei.ir». وقد تمّ تحويل نصّها الكامل إلى اثنتي عشرة حلقة مدونة من تلك الحلقات التفسيرية، يستفاد منها أن الحلقة الثامنة منها أقيمت بتاريخ [١٦/١٠/١٩٩١م]، وقد انتهت تلك السلسلة عند الجلسة الثامنة والعشرين وبتاريخ [٢٧/٥/١٩٩٢م].



منهجه التفسيري

لكل مفسر منهجه الخاص ورؤيته التفسيرية التي تنسجم مع شخصيته العلمية والأهداف التي يروم الوصول إليها من وراء العملية التفسيرية، ولم يكن السيد الخامني مستثنى عن هذه القاعدة. فالرجل صاحب منهج تفسيري «اجتهادي» أو «جامع». ونعني بالمنهج الاجتهادي ذلك المنهج القائم على استنباط وفهم المعارف وأحكام القرآن اعتماداً على مجموعة من المصادر فضلاً عن مؤهلات المفسر العلمية؛ لذلك، يجب على المفسر الذي يختار هذه الطريقة لتفسير القرآن، أن يستفيد من جميع المناهج التفسيرية الأخرى لتحقيق غرضه. فضلاً عن المنهج، هناك أيضاً عدد من الاتجاهات التفسيرية ويعتبر اتجاه آية الله الخامني التفسيري من قبيل الاتجاه «السياسي الاجتماعي»، وهذا الاتجاه التفسيري يولي أهمية خاصة للبعد الاجتماعي القرآني ويرصد قضايا الانسان من الزاوية الاجتماعية، مركزاً على البعد الارشادي وبيان رسالة القرآن، مع عدم الفصل بين سعادة الفرد وسعادة المجتمع. من ناحية أخرى، يعتقد مفسرو هذا الاتجاه بأنه وفي ضوء التطورات الجديدة وظهور المشاكل الاجتماعية، يعدّ الرجوع إلى القرآن الكريم من أفضل السبل وأنجع الطرق لمعالجة المشاكل»^١.

١. مقالة تحت عنوان: «بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظم رهبری = المنهج والاتجاه التفسيري للسيد الخامني»؛ علوي مهر، مروجي طبسي؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شتاء ۱۳۸۹ - ش ۹، ص ۴۵-۹۲.

«وتشهد الساحة العلمية اليوم ميلاً تفسيرياً جديداً لدى الباحثين والمحققين القرآنيين يمكن وصفه بالميل «الحضاري»، يحاول من خلاله المفسر طرح رؤية حضارية من خلال رصد المباني والأسس الحضارية المستقاة من القرآن الكريم، وعرض نمط حضاري قرآني وربطه بمجال العمل في بناء الحضارة القرآنية. وتُظهر دراسة آراء وتوجهات السيد القائد التفسيرية أنه يمثل نموذجاً رائعاً في هذا الاتجاه التفسيري. وتهدف هذه الرؤية التفسيرية إلى تقديم تصميم مناسب في مجال الهندسة الثقافية للنهضة وتتوفر على نظرة خاصة للتفسير التاريخي للقرآن الكريم. والشاهد على هذا الادعاء، مفهوم بناء النظام المتبلور في أفكاره وجهوده التفسيرية، وكذلك اهتمامه بالبعد الحضاري الإسلامي الحديث و«نمط الحياة» كروح للحضارة الإسلامية وسمّة خاصة تميزها عن الحضارات والمدنات البشرية الحديثة للعالم الغربي.



الخلفية البحثية التأليفية

٧٦

بعد أداء سماحة الامام السيد علي الخامنئي القسم الدستوري في شهر مهر سنة ١٣٦٠ [أكتوبر ١٩٨١م]، أجرت مؤسسة الإذاعة والتلفزيون في الجمهورية الإسلامية الإيرانية لقاء مع سماحته ويحمل اللقاء جملة قضايا يمكن أن نستشف منها ما يلي: التعرّف على الأفكار القيمة من قبيل «لنؤمن ان تتجلى الهوية الإسلامية في الأبعاد الاجتماعية والسياسية للحياة»، «كذا نظرية حاكمية الإسلام على المجتمع الإسلامي» و «عدم الخضوع مقابل الحكومات اللادينية». وقد طرحت هذه الأفكار رويدا رويدا في المحافل الواعية دينيا وكذا في المحافل الحوزوية، فرغم أن هذا الخطاب كان خطاب الأقلية إلا أن هكذا خطاب امتاز بقوة وصلابة كبيرة استطاعت استقطاب السيد علي الخامنئي الطالب الحوزوي الذي يعيش هاجس الأمة ويؤمن بالفكر الحر.

لقد غمر هذا الفكر السيد علي الى درجة تحوّل فيها «الدفاع عن الهوية القرآنية للإسلام، إلى قاعدة توجه جميع نشاطاته تطبيقياً، وتأليفياً، وترويجياً» ففضلا عن جلسات التفسير التي كان يقيمها كانت هناك نشاطات أخرى في مجال القرآن والتفسير، تمثلت في التأليف والترجمة. ومن الكتب التي

الخلفية البحثية التأليفية

أقدم سماحته على تأليفها كتاب «بجنان قرآنيان»^١، وكتاب «حديث في باب الصبر»^٢ و«مشروع الفكر الإسلامي في القرآن الكريم»^٣. كما كان لسماحته تراث آخر في مجال التفسير ومنه «ترجمة كتاب تفسير في ظلال القرآن الكريم تأليف السيد قطب». كما صدر عن سماحته ثلاثة كتب أخرى هي: «إطالة على المباني والمناهج والقواعد التفسيرية»^٤، «تفسير سورة المجادلة» و«تفسير سورة براءة» وقد تم إعدادها من خلال الجلسات التي كان سماحته يحاضر خلالها وطبعت من قبل «انتشارات انقلاب إسلامي» وستناول فيما يلي الحديث عن هذه المؤلفات والتراجم:

تأليف كتاب «بجنان قرآنيان»^٥

توقفت جلسات التفسير التي كان الامام الخامنئي يحاضر خلالها في مسجد الامام الحسن (عليه السلام)،^{٧٧} لكن تعطيلها لم يمنع جهود سماحته التحقيقية في مجال القرآن الكريم. ففي الأشهر الأولى من سنة ١٣٥٢ هـش [ربيع سنة ١٩٧٣] عزم سماحته على تأليف كتاب «بجنان قرآنيان»، كان الأول تدوين قاموس قرآني فيما كان الثاني إعداد كتاب كشف الآيات باللغة الفارسية، وهو كتاب يتيح للناطقين باللغة الفارسية الاستعانة به بسهولة لاكتشاف المفردة التي يرومون الوصول إليها دون الحاجة الى تحمّل مشقة التعرف على الجذر العربي.

١. دو پڑوهش قرآنی

٢. گفتاری در باب صبر

٣. طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن

٤. مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری

٥. دو پڑوهش قرآنی

عمل سماحة السيد مع مجموعة من الباحثين بشكل جماعي على هذا المشروع واستمر العمل فيه الى شهر مهر سنة ١٣٥٣ [خريف ١٩٧٤]، إذ فوجئوا بأن الدكتور محمود راميار كان يعمل على نفس المشروعين، بل وطبع كتاب كشف الآيات. هنالك اضطرروا الى إيقاف المشروع.

كتاب «حديث في باب الصبر»^١

في سنة ١٣٥٢ كان نتاج سماحة آية الله السيد الخامني من دروس تفسيره وخطاباته في مسجد الكرامة [مشهد] كتاب «حديث في باب الصبر»، وقد صدر هذا الكتاب بعد عام ونصف من حضور سماحته في هذا المسجد. فقد مثل الكتاب خلاصة ونبذة من محاضراته التي تحدث فيها عن الصبر.

٧٨

كتاب مشروع الفكر الإسلامي في القرآن الكريم^٢

دأب سماحة الامام الخامني على تدوين مقتطفات من البحث الذي كان يؤدّ الحديث عنه قام يعتمد الى استنساخه وتوزيعه على الحضور في مسجد الإمام الحسن (عليه السلام) بداية كل جلسة تفسير يروم إلقائها.

وفي بداية شهر آبان سنة ١٣٥٢ هـ ش [شتاء سنة ١٩٧٤م] جمع سماحته المقتطفات التي أشرنا إليها، وعمل على تصحيحها وإضافة مقدمة لها لتكون كتابا تحت عنوان مشروع الفكر الإسلامي في القرآن.

١. گفتاری در باب صبر

٢. طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن وقد ترجم الكتاب الى العربية الدكتور محمد علي آذر شب.

وفي مقدمة الكتاب تحدث عن ثلاث خصوصيات مهمة في المباحث الإسلامية تمثل الخطّ الفكري لسماحة الامام الخامنّي وتتلخّص فيما يلي:

الأول - الخروج من الإطار الذهني المحض، والتوجه إلى المنظومة الإسلامية باعتبارها مدرسة اجتماعية يتعيّن فيها المسير العملي للأفراد، وخاصة في حياتهم الاجتماعية، والتأكيد في الدراسات النظرية على مشروع الإسلام لحياة البشر وعلى أهداف الإنسان والمجتمع في الحياة، والطريق الذي يحقق هذه الأهداف.

الثاني - دراسة المسائل الفكرية في الإسلام بصورة مترابطة وبشكل أجزاء من منظومة واحدة، أي إن كل عنصر فيها هو جزء من هذا التركيب، وغصن من هذه الدوحة، ولَبَنَة في هذا البناء الشامخ، لا ينفصل بعضها عن بعض، لكن يتبلور المشروع الكامل الشامل للدين، باعتباره مدرسة فكرية كاملة خالية من أي إيهام، وذات أبعاد متناسبة مع حياة الإنسان بمختلف جوانبها.

الثالث - هي أن فهم الإسلام ومبادئه لا بد أن يستند إلى النصوص الأساس في الدين ومبادئه لأن ينطلق هذا الفهم من الأدواق والآراء الشخصية أو من الخلفيات الفكرية والذهنية لهذا وذاك، كي نطمئن إلى أن نتيجة دراستنا «إسلامية» حقًا، لا شيئاً آخر، ولا شك أن القرآن الكريم يحقق هذا الهدف باعتباره أكمل حقيقة وأهمها: «لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه»، وهو «تبيان لكل شيء»، وطبعاً في إطار تدبر عميق أمرنا به القرآن.

ولأن سماحته كان يتمتع بهكذا رؤية بالنسبة للمعارف الإسلامية في جلساته التفسيرية فقد طرح خلالها أهم الأسس الفكرية لإيجاد نظام إسلامي. وكان يبيّن الإسلام وفكره من خلال ما يستوحيه من الآيات القرآنية. وكان سماحة الامام الخامنّي يعتمد الى تعميق أسس الفكر المواجه والداعي

إلى إسقاط الحكومات الطاغوتية بشكل يبعث في نفس الحضور الوصول إلى النتيجة الضرورية والطبيعية التي تؤمن بأن الحكومة التي ينبغي أن تقوم في البلد ينبغي أن تكون على أساس الإسلام والمعارف الدينية.

لقد كانت إحدى أهدافه الأساسية من التفسير هي نقل أسس الثورة الإسلامية إلى المجتمع. يفتتح كتاب مشروع الفكر الإسلامي في القرآن الكريم بحثه بموضوع الإيمان في القرآن الكريم، ذلك لأن القرآن كان قد وعد المؤمنين الذين آمنوا وعملوا الصالحات بالخلافة الإلهية وبسط السلطة على جميع المعمورة وتشكيل مجتمع إسلامي مثالي. لقد تركز البحث على التوحيد لأن هذه الرؤية تمثل الأساس والقاعدة الرصينة لجميع الرؤى والبرامج والأفكار العلمية التي تصنع الحياة (الأيدلوجية) في الإسلام.

٨٠

وفي الختام تكون هناك ملاقحة وتلائم بين الإمامة والولاية من جانب والتوحيد من جانب آخر. إذ يرى أن مفهوم الولاية ناظر بـ «الارتباط بين الأمة الإسلامية مع مركز واحد، ذلك لأن الرؤية الحديثة التي جاءت مع رسالة النبي لا يمكنها أن تصنع حياة متقومة على التعاليم الدينية للمجتمع إلا إذا تحققت أولاً من خلال فكونفس وعمل مجتمع منظم. هذا من جانب ومن جانب آخر فإن اهتمام سماحة قائد الثورة الإسلامية (مدّ ظله العالي) بتربية نخب خالصة للثورة يمثل الهدف الفرعي لسلسلة جلسات التفسير التي كان يعمد القيام بها.

ترجمة كتاب تفسير في ظلال القرآن

انتهج مؤلف «تفسير في ظلال القرآن» كمنهج رئيسي لمؤلفه التقسيم الموضوعي للآيات ليكون

لكل مجموعة وحدة موضوعية وهدفا معينا، وقد سعى المفسر الى تفسير الآيات وفق ذوق أدبي خاص دون خوض في الجزئيات.

ترجم سماحة الامام الخامنئي المجلدين الأول والثاني من تفسير في ظلال القرآن الذي يقع في ٨ مجلدات (الى الآية ١٨٢ من سورة البقرة) وكان سماحته قد ترجم هذا المقدار من التفسير في السنوات التي سبقت انتصار الثورة الإسلامية.^١ وكان من المقرر أن يطبع هذا التفسير بعد أن ترقى إليه تراجم المجلدات الأخرى وكان من المقرر أن يطبع هذا التفسير بعد أن ترقى إليه تراجم المجلدات الأخرى، التي كان من المقرر أن تتم من قبل السادة الدكتور [الشهيد] محمد مفتاح والشيخ حجتى كرماني، لكن هذا لم يتحقق لبعض الأسباب. ولم تجد طباعة هذا المقدار من الكتاب منذ سنة ١٣٦٢ هـ ش [١٩٨٣م]. ومن خصائص هذا الأثر، تمازج المباحث العقائدية مع المباحث الاجتماعية والسياسية. والملاحظ أن سماحة آية الله الخامنئي كان يورد إشكالاته ونقوده على المؤلف أينما وجد إشكالا في طرحه وكان يبين خلال الترجمة الإشكالات التي وقع فيها المؤلف. وكان يشير الى بعض نقاط الخلل في طرحه وعدم تخصصه في بعض المجالات، وكان يشير الى الرأي المخالف الذي تبناه مدرسة أهل البيت (عليه السلام) في مقابل ما يطرحه المؤلف من آراء توافق مذهبه. لكن سماحة السيد كان يوافقه في الخطوط العامة العقائدية والفقهية والسياسية والاجتماعية والثقافية.

إن جميع الكتب التي تم التعرض لها فيما مضى هي مؤلفات سماحة آية الله الخامنئي التي طبعت في تلك الأيام [قبل انتصار الثورة الإسلامية].

١. يحتمل أن أن تكون ترجمة هذا الكتاب في سنة ١٣٥٤ هـ ش [١٩٧٥]

ومواصلة لهذا البحث سنقوم بالتعريف بالكتب التي صدرت عن سماحة الامام الخامني عليه السلام بعد تسنمه القيادة حيث تم جمعها من أشرطة التسجيل المتوفرة لديه وتم طبعها ونشرها.

إعادة تصحيح وصياغة كتاب «مشروع الفكر الإسلامي في القرآن الكريم»

طبع كتاب مشروع الفكر الإسلامي في القرآن الكريم أول مرة سنة ١٣٩٢ هـ ش [٢٠٠٣ م] من قبل انتشارات صهبا قد جمعت مادة الكتاب من خلال تحويل مادة الأشرطة الصوتية الى الورق ومن ثم طباعتها. وقد تم اصلاح القليل من مادتها، كما تم توحيد وتصحيح النصّ ليقدم الى القارئ الكريم (يذكر أن حجم التغييرات التي أجريت على الكتاب كانت جزئية ولم يتغير شيء من محتواه العلمي). ويختلف الكتاب الجديد عن الكتاب السابق بحجمه الذي تضاعف لعدة أضعاف. وقد أعيد طبعه عدة مرات. يذكر أنه ورغم مرور أربعين سنة على فترة القاء نصوصه، إلا أن الطلب لا زال مستمرا على اقتناء الكتاب.

٨٢

كتاب «إطالة على المباني والمناهج والقواعد التفسيرية» في سورة التوبة

خلال فترة ما قبل انتصار الثورة الإسلامية بحث سماحة الامام الخامني (مدّ ظله العالي) في تفسير السور المباركة التالية: المائدة، الأنفال، التوبة، وبعض آيات سورة يونس. وقد صدر كتاب تفسيره لسورة التوبة، طالعت لجنة البحوث نصّ الكتاب وتم استخراج المناهج والقواعد التفسيرية التي اعتمدها سماحته وصدرت طبعة النسخة الأولى من تصحيح هذا الكتاب (١٢٠ صفحة)

كتاب تفسير سورة المجادلة

يتناول هذا الكتاب النص المصحح لجلسات تفسير سورة المجادلة. وقد أقيمت هذه المحاضرات

الخلفية البحثية التأليفية

التي كانت النواة لمادة الكتاب إبان رئاسة سماحة الإمام الخامنئي للجمهورية الإسلامية، حين ألقاها على أعضاء حمايته من الحرس الثوري وأعضاء مكتب رئاسة الجمهورية خلال سبعة جلسات، بدأها يوم ٧ / ٥ / ١٩٨٥م وانتهى منها يوم ٢ / ٧ / ١٩٨٢م وقد تناول في تلك الجلسات البحث في جميع آيات هذه السورة والسور التي تلتها. وأشار سماحته إلى سبب اختيار هذه السور والسور التي تلتها بما يلي:

«إن سبب اختيار هذه السور والسور التي تلتها هي كون السور التي وردت في الجزء السابع والعشرين والثامن والعشرين في الغالب سور مدنية. والسور المدنية، سور نزلت على النبي الأكرم عليه السلام في طيبة وتناولت عادة تشكيل الحكومة الإسلامية! حيث يشبه الوضع ما نعيشه حالياً. وهذه البحوث تعتبر أمور ضرورية لتدبير شؤون المجتمع الإسلامي. وتختلف هذه البحوث مع فترة النضال الشعبي الهادف إلى تشكيل الحكومة الإسلامية. وهي وقائع تشاهدونها في مجتمعنا بالذات.

إنكم تلاحظون مسائل لم تكن مطروحة قبل شباط من سنة ١٩٧٩م، فلقد كانت لديكم مسائل آنذاك وهي ليست مطروحة في يومنا هذا. فعلى سبيل المثال هناك واقع المنافقين والنفاق، وكذا واقع العدالة الاجتماعية، وحقيقة الحكم، والجهاد في جبهات الحرب والعشرات من هذه الوقائع. إن هذه الأمور هي ما نجد لها مصاديق في الآيات المدنية التي تطرقت لمثل هذه الأحداث».

كتاب تفسير سورة البراءة

«إذا ما أردنا أن يستقيم مجتمع طبقاً لمعطيات الأسس الثورية وليستمر قائماً إلى يوم القيامة، فإن

علينا أن نحكي فيه شعيرة الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، أي نعتبر جميع الناس مسؤولين عن بث الروح الثورية في المجتمع ولنخاطبهم بالقول: أيها المسلمون!، أيها المؤمنون!، إن عليكم مسؤولية المحافظة على تعاليم الإسلام الحيّة جزئية كانت أم شاملة. إنكم جميعا مسؤولون» والكتاب أعلاه الذي يمثل واحدا من سلسلة التفاسير التي اقتبست من محاضرات سماحة الإمام الخامنئي التي ألقاها سماحته بداية سنة ١٣٥١ هـ ش [نهاية آذار ١٩٧٢م] على مسامع الطلاب واستمرت إلى شهر بهمن سنة ١٣٥٢ هـ ش [شباط ١٩٧٤م]. وقد طبع وصدر في نيسان من سنة ٢٠١٨م.

خلفيته التنفيذية في المجال القرآني



تعدّ جلسات التفسير التي مرّ ذكرها إحدى أهم النشاطات وأكثرها تأثيراً لسماحة آية الله السيد الخامني قبل الثورة الإسلامية. وقد استمرت هذه الخصلة عند سماحة الإمام السيد الخامني (مدّ ظله العالي) بعد انتصار الثورة الإسلامية حيث واصل سماحته إقامة هذه الجلسات التفسيرية، فضلاً عن جملة نشاطات ذات صبغة قرآنية من قبيل: تأسيس إذاعة القرآن الكريم، وتشديد المجلس الأعلى للقرآن الكريم، وإنشاء مراكز طباعة ونشر القرآن الكريم، والعلاقات العامة، وإهداء المصاحف إلى عوائل الشهداء، ولقاءاته المستمرة بنشطاء المؤسسات ذات الصبغة القرآنية.

تأسيس إذاعة القرآن الكريم

أعلنت صحيفة «جمهوري إسلامي» بتاريخ ١٣ / ٢ / ١٩٨٤م عن تأسيس إذاعة القرآن الكريم، وكان عنوان الخبر تصريح لرئيس الجمهورية الإسلامية سماحة آية الله السيد علي الخامني: «إن من بركات عشرة الفجر علينا في هذا العام انطلاق إذاعة القرآن الكريم» واستمراراً لتغطيتها الخبر أعلاه وفي لقاء جمعها مع مدير إذاعة القرآن الكريم حول تأسيس مثل

هذه الإذاعة قال مدير إذاعة القرآن الكريم:

«لقد اقترح سماحة حجة الإسلام الخامنئي علينا تأسيس هذه الإذاعة.»

لذلك وفي سنة ١٣٦٢ هـ [١٩٨٤م] تم إضافة إذاعة القرآن الكريم إلى بقية إذاعات الجمهورية الإسلامية، بعد اقتراح ودعم من قبل سماحة آية الله السيد الخامنئي. حيث بدأت هذه الإذاعة بثها أيام انتصار الثورة الإسلامية وبتلاوة مباركة من سورة الحمد والآيات ١ - ٢١ من سورة البقرة بصوت سماحة آية الله السيد علي الخامنئي. وتدل هذه الدقة في الرأي من قبل سماحته على وعيه المنفتح ورؤيته الاستراتيجية في توسعة وتطوير الأسس القرآنية في المجتمع الإسلامي. وكما اعتقد سماحته قبل انتصار الثورة الإسلامية بأن القرآن الكريم يمثل محورا للنضال ضد الطاغوت، فقد كان يرى بعد انتصار الثورة الإسلامية أن تطوّر وازدهار البلد يمكن في تحويل المجتمع إلى مجتمع قرآني. وبناء على هذا تم تأسيس إذاعة قرآنية يكون باستطاعة عامة أبناء الشعب الإيراني وفي جميع أنحاء الجمهورية الإسلامية الاستماع إليها. وتعدّ هذه الخطوة مهمة جدا لترويج الثقافة القرآنية في المجتمع. وفي لقاء جمعه مع مدير وموظفي إذاعة القرآن الكريم رأى سماحته وجود ضرورة بالغة للاهتمام بالقرآن قائلا:

«...ليست إذاعة القرآن برنامجا قرآنياً محضاً! عليكم أن تعلموا ذلك، فهناك فرق بين برنامج إذاعي وبين إذاعة للقرآن الكريم، فينبغي أن نميز بين هاتين المفردتين. ولا ينبغي أن نخطئ في تعاملنا مع هذين الواقعين. فلو كانت القضية واحدة لكان من الطبيعي الاكتفاء بسماع تلاوة قرآنية تبث لربع ساعة أو عشرة دقائق من قبل القنوات الأخرى صباح كل يوم. لا شك ليس الهدف هذا!

«هناك حاجة كبيرة في جميع الأقسام لدخول الغمار القرآني. ولقد ناقشت منذ زمن قديم مع بعض الأصدقاء إيجاد مؤسسة قرآنية، أو لجنة، أو منظمة للشأن القرآني. اليوم حلّ الوقت الذي ينبغي على الأخوة العمل على تأسيس مثل هذه المؤسسة فنحن بحاجة إليها. وقد تكون هناك حاجة لعشرات الأعمال فيما يخص الشأن القرآني. فعلى الحكومة أن تتحمل جزءاً من هذا المشروع، وجزء منه يتحمله العلماء، وهكذا عامة أبناء الأمة وقراءها وأساتذتها، أمثالكم أنتم. ولعل من أهم الجهود التي ينبغي أن تقع على عاتق هذه المؤسسة العمل على منهجة الأعمال وتجميع ما يحقق آلياتها ومواجهة حالة نسيانها والغفلة عنها، فهذه الأمور بحاجة إلى جهاز مركزي يتبنى هذا الأمر، ومن الطبيعي أن تكون إذاعة القرآن الكريم إحدى أهم الأعمال التي ينبغي أن يؤسس لها.»^١

تأسيس المجلس الأعلى للقرآن الكريم

لقد عملت قوات الإذاعة والتلفزيون وخبرائها على اختيار التلاوات القرآنية التي تسبق الأذان، أو تلاوة الأذان بالذات أو النغمات الدينية التي تبثها قنوات الإذاعة والتلفزيون الى سنة ١٣٧٠ هـ [١٩٩١م]. وقد ساهم هذا الموضوع في بثّ تلاوات بمستوى ضعيف لا تتلاءم مع شأن النظام الإسلامي خصوصاً مع عدم تدخّل المختصين في الشأن القرآني في هكذا اختيارات. لذلك وبعد وصول تقارير تشير الى الوضع المربك في إدارة هذه القضية أصدر سماحته حكماً في ١٠/٥/١٩٩١م حكماً بتأسيس مجلس أعلى للإشراف على التلاوات والنغمات الدينية أطلق عليه «المجلس الأعلى للقرآن الكريم».

١. لقاء مع مدير وموظفي إذاعة القرآن الكريم ١٣/٢/١٩٨٤م

وقد حدد سماحته بعض ما يروم إليه في حكم التأسيس وذلك من خلال جملة أمور: «... مع ملاحظة الأهمية البالغة التي يمتاز بها القرآن المجيد، وكذا الدور الحيوي الذي يلعبه في المجتمع الاسلامي، ونظرا للزوم بث تلاوات ونغمات الهية تمتاز بصحة التجويد وجمالية الأداء من قبل مؤسسة الإذاعة والتلفزيون في الجمهورية الإسلامية. فقد تم التأسيس لهيئة تتحمل جملة مهام منها تقنين منهجي، وإشراف وهداية، ورفع لمستوى البرامج الخاصة بتلاوة القرآن والأذان، والمناجاة والأدعية والتواشيح.»

إنشاء مراكز طباعة ونشر القرآن الكريم في الجمهورية الإسلامية الإيرانية

٨٨

كان من جملة متطلبات إيران الإسلامية بعد الثورة العمل على إيجاد آليات مناسبة لإصدار وطباعة مصحف يمتاز بعلائم صحيحة، وذلك لترويج الثقافة القرآنية. فكان أول السبل لهذا التوجه وترويج الثقافة القرآنية نشره وترويجه في المجتمع. ففي زمن الطاغوت [أيام الشاه] كانت المصاحف المطبوعة في مدينة بومباي الهندية والتي يطمئن لصحتها، هي الرائجة على صعيد مدارس تعليم القرآن التقليدية [المكاتب] في المدن الإيرانية كمدينة مشهد، وقد تحدث سماحة الامام السيد علي الخامني في كتاب «شرح الاسم» في إشارة الى تلك الفترة بما يلي: يمكننا الادعاء أن المصاحف الهندية تعتبر من أصح المصاحف. فالمصاحف المصرية والهندية صحيحتي الضبط، لكن المصاحف الإيرانية كانت تحتوي أغلاط كثيرة آنذاك.

وفي سنة ١٣٧٠هـ ش [١٩٩١م] أشار سماحته وفي لقاء جمعه مع أعضاء مؤسسة دار القرآن الكريم إلى أهمية موضوع رسم المصحف. غير أن الموضوع لم يباشر فيه حتى سنة ١٣٧٣هـ ش

خلفيته التنفيذية في المجال...

[١٩٩٤م] حيث تم تأسيس هيئة أمناء مشروع «إعداد مصحف الجمهورية الإسلامية الإيرانية» لتحقيق مايلي:

١- طباعة ونشر مصحف مختص بنظام الجمهورية الإسلامية يمتاز بالصحة الكاملة، ويتمتع بخصائص ممتازة.

٢- تدوين مباني الرسم الصحيح وتدوين قرآن الإمام .

٣- تقديم النموذج المعدّ لتدوينه أو طباعة مصاحف مستقبلية، وتجنّب الأخطاء في المصاحف المتعارفة.

٤- استمرار الدراسات والتحقيقات في مجال الخط ورسمه وعلم القراءة وكتابة القرآن.

٥- طبع ونشر القرآن الكريم بشكل مباشر وغير مباشر.

٦- الإشراف الكامل على طباعة القرآن الكريم.

وقد عمل هذا المركز من سنة ١٣٧٦ هـ ش [١٩٩٧م] الى سنة ١٣٩٤ هـ ش [٢٠١٥م] وبمساعدة

٧١ ناشراً على طبع ٢٥ مليون مصحف. كما عمد المركز الى طباعة كتاب نهج البلاغة، والصحيفة السجادية ومفاتيح الجنان.

العلاقات الشعبية

تعتبر المراسلات الشعبية إحدى المواضيع التي مثلت هاجساً قرآنياً لسماحة آية الله السيد علي

الخامنئي. وكان سماحته يحيب على الكثير من رسائل المواطنين، ومن جملة ما أجابهم عليه ما يلي:

«أنسوا أنفسكم مع العبادة، ومع القرآن الكريم.»

«سررت للخبر السار الذي سمعته منكم أيها الطالب الجامعي العزيز، وأنت تحدث قلبك وذهنك بحفظ القرآن.»
«أدركوا قدر حفظكم للقرآن»
«إجهدوا في حفظ القرآن الكريم»
«استأنسوا بالقرآن الكريم وتأملوا وتدبروا فيه»
«عظّموا نعمة الأنس بالقرآن»

إهداء المصحف الشريف إلى عوائل الشهداء

من جملة النشاطات التي اهتم بها سماحته أثناء فترة رئاسته للجمهورية واستمرت بعد تسنمه لمنصب القيادة إهداء المصحف الشريف الى عوائل الشهداء. وكان يدوّن بخط يده في ذيل المصحف. ويقول:

«لقد دأبت انا العبد منذ سبع عشرة سنة على تدوين هذه الكتابة وإرسالها الى أسر الشهداء، وكنت أدون إسمي الى جانب اسم الشهيد وأناجي ربي: [رباه] «المجالسة مؤثرة»^١
وكانت غالبية المدونات التي يكتبها سماحته مرفقة بدعاء أو إرشاد ومن جملتها يمكن الإشارة الى عبارات من قبيل:

«وفقكم الله للأنس بالقرآن، إن شاء الله»
«استأنسوا بالقرآن العزيز وتدبروا فيه»^٢

«أملّي أن يسعدكم الله تحت ظلال القرآن، وأن تستقيموا في طريق المثل القرآنية»^١.

اللقاء مع الشرائع القرآنية

لاحظنا خلال السنوات التي تلت انتصار الثورة الإسلامية المباركة نماذج أخرى من اهتمام سماحة الإمام الخامنّي بالقرآن الكريم وستناول فيما يلي بعض هذه الاهتمامات:

المسابقات الدولية للقرآن الكريم

إن من أكثر النشاطات القرآنية قيمة هي إقامة المسابقات الدولية للقرآن الكريم بعد انتصار الثورة الإسلامية وعلى أرض الجمهورية الإسلامية الإيرانية. وهي المسابقات التي انطلقت في أول دورة لها سنة ١٤٠٢ هجري قري ولا زالت تقام بمشاركة عشرات القراء والحفاظ من جميع أنحاء العالم الإسلامي في طهران وتشرف على إقامتها منظمة الأوقاف والأمور الخيرية الإيرانية.

وقد مثلت خطابات سماحة آية الله العظمى السيد علي الخامنّي ﷺ منذ أول مسابقة أقيمت وإلى يومنا هذا سواء التي كان فيها رئيسا للجمهورية أو في زمن قيادته إحدى أفضل تحف هذا الحدث الكبير. كما ونالت أهمية كبيرة لما فيها من توجيه للمجتمع الإسلامي نحو أهمية الأنس مع القرآن، وتبيين علاقة الثورة الإسلامية في إيران والقرآن الكريم، وتوعية الأمة فيما يخص ابتعادها عن القرآن وضرورة عودة الحكومات والشعوب إليه. ولعل الأهم من هذا هو إمكانية أن تكون هذه الخطابات والإرشادات نافذة لتعميق وتعميم ثقافة القرآن الكريم الغنية في زماننا الحالي أوفي المستقبل.

١. تهميشة على القرآن الذي أهده آرميتا رضائي نجاد بمناسبة بلوغها السن الشرعي.

محافل الأنس مع القرآن الكريم

هناك جلسة أخرى يجتمع فيها سماحة آية الله السيد الخامني مع شريحة القرآنيين، ويطلق عليها محفل الأنس مع القرآن، ويمثل لقائه هذا أول لقاء يجمعه في شهر رمضان المبارك عادة مع محفل الأنس مع القرآن الكريم. وقد تحدث سماحته في واحدة من هذه المحافل قائلا: «نشكر الله الذي منحنا عمرا ووفقنا لنبدأ شهر رمضان المبارك بلقاء مع هذا المحفل النوراني...»^١ وقد دأب سماحة آية الله السيد الخامني على حضور متواصل في هذه المحافل التي تستمر لعدة ساعات، يستمع خلالها الى التلاوات التي تلقى ثم يختم حضوره واهتمامه بهذا المحفل من خلال كلمة قرآنية يتحف بها الحضور.

مكانة القرآن الكريم في فكر الإمام السيد علي الخامنئي



لقد كان همّ سماحة آية الله العظمى السيد علي الخامنئي إقامة حكومة صالحة في المجتمعات الإنسانية يتم التأسيس لها وتكوين قوامها عبر الاستنباط من القرآن الكريم وتفسيره.

٩٣

«الخطوة الأولى هي حفظ القرآن الكريم. ينبغي أن نبقى الحفظ أولاً، لذلك ينبغي على حافظ القرآن الكريم أن يتلو القرآن الكريم باستمرار، وإلا زالت عنه ملكة الحفظ، وفي مرحلة أخرى ينبغي أن يؤدي الحفظ به إلى التدبر في القرآن الكريم، وهو امر واقع، فالحفظ يساعد على التدبر حقاً. فما دامكم تكرر تلاوة القرآن، لأنكم من حفظه وتقرأونه، ستسبح لكم الفرصة بالتدبر والتعمق في آياته».

طبعاً من الضروري جداً الأُنس بالتفسير التي تبين مراد الآية، فحين يمتزج الحفظ وهذا الأُنس بالتفسير مع التدبر. سيحدث ما نرجوه لمجتمعنا: الانفتاح على القرآن. تصوروا كم هي قيمة الحالة التي نجد خلالها في بلدنا عشرة ملايين، أو خمسة عشر مليون شخصاً، رجالاً ونساءً ممن استرشدوا بمعارف القرآن الكريم وتعرفوا عليه، فأودعوا في أذهانهم دروس القرآن ونصائحه وإنذاره وبشاراته، وكرروها، وناجوا بها قلوبهم، فهكذا أمة ستكون لا شك أمة ضلّبة. ولحسن الحظ فإن أرضية هذا الأمر جاهزة، فعزم وإرادة أمتنا عزم ضلّب اليوم. لكن الإعداد للقرآن للمجتمع هذا لا يتحقق إلا بهذا

الشكل ونحن نأمل أن يحدث هذا بمشيئة الله^١.

وقد أشار سماحته في كتاب «طرح كلي» إلى هذا قائلاً:

«اليوم هو اليوم الذي ينبغي أن نعود فيه إلى القرآن الكريم. وشرط العودة الأول أن نفهم القرآن الكريم... فهل تيقن أولئك الذين أسسوا طرقاً ومناهج ومسالك للناس واقترحوها لهم! إن هذه الطرق كانت طرقاً صحيحة؟... إنهم غير متيقنين بذلك «وَأَن هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»، إنهم يريدون إدارة العالم، والمجتمعات البشرية من خلال نظريات تخمينية، وظنية وتصورات وفرضيات. لكن الله تعالى لا يدير حياة أحدٍ بنظريات، بل حسب حقيقة وواقع، ووفق علم بمعناه الواقعي. إنه يرشد الناس إلى الطريق القويم «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ»^٢، «وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^٣. وفي سنة ١٣٧٠هـ ش [١٩٩١م] وفي لقاء جمع سماحته مع قراء القرآن الكريم أشار إلى ضرورة وأهمية الاهتمام بالقرآن في المجتمع قائلاً:

«...أعتقد أن القرآن أصل في المجتمع، على أمة حزب الله أن تتعرف شيئاً فشيئاً على القرآن، وذلك حين تستمع اليكم الناس بشكل مباشر حين ترتقون المنبر وتتلون آيات الله بحيث تنهمر دموع الناس حين استماعهم لتلاوتكم، هذا ما آمله منكم»^٤.

١. ٢٠١١ / ٨ / ٢

٢. سورة الأنعام، الآية ١١٧ - ١١٨.

٣. الاطروحة العامة للفكر الإسلامي في القرآن، الجلسة الحادية عشرة

٤. في لقاء جمعه مع القراء ١١ / ٤ / ١٩٩١م

وفي سنة ١٣٨٨ هـ ش [٢٠٠٩ م]، وفي لقاء جمعه مع السيدات الباحثات القرآنيات أشار إلى ضرورة أن تكون خصائص وسلوك مسؤولي النظام متوافقة مع الدين وهو تجسيد للعمل بالقرآن: «ينبغي أن ننصهر في القرآن الكريم. فالمفاهيم القرآنية ليست مجرد معلومات بل هي مفاهيم من أجل الحياة... إن نظام الجمهورية الإسلامية نظام قائم وفق محورية الدين، وإن من أهم نماذجه العمل بالقرآن الكريم، أمرأته لنا ثورتنا. فإيجاد نظام يستند إلى الدين تكون أهداف المسؤولين فيه وخصوصياتهم وأدائهم وارتباطهم مع الناس وأدائهم للناس متقومة على الدين - أي وفق أسس دينية وأسس إسلامية - إن هذا يمثل أكبر نموذج من نماذج العمل بالقرآن، ... ينبغي أن نؤدي الأعمال الأساسية، وذلك لتتحول المحتويات قرآنية بما للكلمة من معنى. سلوكنا الفردي سلوكنا الإداري، سلوكنا المؤسسي، سلوكنا في التربية والتعليم - أي مؤسسة التربية والتعليم التي تتضمن الجامعات ومراكز البحوث، والحوارات [العلمية] وجميع الكيانات - وهكذا سلوكنا في داخل أسرنا، وسلوكنا السياسي، وسلوكنا الدولي، ينبغي أن يكون قائماً على أساس الإسلام. لكن متى سيتحقق كل هذا؟ سيتحقق حين نتعرف بشكل صحيح على مفاهيم القرآن الكريم.»^١ وأشار سماحة آية الله الخامنئي إلى المدارس الاجتماعية وأنها لا يمكن أن تلبي احتياجات البشرية، وأن القرآن الكريم هو الذي يدل على الطريق القويم وذلك في مراسم اختتام المسابقات القرآنية سنة ١٣٧٩ هـ ش [٢٠٠٠ م] قائلاً:

«لقد عجزت المدارس الفلسفية والمعرفية العالمية عن ادراك واقع البشرية! صدقوني، فالمدارس

١. من حديث له في مجموعة من السيدات الباحثات في الشأن القرآني، ٢٠ / ١٠ / ٢٠٠٩ م

الاجتماعية في عالمنا المعاصر عاجزة عن أن تدرك واقع الإنسان أو أن تجد طريقا لخلاصه. فالماركسية تلك انكسرت ثم انهارت، فيما تلاقي المدارس الغربية المشكلة نفسها. ولعل سبب عجزهم هو فقدان السعادة رغم كل ما توفر لهم من علم ومال وقوة عسكرية، إنهم يفتقدون إلى الهناء المعنوي. لقد كانت نسختهم نسخة بائسة، إنها نسخة منكسرة. لكن القرآن والدين الإسلامي يمنح الإنسان العلم والرفاه والعزة والسكينة، لكن القرآن والدين الاسلامي يمنح الإنسان العلم والرفاه والعزة. «هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا إيماناً مع إيمانهم»؛ «فأنزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين والزهمهم كلمة التقوى» ففضلا عن اللذة الدنيوية، والرفاه المادي والقدرة العلمية يمنحهم السكينة والطمأنينة. وقد جرب هذا تاريخيا واليوم يمكن تجربته. ففي إيران تحركنا خطوة قصيرة في هذا الإطار، وقد شاهدنا آثارها وبركاتها، فكلما نسير إلى الأمام ستزداد هذه الخطوة! إن السبيل إلى علاج الأمة الاسلامية تكمن في هذا الواقع. فقدمة وطريق تحقق هذا يكمن في القرآن الكريم»^١

واعتبر سماحته في لقاء مع قراء القرآن الكريم سنة ١٣٨٨ هـ ش [٢٠٠٩م] أن علاج ما تشكوا منه الأمة الإسلامية من وهن وضعف هو آيات القرآن الكريم:

أعزائي! اعلموا أن العالم الاسلامي بحاجة الى القرآن الكريم. حيث نجد أن بلسم ما تشكوا منه الأمة الإسلامية من وهن وضعف يتأتى من خلال مضامين آيات من سورة آل عمران والبقرة والأنبياء والأحزاب. فهذه الأمور هي من تعمق وترسخ إيمان الإنسان وتضئ معرفته وتجعلها

١. الكلمة الختامية لمسابقات حفظ وتلاوة القرآن الكريم ٢٩ / / ٢٠٠٠م

مكانة القرآن الكريم في فكر...

معرفة واعية. إنها تأخذ بقوة الإنسان الحيوية نحو الميدان وتستثمرها بشكل فاعل. وفي مثل هذا الواقع يتطور مجتمع يمتاز بمثل هذه الخصائص ويزداد صلابة، وإذا ما قويت روح مجتمع فلن يكون باستطاعة عدو أن يفرض عليه إرادته أو يقهره... ولا فرق في هذا بين العدو الخارجي والعدو الداخلي (كالكسل والهوان والعجز) فقد ورد في رواية: «و رجل قرأ القرآن فوضع دواء القرآن على داء قلبه» وذلك لأنه تلى القرآن لا ليبلغ مكانة ما أو ليحصل على عمل ما، بل يقرأه ليجد فيه الشفاء الأصيل لجميع أمراضه.

لننتهل من القرآن الكريم فنجعله دواءً لسقم نفوسنا ووجودنا وبواطننا، ولنشفي بالقرآن أوجاعنا تلك. إن هذا بحاجة الى أن يكون الواقع واقعا قرانياً^١

٩٧

ساهمت هكذا رؤية حول القرآن الكريم في أن يستند سماحة آية الله الخامنئي بعد قيادته وفي كثير من كلماته وخطاباته الى آيات القرآن الكريم، ليظهر أن المسيرة المختارة لتطوير الثورة الإسلامية يستند الى القرآن الكريم والروايات. كما نجد تطبيقاً للقضية المذكورة في باقي مباحث منظومة الإمام الخامنئي الفكرية، حيث يمكن أن نستنتج تطبيقاً لأفكار سماحته مع القرآن الكريم. ولعل الخوض فيه يحتاج تفصيلاً كبيراً وهو ما لا يتحملة موضوعنا هذا.

وفيما يلي نورد مذكرات لأحد أصدقاء سماحة القائد والمقربين منه والتي تحدث فيها ببيان مختلف تأييداً لما ذكرنا.

١. من من كلمة له بحضور قراء القرآن الكريم ٢٢ / ١٠ / ٢٠٠٣



حسن الختام مرور على بعض الخواطر القرآنية نقلا عن الأستاذ «سادات فاطمي»

٩٨

يعدّ الأستاذ الحاج السيّد مرتضى سادات فاطمي، خادم، وحافظ وقارئ من كبار القراء، ولا شك أن الأغلب الأعم مناقد سمع صوته يصدح بتلاوة القرآن الكريم، أو الأذان من خلال منابر مختلفة من قبيل الاذاعة والتلفزيون أو المذياع أو منارة المسجد المقدس المعروف بـ «كوهرشاد»، وقد تحدث في بعض مذكراته التي عاشها مع سماحة القائد والتي سنتحدث عنها فيما يأتي، والخواطر تمثل واقعا ملفتا ودقيقا يمثل نموذجا للعظمة العلمية والمعنوية التي يمتاز بها سماحة القائد المعظم حفظه الله.

أمنية «أنس المجتمع مع القرآن»

وفي إشارة الى الاستشعارات القرآنية التي تراود سماحة الإمام الخامنّي (مدّ ظله العالي) يقول السيد سادات فاطمي: لم أعهد خطابا واحدا لسماحة قائد الثورة الإسلامية لم يشرفه إلى القرآن الكريم، فحتى حين يخطب في فئات غير قرآنية لا يدع كلامه خاليا من الإشارات القرآنية. وقد أخبرني يوما قائلا: أمنيّ أن تبلغ حالة الأنس بالقرآن الكريم وفهمه بين أبناء شعبنا بحيث تغص المساجد

بالمصنّين إلى القرآن الكريم كما تغصّ بالحضور حين يرتقي المنبر خطيباً. وفي إشارة إلى حثّ سماحة السيد القائد على تلاوة القرآن الكريم أضاف السيد سادات فاطمي: لقد كنا نقيم جلسات قرآنية في مدينة مشهد بحضور سماحة آية الله السيد الخامني، ولهذا كان يطلق على مشهد عنوان قاعدة قراء القرآن، وقد أوصاني سماحته أن أتلو مقلداً للقارئ الأستاذ مصطفى اسماعيل فضلاً عن تقليد تلاوة أساتذة من قبيل «المنشاوي» و«علي البناء» و«عبد الباسط». وكان سماحته يؤكد دائماً على ضرورة أن يتلو قارئ مميز ومشهور القرآن الكريم بعد جلساته التفسيرية وخطاباته. وهذا بحدّ ذاته دليل على مدى الأهمية التي يوليها سماحة آية الله الخامني للنشاطات القرآنية.

التخصص في جميع الفنون القرآنية

قبل مجيئ الأستاذ شحات أنور إلى إيران كان سماحة السيد قد تحدث في جمع قائلاً: إن الشحات موسيقار كبير. هذا بالرغم من أن سماحته لم يلتقي الشحات فيما قبل، لكنه كان يستمع لمقاطع من تلاوته تم تسجيلها على أشرطة التسجيل. وحين زار الشحات إيران لأول مرة تحدث في لقاء مع الإعلاميين عن سنتين من الدراسة التخصصية للموسيقى والأنغام. فيما علم السيد الخامني هذا من سماع محض لتلاوته. وهذا يدل على تخصص وخبروية سماحة الإمام الخامني في جميع الفنون القرآنية.

معرفته بالكثير من القراء واقتناء أشرطة تسجيل لتلاواتهم

لقد بدأت إذاعة القرآن الكريم بثها بأمر من سماحة القائد، وقد أخبرني مسؤول إذاعة القرآن

الكريم قائلاً: لقد ذهبنا يوماً عند سماحة السيد [الخامني] فسألني قائلاً لماذا لا تبثون تسجيلات لـ «كامل يوسف»؟! وكان عجباً بالنسبة لي معرفة السيد بكامل يوسف! فقلت له: وأين أنت من معرفته بهذا؟ إن سماحته يعرف الكثير من القراء قبل انتصار الثورة الإسلامية وكان يقتني تسجيلاتهم. لقد كنت من أوائل من قرأ بالطريقة الجديدة أو المعروفة بالطريقة المصرية فلو كان هناك عشرة في إيران يجيدون الطريقة المصرية كنت أنا أحدهم، لكنني لم أكن أعرف القارئ مصطفى إسماعيل! حتى التقيت يوماً سماحة السيد فقال لي: من المؤسف أنك لا تقرأ بطريقة مصطفى إسماعيل؟ ثم قدم لي مجموعة من تسجيلاته، ومن هنا تعرفت على الاستاذ مصطفى إسماعيل. وللتاريخ أقول: إن سماحة السيد خبير في جميع المسائل.

الدقة في القراءة وتذكير بأخطاء بعض القراء

كنا يوماً في محفل قرآني بحضور سماحة القائد المفدى، وكان السيد سعيدان وهو قارئ معروف يتلو آيات من الذكر الحكيم. وكان من المتعارف بيننا أن القارئ ما أن يتم تلاوته حتى يذهب في خدمة سماحة السيد القائد ويكون بينهم تبادل للكلام. وحين ذهب السيد سعيدان عند سماحته خاطبه قائلاً: لقد تجاوزت وقفاً لازماً (ميم لازم)! وحين ختمت الجلسة قال لي السيد سعيدان: «أتصور أن سماحة السيد قد أخطأ، لأنني كنت حذراً جداً كي لا أقع في الخطأ» فأجبت «ليس من الممكن أن يقع السيد في الخطأ! فهل معك مصحف؟» فأخرج مصحفاً صغيراً كان يحمله معه ورجع إلى الآيات التي كان يتلوها فوجدنا أن الإشكال الذي أورده سماحته كان إشكالاً صحيحاً. نعم، لقد دقق السيد الخامني بشكل ملفت في قراءة السيد سعيدان ومن ثم ذكره بخطئه.

المصادر:

- كتاب «شرح اسم»، ترجمة حياة آية الله السيّد علي الخامني؛ بهبودی، هدايت الله؛ [إصدار] مؤسسة مطالعات و پژوهش های سياسی.
- كتاب از نیمه خرداد [من منتصف خرداد]، طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ی [نموذج من فکروقيادة سماحة آية الله السيد الخامني]؛ غفاری، مصطفی؛ [إصدار] نهضت نرم افزاری، التابعة لانتشارات انقلاب اسلامی.
- كتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن [مشروع الفكر الإسلامي في القرآن]؛ انتشارات صهبا.
- مقالة نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای ﷺ [صناعة الأنظمة من منظور تفسيري لآية الله الخامني]؛ تأليف عيني زاده، مؤدب؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی [فصلينية العلمية والبحثية] مطالعات قرآن و حديث، السية الحادية عشرة، العدد الاول، خريف وشتاء سنة ۱۳۹۶هـ ش، پیاپی ۲۱، ص ۱۵۳-۱۷۵.
- مقاله بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظم رهبری [بحث في منهجية ورأي سماحة القائد في مجال التفسير]؛ علوی مهر، مروجی طبسی؛ پژوهشنامه [مركز بحوث الالعلوم و معارف القرآن الكريم، شتاء سنة ۱۳۸۹ - العدد ۹ من ص ۴۵ إلى ۹۲]
- رسالة جامعية تحت عنوان «بررسی روش تفسیری آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای [المنهجية التفسيرية لسماحة آية الله العظمی السيد علي الخامني]؛ خواجه، زهرا؛ جامعة علوم و معارف القرآن الكريم، جامعة العلوم قرآنية قم؛ شهریور ۱۳۹۴



References

Books

- *Sharh Ism - A Biography of Sayyid Ali Khamenei*, Behbudi, Hidayatallah, Muassasah Mutali'at wa Pajuhish ha Siyasi.
- *Az Nime Khordad - Tarhi az Andishe wa Rahbari Hazrat Ayatollah Sayyid Ali Khamenei*, Ghaffari, Musthapha, Nahzat Naram Afzari affiliated to Inqilab Islami Publications.
- *Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur'an*, Sahba Publications.

Articles

- *Nizamsazi dar Nighah Tafsiri Ayatollah Khamenei*, Ayni-Zadeh, Muaddab, Bi-annual academic journal "Mutali'at Qur'an and Hadith", year 11, vol. 1, Autumn/Winter 2017, pgs. 153-175.
- *Barrasi Ravish wa Girayish Tafsiri Maqam Mu'azam Rahbari*, Alawi-Mehr, Murawwaji Tabasi, Research Journal Ulum wa Ma'rif Qur'an Karim, Winter 2009, vol. 9, pgs. 45-92.

Dissertations

- *Barrasi Ravish Tafsiri Ayatollah al-Uzma Sayyid Ali Khamenei*, Khawajah, Zehra, Danishghah Ulum wa Ma'rif Qur'an Karim, Danis

him. Sayyid Khamenei is truly well-informed in most issues.

Concentration on the Recital and Correcting the Mistakes of the Reciter

I was present with Ayatollah Khamenei during one Qur'an recital circle when Mr. Saidiyan, a well-known reciter, recited a couple of verses. So when Mr. Saidiyan went to see Sayyid, as it is customary that after the recitation the reciter greets him, he said to him, "You missed a particular pause in your recitation!" After the circle, Mr. Saidiyan told me, "I think the Sayyid may have made a mistake, I was very thorough in my recitation and find it very hard to believe that I made a mistake." I said to him, "It is not possible for the Sayyid to make a mistake, do you have a Holy Qur'an on you?" He brought out his pocket Holy Qur'an and opened it on the recited verses; we saw that Sayyid Khamenei was correct and that he had analyzed the recitation of Mr. Saidiyan very accurately and pointed out his mistake.

● A Good Ending...

After arriving in Iran for the first time, Shahat said in an interview that he had studied melody and music specifically for two years. Just from listening to him Sayyid Khamenei was able to understand this issue. This indicates that he has proficiency and expertise in all of the Qur'anic skills.

Being familiar with most of the Reciters and having their Recordings

64 Radio Qur'an was established by Ayatollah Khamenei and manager of the station one day said to me, 'Once when I went to visit Sayyid and he said to me, "Why do you not broadcast the recordings of Kamal Yusuf?" This caught me by surprise as I wondered from where he heard about Kamal Yusuf?' I i.e. Saadat Fatimi said to him, "Don't be surprised my dear friend! Even before the victory of the Islamic revolution he was familiar with many of the Qur'an reciters and owned their recitation recordings."

'I was one of the first people before the revolution who would recite in the new, Egyptian way. If only ten people knew the Egyptian method, I was one of them. However, I was not aware of Musthapha Ismael. Until one day Sayyid said to me, "Is it not unfortunate that you do not read like Musthapha Ismael?" He then gave me the audios of this reciter and it was from then that I became familiar with

interested in the Holy Qur'an, he would make numerous references. He even once said to me, "One of my wishes is that our people get so attached to the Holy Qur'an and understand it so well that they fill the masjids in order to listen to the recitation of a Qur'an reciter the same they fill it when an orator delivers a speech for them."

In explaining how Sayyid Khamenei always emphasized the nature of recitation said, 'Before the victory of the Islamic Revolution, Qur'an recital circles were held in Mashhad in his presence and it was because of this that Mashhad became known as the capital of Qur'an reciters. He advised me that in addition to using the recitations of teachers such as Minshawi, Ali al-Banai and Abdul Basit, the recitation of Musthapha Ismael should also be used and followed.'

63

Saadat Fatimi then added,

'In his speeches and commentary classes in Mashhad, the Supreme Leader would always have a good Qur'an reciter recite before his classes and speeches. This shows the importance that he gave to Qur'anic activities.'

Expertise in all Qur'anic Fields

Before Shahat Anwar arrived in Iran, Sayyid Khamenei said in a gathering that he was a remarkable musician, even though he had never met him and only knew of him from his audio recordings.

A Good Ending: Quoting a few Qur'anic Accounts as narrated by Saadat Fatimi



62 Hajj Sayyid Murtadha Saadat Fatimi, the great teacher, servant, memorizer and renowned reciter of the Holy Qur'an is someone whose Azan and Qur'an recitation in one way or another has reached the ears of nearly everyone; be it via the radio or television, or the minarets of the Ghoharshad Masjid. What follows are brief accounts of his with Sayyid Khamenei, as every one of them contain subtle and precise points which enhance the spiritual and intellectual position of the Supreme Leader.

The Wish for the Society's Affinity with the Holy Qur'an

While indicating the Qur'anic zeal of Sayyid Khamenei, Saadat Fatimi recalls, 'I do not know of any speech in which he failed to refer to the Holy Qur'an, even when speaking to people who were not

order to find the proper solution from it. Place the ointment of the Holy Qur'an upon the ailments of your soul, existence and being and by it cure yourselves. This notion requires that the environment becomes a Qur'anic one.¹

The existence of this outlook concerning the Holy Qur'an in the thought of Ayatollah Khamenei resulted in him referring to the verses of the Holy Qur'an in many of his statements after becoming the Supreme Leader. This is a clear sign that the path chosen by him to progress the Islamic revolution is one identified by the Holy Qur'an and Prophetic tradition.

Instances can also be found where his entire thought process can be conformed to that of the Holy Qur'an; however, that is a very detailed discussion that is beyond the scope of the present discussion.

In the next section, accounts of one of his close associates and friends are narrated. They aim to serve as a confirmation of what has been mentioned previously.

1. 23/10/2003, statement in a meeting with Qur'an reciters

A decorative blue L-shaped graphic is positioned on the left side of the page. It consists of a vertical line segment and a horizontal line segment meeting at a right angle. The number 60 is placed near the bottom of the vertical segment.

● The position of the...

we move forward the more we will acquire. Today the cure for the Islamic nations is this; the start and straight path is the Holy Qur'an.¹

In a meeting with reciters of the Holy Qur'an in 2003, he again stressed on the Holy Qur'an being the solution for the hardships and weaknesses of the Muslim World and said,

'My dears! Know that today the Islamic World is in need of the Holy Qur'an. The verses of Surah Ale al-Imran, Surah Baqarah, Surah Anbiyah and Surah Ahzab contain solutions to the problems that are currently being faced in the Muslim world and it is this that makes the belief of an individual firm and strong; enlightens his knowledge and foresight; brings his life force into the arena and uses it. It is at that time that the society, with the above characteristics, moves forward and also gains motivation. When the will of the society becomes strong, no enemy can force themselves on it; not external ones or internal ones such as lethargy, laziness and idleness. We have in a tradition that the one who recites the Holy Qur'an places the cure of the Holy Qur'an upon the ailment of his heart, for it is in this way that we do not only recite the Holy Qur'an in order to achieve fame or to pass the time, but rather to read it in

1. 30/10/2000, speech at the closing ceremony of the International Qur'an Competition

, 'Today philosophical and intellectual schools of thought of the world have stagnated in dealing with humanity. Believe me that the social theories of this world are null when it comes to dealing with man and will never find solutions. Was it not Marxism that was defeated and destroyed? The western theories will meet the same end. The reason for their stagnation is that even though in the West they have information, money and a powerful system, they do not have prosperity, tranquility and peace of mind and heart. So their prescription is an invalid prescription; a damaged one. However, the Qur'an and the religion of Islam gives people knowledge, sustenance, honor and tranquility. "It is He who sends down tranquility into the hearts of the faithful that they may enhance their faith;"¹ "Allah sent down his tranquility upon His Prophet and upon the faithful and made them abide by the word of Godwariness."² In addition to the pleasures of this world, physical wealth and power of knowledge, Islam also provides tranquility and peace that has been experienced during the course of history. It can also be experienced now. In the Islamic Republic of Iran we have taken a small step towards this; its effects and bounties can be seen and the more

-
1. 48:4
 2. 48:26



● The position of the...

58

of this revolution. Creating a system which is based on religion and in which the identity, goals, characteristics, actions and interactions - with the people - of the officials are based on religion is one of the greatest manifestations of acting on the Holy Qur'an. We should engage in Qur'anic construction and we should carry out the main tasks in this framework so that our build up will be Qur'anic in the real sense of the word and so that our individual, managerial, organizational, political and international behavior and our behavior in the educational system - including universities, research centers, Islamic seminaries and all other educational centers - and inside the family will be based on Islam. When will this be achieved? It will be achieved when we become familiar with Qur'anic concepts in a correct way. This is something that can be achieved with this great Qur'anic movement - whether launched by women or men. This is the direction which Qur'anic research should move towards.¹

During the closing ceremony of the International Qur'an Competition in 2000, Sayyid Khamenei stressed that the social theories of the World were not the solution for people's needs and that rather it is the Holy Qur'an which shows the correct path,

1. 20/10/2009

who stray from His way, "and, "He knows best those who are guided.'^{1 2}

In 1991, in a meeting with Qur'an reciters, he stressed upon the need for the society to give importance to the Holy Qur'an, he said, 'I am of the opinion that the Holy Qur'an must be the core of societies. A divine community must eventually become conversant in the Holy Qur'an in such a way that when they hear the recitation of it from you they understand it immediately. You must be able to climb atop the pulpit in a gathering and people must shed tears when you recite the verses of the Holy Qur'an; this is what we want.'³

57

In a meeting with female Qur'an researchers in 2009, he indicated that the officials of the system must make their goals, characteristics and decisions based on religion, which the very essence of acting of the Holy Qur'an,

'The society must become molded with the Holy Qur'an, its concepts are not merely information but are concepts for daily life. The system of the Islamic Republic is a religious system of which one of its greatest pillars is the practical implementation of the Holy Qur'an, which has ensured the safeguarding

-
1. 6:117
 2. *Tarh Kulli Andishe ye Islami, Lecture Eleven*
 3. *11/04/1991, in a meeting with Qur'an reciters*

● The position of the...

56

this is what is wanted and expected from our societies; it is then that the "Blossoming of the Holy Qur'an" occurs. Imagine if in our country we had 10 million, 15 million people, men and women, who were competent in the knowledge of the Holy Qur'an, how great that would be! They will always have the teachings and advices of the Holy Qur'an constantly following through their hearts and minds; this will create a firm nation. Fortunately, the potential for this exists. Today the will and resolution of our nation is for this strength and it is in this way that that Qur'anic society will come into existence and we hope, God-willing, that this is the case.' ¹

He then mentions in the book Tarh Kulli:

'It is essential that today we refer to the Holy Qur'an. The first condition of this, however, is that we must understand it. Do we have certainty that those ways, means and methods that have produced and recommended for the lives of people are the correct ones? We do not, "and they do nothing but surmise." They wish to manage the livelihood of the people and the society with estimates, theories and hypotheses. However, Allah (swt) manages the affairs without anyone's theory; he guides people to the right course with a divine text, with true and real knowledge, "Indeed your Lord knows best those



The position of the Holy Qur'an in the Thought of Ayatollah Khamenei

Ayatollah Khamenei was always focused on the establishment of Islamic societies whose complete structure was founded on the teachings of the Holy Qur'an.

'The first step is to protect the Holy Qur'an; firstly the Holy Qur'an must be protected, therefore a protector of the Holy Qur'an must be one who recites it continuously, otherwise this protection of it will be lost. Secondly, this protection of it must lead one to pondering upon the Holy Qur'an, as in reality this is the case. In that manner that you repeatedly recite and repeat from memory the verses of the Holy Qur'an grants you an opportunity to think and concentrate on it.'

'However, an attachment to the relevant commentaries that have been written on a particular verse is also very necessary. When the Holy Qur'an is protected and an attachment is also gained with its commentaries, in addition to concentration,

● The position of the...

'We thank Allah (swt) for giving us the opportunity and privilege to begin the Month of Ramadhan of this year with this blessed Qur'an circle.'¹

Ayatollah Khamenei was present in this gathering for a few hours, listening to the recitations of the Holy Qur'an and then at the end he delivered a speech on the topic of the Holy Qur'an and in this way it shows the importance he gives to these gatherings and circles.

since 1981 and is hosted by the Awqaf and Welfare Organization of Iran in Tehran. It is attended by many reciters and memorizers of the Holy Qur'an from all around the World.

From its very onset this competition, Sayyid Khamenei, be it in the capacity as president or even as the Supreme Leader, has made use of this great opportunity to deliver statements in order to attract the society towards the importance of gaining affinity with the Holy Qur'an and to elaborate on the link between the Holy Qur'an and the Islamic Revolution. He has brought to the fore the distance of the Islamic world from the Holy Qur'an and the necessity of Muslim nations and communities to return to the teachings of this divine book as well as giving advice to Qur'anic institutes.

Of more importance is that this guidance can, now and in the future, be very influential in opening up ways to expand and establish the rich culture of the Holy Qur'an.

Quran Circles

The second meeting of Sayyid Khamenei with the Qur'anic Society was this very Qur'an circle which followed on from the first one which was always held during the Month of Ramadhan. At the beginning of one of these circles, he made reference to the following point,

● Accomplishments in the...

I say to Allah (swt), "What beautiful company." ¹

Usually his note was accompanied with a supplication or some advice, below are a couple of examples:

'May Allah (swt) bless you with affinity towards the Holy Qur'an'

'Gain an attachment to the Holy Qur'an and ponder upon it'²

'It is hoped that within the rays of the Holy Qur'an, you will find success and may you remain firm upon its ideals.'³

Visitation of Qur'anic Institutes

52

Throughout the years following the victory of the Islamic revolution, other facets of his attention to the Holy Qur'an have come to the fore of which are as follows:

International Qur'an Competitions

One of the most praiseworthy Qur'anic activities that occurs in the Islamic Republic of Iran is the organizing and holding of an international Qur'an competition. This competition has been held

1. 17/05/1999

2. The note written in the Holy Qur'an given to the child of Martyr Sayyad Shirazi

3. The note written in the Holy Qur'an gifted to Armita Rida Nejad at her coming of age ceremony

Nahj al-Balagha, Sahifah al-Sajjadiyyah and Mafatih al-Jinan.

Public Relations

The correspondence of the people is another instance where the zeal of Sayyid Khamenei can be seen. In replying to letters, some of the advices that he has given are as follows:

- 'Acquaint yourself with acts of worship and the Holy Qur'an.'
- 'My dear students! Your memorization of the Holy Qur'an has made me very happy.'
- 'Know the true value of memorizing the Holy Qur'an.'
- 'Put effort into memorizing the Holy Qur'an.'
- 'Acquaint yourself with the Holy Qur'an and ponder upon it.'
- 'Count the affinity with the Holy Qur'an as a great blessing.'

51

Gifting Qur'ans to the Families of the Martyrs

One of the activities of Sayyid Khamenei during his presidency was gifting copies of the Qur'ans to the families of the martyrs. This activity continued even after him becoming the Supreme Leader. At the end of the gifted Qur'ans, he would write a note saying,

- 'I have been writing in Qur'ans like this for nearly seventeen years and taking them to the homes of the martyrs. With the hope of writing my name next to the name of the martyr and

● Accomplishments in the...

tended to until 1993, by order of Sayyid Khamenei, a board of trustees for the project of acquiring a Qur'an for the Islamic Republic of Iran was formed with the following goals:

In 1991, in a meeting with members of the Dar al-Qur'an Karim Organization, he mentioned the importance of having a correct script for the Holy Qur'an. However, this subject remained unattended to until 1993, by order of Sayyid Khamenei, a board of trustees for the project of acquiring a Qur'an for the Islamic Republic of Iran was formed with the following goals:

1. The printing and publishing of a Qur'an specifically for the Islamic Republic of Iran that in addition to its correctness should also possess defining qualities
2. Compiling the fundamentals for a correct script
3. Presenting a prototype to be followed in future publications of the Holy Qur'an and to prevent the existent common mistakes from occurring
4. Constantly reading and researching in the fields of script, script technique, science of recitation and writing of the Holy Qur'an
5. Directly and indirectly publishing and distributing the Holy Qur'an
6. Completely overseeing all publications of the Holy Qur'an

This institute, from 1997 up until 2015, in partnership with 71 publishers, has printed over 25 million copies of the Holy Qur'an. Furthermore, this institute is also responsible for the printing of

of Iran Broadcasting Corp., it was decided that a council be formed to take responsibility for the policy-making, overseeing, guidance and advancement of programs related to the Holy Qur'an, Azan, supplications and religious melodies.

Establishing the Center for the Publication and Distribution of the Holy Qur'an of the Islamic Republic of Iran

One of the pressing needs of the Islamic Republic after the victory of the Islamic revolution and in order to expand the culture of the Holy Qur'an was to create a means for the publication of Qur'ans with correct script and diacritics. The first step in promoting the culture of the Qur'an was to publish and make it available. During the era of the oppressive regime, Qur'ans from Mumbai were used in the public schools, due to the certainty in their correctness. In his biography titled Sharh Ism, Sayyid Khamenei says the following regarding that era, 'It can be said that the Qur'ans which came from India were one of the most correct. Qur'ans from India and Egypt were correct. In contrast, the Qur'ans that were published in Iran were very erroneous.'

In 1991, in a meeting with members of the Dar al-Qur'an Karim Organization, he mentioned the importance of having a correct script for the Holy Qur'an. However, this subject remained unat-

● Accomplishments in the...

the responsibility of the reciters, teachers and the likes of you. The coming together of them all, their planning, becoming negligent of one of them etc. is all the work of a central structure of which, in my opinion, Radio Qur'an is one of these important activities that must be established.¹

Forming the Supreme Council of the Holy Qur'an

48 Until 1991, the recitations of the Azan and other religious recordings which were broadcasted were chosen by the personnel of the relevant broadcasting station. This led to weak and unworthy recitations being broadcasted at times by the personnel, this was due to the lack of experience and knowledge about this subject.. After receiving reports on the then unorganized conditions, Sayyid Khamenei issued an order on the 8th of October 1991 for the formation of a council to oversee to recitations and recordings. This council was given the name, 'The Supreme Council for the Holy Qur'an' (Shura A'li Qur'an). Some of the reasons why he formed this council are as follows, 'By paying attention to the importance of the Holy Qur'an, the positive effect it has on the Islamic society and then with the necessity to broadcast correct and enjoyable Qur'anic recitations and other religious recordings from the Islamic Republic

1. Meeting with officials from Radio Qur'an (31/01/1985)

of a Qur'anic radio station which could be accessed by the general public throughout the country was a great step towards promoting Qur'anic culture amongst the society.

When he met the manager and workers of this station, he stressed upon the importance of focusing on the Holy Qur'an and said, 'You must know that the Radio Qur'an is not merely a Qur'an program, but a Qur'an Radio. There is a difference between a program on the radio and Qur'anic radio. You must accept the difference between the two and you must not make the mistake of thinking that they are one and the same; even though it is good for it to be a Qur'an program, it is good for a person to listen to the Qur'an for ten minutes in the morning or to play the Qur'an for fifteen minutes, however, this is not what is intended.'

'In order to work with the Holy Qur'an, a special effort is needed from us in all areas and I have spoken to some of my colleagues a while back in this regard, that at least let us establish one Qur'anic institute, a committee or an organization in the country that will focus on the teachings of the Holy Qur'an that, God-willing, if the brothers put in the effort in order that this can be set in motion. We need this, maybe we need tens of activities related to the Holy Qur'an that must be done. Some of these are the responsibility of the government, some are the responsibility of the scholars; some are the responsibility of the individuals of this nation; some are

Founding of Radio Qur'an

The Islamic Republic Newspaper reported that the founding of Radio Qur'an was done on the 13th of February 1984. The headline of the report was a statement from the president of the time, Sayyid Khamenei which read, 'One of the blessings of this Ten days of Fajr was the beginning of the Radio Qur'an broadcast.'

46 The report then continues, by mentioning a part of an interview that was conducted with the manager of Radio Qur'an about its founding, 'The idea to create such a radio station was recommended to us by Sayyid Khamenei.'

As a result, in 1984, with the recommendation and support of Ayatollah Khamenei, Radio Qur'an was added to the broadcast list of the Islamic Republic of Iran Broadcaster. This station's opening coincided with the Days of Fajr and began with the recitation of Surah Hamd and verses 1-21 of Surah Baqarah by Ayatollah Khamenei.

This careful attention to detail of the Leader showed his foresight is expanding the foundations of the Holy Qur'an in the Islamic society. During the days of resistance he made the Holy Qur'an the axis of his resistance against the tyrannical system; after the victory of the Islamic revolution he also saw the advancement of society and progress of the country, and the more Qur'an orientated the individuals of society became. So naturally, the founding



Accomplishments in the Field of the Holy Qur'an

One of the most important and effective activity that Sayyid Khamenei performed before the victory of the Islamic Revolution were these very commentary gatherings and sessions as mentioned above.

45

After the victory of the Islamic revolution, Ayatollah Khamenei still maintained his previous motivation and in addition to continuing his commentary classes and sessions, he accomplished the following with regards to the Holy Qur'an: Founding of Radio Qur'an, forming the Supreme Council of the Qur'an, establishing the Center for the Publication and Distribution of the Holy Qur'an, Public Relations , gifting Holy Qur'ans to the families of the martyrs and regular visitations to Qur'anic institutes. Below is a brief synopsis of these activities.

a government and it is in the Madani Surahs that these issues are discussed more frequently.'

Tafsir Surah ye Bara'at

44 'If we want this society that is based on the revolutionary principles and which follows the revolutionary path to remain until the Day of Judgment, we must enliven the action of enjoining good and forbidding evil within it; meaning that every individual within the society is responsible for its protection and we say, "O Muslims! O Believers! It is you who must keep the general and specific teachings of Islam alive! You are all responsible for it.'"

This book is the newest work of the Inqilab Islami Publishers. It contains the commentary of Sayyid Khamenei which he delivered to seminary students from mid-1972 until about February 1973; it was published in April 2018.

Tafsir Surah ye Mujadalah

This book is the edited version of his classes on Surah Mujadalah. These classes were held during his time as president and were delivered to the officials and workers of the presidency. They were delivered in seven sittings from the 7th of May until the 2nd of June 1982. In these sessions all twenty-two verses of this Surah were discussed and commentated on. In explaining why he chose this Surah and the one's that followed, he said, 'The reason for me choosing this specific place is because the Surahs that appear in the 28th and 29th part of the Holy Qur'an are usually Madani Surahs i.e. they are those Surahs which were revealed to the Holy Prophet (sawa) in Madina and concern the establishment of an Islamic government, like our current predicament. The types of issues and circumstances that are relevant to a society after the formation of an Islamic government are very different to those that related to them during the era of resistance and before its formation; just as you are seeing currently within our own society.

Today you are witnessing a matter that before February 1979 was non-existent; not mentioned. In those days you had issues that today are not relevant to you. For example, the issues of hypocrisy and hypocrites, social justice, government, Jihad and tens of other issues like this that only become relevant after the establishment of

Revised Edition of Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur'an

This book was published for the first time by Sahba Publications in 2012. The contents are the transcripts of the audio recordings of those classes that after being reviewed, codified and edited was made available to the public.

It must be noted that this book, in comparison to the one that was published before the victory of the Islamic revolution is more complete and has far greater contents. This book has been republished on numerous occasions and even though these speeches were given nearly forty years ago, they are still sought after by many readers.

Maruri bar Mabani, Ravish va Qawaid Tafsiri dar Tafsir Surah Tawbah

During the period before the victory of the Islamic revolution, Sayyid Khamenei commentated and discussed Surah Maidah, Surah Infal, Surah Tawbah and parts of Surah Yunus. From amongst these lessons, it was the commentary on Surah Tawbah that was published. The contents of this book was researched and analyzed by a group of scholars, who extracted from it the methodology and principles of commentary that Sayyid Khamenei used and was printed in another book consisting of around 120 pages.

volume book i.e. until verse 182 of Surah Baqarah. This translation was translated sometime before the victory of the Islamic revolution and it was supposed to be published together with the other translated volumes of this commentary that was completed by Dr. Muhammad Mufattih and Hujjati Kermani, but this was not feasible due to some reasons. This translation was not republished after 1984. One of the merits of this work was the overlapping of theological discussions with those of a socio-political nature. In this translation, wherever he saw it necessary, Ayatollah Khamenei would comment and critique the author and would show the differences in the jurisprudential and theological standpoints of the Shia with that of the author's school of thought. However, he was in agreement on its general standpoints on theology, jurisprudence, politics, society and culture.

41

The books that have been introduced above are some mere examples that Sayyid Khamenei managed to publish during that period.

In the next section, books of his that were compiled by different organizations by using the audio recordings of his classes and published after he became the Supreme Leader will be introduced.

worldview which is the foundation and key principle in all plans, projects, practical thought and ideology of Islam.

In the final segment of the book, the issue of Imamate and Divine Authority (Wilayah) is attached to the principle of Tawhid. He views the concept of Wilayah as being the attached to the Islamic Nation with one unified law; as it is only possible for that new worldview, as brought by the Holy Prophet (sawa), to base the lifestyle of the community on religious teachings when initially, it was previously present and realized in the thoughts, habits and actions of a formed group.

40

Nevertheless, it can also be assumed that the holding of these classes was to develop a pure revolutionary force as a secondary objective.

Translation of Tafsir fi Zilal

The main method that the author used in this book was to divide the topics of the verses so that in this way he was able to place them under a single topic heading and give them a specific objective. The author then made efforts to commentate on the verses with a specific grammatical view and explain the general philosophy of the verse without going into their specifics.

Sayyid Khamenei translated the first two volumes of this eight

behind,"¹ 'We have sent down the Book to you as a clarification of all things.'² However, it has also commanded us to ponder deeply upon its teachings.

Therefore, it is because of the existence of such an attitude towards Islam and its teachings that allowed Sayyid Khamenei to present core values for the establishment of an Islamic system in his commentary lessons. He would extract and explain Islam and Islamic thought from the verses of the Holy Qur'an and expound on the fundamental principles of revolutionary thought and abolishment of tyrannical systems. He presented these ideas during his commentary classes in such a manner that the audience themselves, naturally, reached the conclusion that it was necessary to establish a system based upon Islam and its teaching within the country; as one of his main goals for these classes was to transfer the principles of Islamic revolution to the people and society.

39

This book begins with the chapter of 'Belief (Iman) in the Holy Qur'an,' as the Holy Qur'an promises the establishment of divine law and the dominance of its governance over the world; the formation of an ideal Islamic society, to those believers who perform worthy actions based on belief and iman.

The contents are centered on Tawhid or monotheism, as it is this

-
1. 41:42
 2. 16:89

other social school of thought; they focus upon practical responsibilities and specifically social interactions. So all theoretical discussions which are presented in this school of thought, be they intended to order man's life or to provide a goal for it or to provide a method of achieving that goal, must be analyzed, critiqued and researched.

2. The issues concerning Islamic ideals must be looked at as being a part of a larger unified corpus. So every element that is seen to be a part of religion and a pillar of this firm structure must be in conformity and related to the other elements and not something that is alien to it; it is in this way that Islamic issues need to be researched so that a complete and all-encompassing understanding of the principles and fundamentals of religion can be acquired in the form of a comprehensive ideology, that is germane to all dimensions of human life.
3. In proving and understanding the principles of Islam, the original sources must be the point of reference - rather than the likes and opinions or mental constructs of any person. -until research and investigation becomes truly Islamic, without parts of research taken and used. In order to fulfill this objective, the Holy Qur'an is the most perfect and complete source that we can rely upon. 'Falsehood cannot approach it, from before it nor from

when by chance they realized that Dr. Mahmoud Ramyaar was also busy compiling both the above mentioned projects and had already published a Farsi Index of the Holy Qur'an and therefore it was because of this that their work was brought to a halt.

Guftari Dar Bab Sabr

In 1974, his speeches and talks on the commentary of the Holy Qur'an that were delivered at the Karamat Masjid were published as a book titled, 'Guftari dar Bab Sabr.' This book was then abridged and revised eighteen months after the last talk in the masjid and was published with the title "Sabr" 37

Tarh Kulli Andushe ye Islami Dar Qur'an

Before every commentary session at the Imam Hasan (as) Masjid, Sayyid Khamenei would give those present a summary of his discussion. At the beginning of November 1974, these summaries were collected, edited, given an introduction and published as a book titled, 'Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur'an.' In the introduction to the book, three important points regarding Islamic discussions are mentioned. These points also indicate the line of thought taken by Sayyid Khamenei.

1. Islamic ideals are not merely intellectual concepts, but like any

sessions and lectures, was the authoring and translating of books focused on this subject. 'Doh Pajuhish ye Qurani,' Guftari dar Bab Sabr' and 'Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur'an,' are an example of his writings. Another one of these efforts included the translation of the book Tafsir fi Zilal al-Quran of Sayyid Qutb from Arabic to Farsi. Recently, three other books namely, 'Maruri bar Mabani, Rawish wa Qawaid Tafsiri,' 'Tafsir Surah ye Mujadalah' and 'Tafsir Surah ye Bara'at' have been scripted from the audios pertaining to these particular sessions and have been published by Inqilab Islami Publications. What follows is a synopsis of the above titles.

Doh Pajuhesh ye Qur'ani

The canceling of the commentary sessions at the Imam Hasan (as) Masjid did not demotivate nor dissuade Sayyid Khamenei from pursuing research on the Holy Qur'an, and it was in this regard that at the beginning of 1973 he made the decision to write two researches on the Holy Qur'an. One of these researches was to compile a lexicon on the Holy Qur'an and the second was to write a Farsi index on the verses of the Holy Qur'an in order for Farsi speaking individuals to find particular verses in the Holy Qur'an easily without having to know the root Arabic words. The Verse Index was being compiled by a group of people and continued until October 1974,



Writings and Researches

35

After his inauguration ceremony in October 1981, Sayyid Khomeini had an interview with the Iranian Broadcasting Corporation from which the following can be understood from it, 'Having an understanding of noteworthy thoughts such as the necessity to manifest a Muslim identity in the socio-political sphere'; 'the ideals of Islamic governance over the Muslim society' and 'the non-surrender in the face of non-religious government.' These thoughts slowly found their way into the settings of the seminary students and religious folk, even though they were very few. However, they were so profound that any motivated and free-thinking seminarian would become engrossed with Sayyid Ali Khamenei.

This thought and ideal encapsulated his very essence to such an extent that it directed his entire academic and research activities into defending the Qur'anic Identity of Islam.

Another of his Qur'anic activities, in addition to his commentary

● His Methodology of Commentary

and lifestyle being the heart of it, coupled with its superior qualities over the current modern western civilization, are proofs to this claim. ¹

-
1. *Nizamsazi dar Nighah Tafsiri Ayatollah Khamenei, Ayni-Zadeh, Muaddab, Bi-annual academic journal "Mutali'at Qur'an and Hadith", year 11, vol. 1, Autumn/Winter 2017, pgs. 153-175.*

is not separated from the success of the society i.e. the success of the individual is dependent on the success of the society and vice versa. Furthermore, those who follow this type of commentary trend believe that the best solution to the changes and problems that occur in a society is referring to the exegeses of the Holy Qur'an.¹

Today a broader type of outlook has caught the attention of researchers in connection with the commentary of the Holy Qur'an, which is known as a civilizational outlook. In this commentary outlook, the commentator pays attention to the fields of creating a civilization by searching for the principles and teachings of the Holy Qur'an in this regard and presents examples of a Qur'anic civilization together with ways of how to practically bring it about.

By examining the opinions and views of Sayyid Khamenei, it becomes clear that he is a perfect example of this type of outlook. This outlook aims to present an acceptable blueprint in the field of cultural engineering in order to create advancement; this outlook pays careful attention to the historical exegesis of the Holy Qur'an.

The concept of systemization that exists in his thought and commentary; his attention to the subject of a new Islamic civilization

1. *Barrasi Ravish wa Girayish Tafsiri Maqam Mu'azam Rahbari, Alawi-Mehr, Murawwaji Tabasi, Research Journal Ulum wa Ma'rif Qur'an Karim, Winter 2009, vol. 9, pgs. 45-92.*

His Methodology of Commentary



32

Every commentator of the Holy Qur'an indulges in its commentary based upon a personal approach. The approach and method of Sayyid Khamenei is a deductive (Ijtihadi) or comprehensive manner. An ijtihadi approach to the commentary of the Holy Qur'an is the extraction and understanding of Qur'anic principles and laws by making use of original sources and having the ability to do so adequately. Therefore, if a commentator of the Holy Qur'an wishes to choose this method of commentary, he must, technically, have the ability to use all other methods of commentary in order to achieve the required conclusion. In addition to methodology, there also exist different types of outlooks in the commentary of the Holy Qur'an. The commentary outlook of Sayyid Khamenei is socio-political. This type of outlook that delves into the social ideals of the Holy Qur'an requires a special type of attention as it views matters such as humankind, guidance and presents the message of the Holy Qur'an from a social viewpoint. In this outlook the success of the individual

It can be said that these classes identified other important elements of the Leader's political thought in the directing of the Islamic system in differing arenas during his era of being the Supreme Leader.¹

The Era after becoming the Supreme Leader

After becoming the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran, Sayyid Khamenei held commentary classes at the Husayniyyah of Imam Khomeini (ra) and at his administration offices. During these sessions Surah Baqarah was commentated on. A large portion of these sessions contents are not available and that which is, approximately twelve sessions, have been published and can be found at the website Khamenei.ir. It can be understood from these published statements of the Leader that the eighth session of this series was held on the 12th of October 1991 and the last one that was published was held on the 27th of May 1992.

31

1. *Barrasi Ravish Tafsiri Ayatollah al-Uzma Sayyid Ali Khamenei, Khawajah, Zehra, Danishghah Ulum wa Ma'rif Qur'an Karim, Danishkhadeh Ulum Qur'ani, Qum, September 2015*

● ExegeticalResistance Activities

'The issues of social justice, government, Jihad and many other issues like these become the focus after the establishment of a government. So as these issues are mostly discussed within the Madani verses of the Holy Qur'an, the verses of this part (28) until the 30th part are mainly Madani, whereas the verses in the 30th part are mainly Makki; we also noticed that this section of the Holy Qur'an was one of those places that was rarely commentated on.'¹

Before the victory of the Islamic revolution, Sayyid Khamenei was one of those in the forefront in trying to establish a Qur'anic government and expounded on all segments of it from the Holy Qur'an to his students in Mashhad. Now with that revolutionary fervor and needs of the time, he would commentate on matters relevant to the Islamic society after the establishment of an Islamic government. One of the most important features of these classes was the conforming of it with contemporary issues and problems of the society. He would analyze and extract trends from the Holy Qur'an dealing with the early history of Islam, as well as the sedition of the liberals, hypocrites and the arrogant individuals of the world; in addition, concepts such as imperialism, oppression, sedition, hypocrisy and infiltration consumed a great portion of these classes.

1. *Statement made on the 7th of May 1982 during his commentary class on Surah Mujadalah*

wards these ideals; however, this is not possible or desirable unless achieved by the society itself.

Nevertheless, contemporary history of Islamic thought and resistance have shown that when religion intends to rule and the system of society aims to become Qur'anic, reviving some of the concepts results in them being extremely misunderstood or at times it is necessary to leave them on the peripheries.

Commentary Gatherings after the Victory of the Islamic Revolution

During the Period of his Presidency

29

Even after the victory of the Islamic revolution and during the period of his presidency, Sayyid Khamenei, just as he did prior to the victory of the revolution, began to hold lessons on the commentary of the Holy Qur'an. In March 1982, which was less than a year since he had taken office, he began holding weekly classes at the Presidential Administration Building, especially for the guards of the administration.

These classes started from the 28th part of the Holy Qur'an and as they took place during the early days of the Islamic government in Iran, it was necessary to present discussions based around Islamic governance to the people. In describing his reasons and motivations for holding these classes, Sayyid Khamenei says,

● ExegeticalResistance Activities

would explain each of these subjects over a number of sessions.

Before his talks, Sayyid Khamenei would always print and distribute the summary of his speech to those who were in attendance. At the beginning of November 1974, these summaries were collected, edited, had an introduction written for them and printed as a book titled, 'Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur'an.'

These sessions continued until 1977 and ended when Sayyid Khamenei was arrested and exiled to Iran Shahr.

The victory of the Islamic Revolution changed Iran into a firm base for the ideals of a religious government. This victory was also the first and most important step in creating a Qur'anic society and a new Islamic civilization. The realization of this new Islamic civilization would also not be possible unless the thought and lifestyles of the Muslims became one with the Qur'an in a systematic way and moved from mere slogans to actions.

In reality, Sayyid Khamenei is the extension of the thought and ideals of Imam Khomeini (ra) and other contemporary revivalists of Islamic thought who believed that it is not possible to establish Islam in its entirety except through the governance and rule of religious values over all aspects of societal life. Therefore, it is essential that religion must have authority; the governmental process must be based on and be within the framework of religious legislation and the movement of the society must, in form and action, be to-

barriers placed in the way of the Prophets by the wealthy, social elite, clergy and rulers and the stances against illiteracy and ignorance were just some of the topics that were mentioned in these gatherings using the verses of the Holy Qur'an.

The SAVAK reporter's interpretation of these speeches was the following, 'Ayatollah Khamenei is describing fundamental revolutionary Qur'anic concepts and in an elusive way is motivating and encouraging people to stand against social elitism, exploitation and political stifling.'

On the 26th and 27th of Ramadhan, he gave a speech on the complete authority of the Imam and introduced to the audience the concept of the divine representative of Allah (swt) with all its conditions and requested from them to think and make a measured and calculated decision on who the representative of the Twelfth Imam (as) is. This speech of his was so clear that the SAVAK reporter wrote at the end of his report, "Who is meant by the representative of the Twelfth Imam (as) in this era is Khomeini."

Ayatollah Khamenei had an ingrained belief that the Qur'an was the complete and perfect source of Islam in which there is no doubt and was also the guide towards resistance against oppression and solution to man's social endeavors. Because of this, during the Month of Ramadhan he would present speeches on fundamentals such as belief, monotheism, prophet-hood and divine authority; he

● Exegetical Resistance Activities

Qur'an, he would translate and commentate on it. This commentary followed the same pattern of him explaining the verses of the Holy Qur'an by using contemporary matters and social issues.

However, his activities in this masjid must have caught the attention of SAVAK, as they decided to bring these discussions to a close. His final talk at the Karamat Masjid was on the 26th of February 1974.

The notes and talks of Sayyid Khamenei from these commentary sessions were collected in a book titled "Guftari dar Bab Sabr" (Speeches on Patience). This book was then abridged and revised eighteen months after the last talk in the masjid and was published with the title "Sabr" (Patience).

26

The most Well Known and Important Commentary Gathering

In September 1974, which coincided with the Month of Ramadan, Sayyid Khamenei would deliver talks on the Holy Qur'an in the Imam Hasan (as) Masjid during the afternoons. In these talks he would mention revolutionizing concepts and remove the blinds from the corruption that was found in society to those who were present. The confrontation of the Prophets with the rulers; the opposition of Islam with oppression and tyranny; the equality of people and that wealth and poverty is not a legitimate criterion of superiority; the

and spoke about the 'advancement and coming to the fore of truth' and the 'eventual stagnation and destruction of falsehood'. He said in this regard,

"Throughout the course of history, the divine rule has always found a way to become dominant and gain victory over corrupt rule."

At the end of his talks, which were more explanatory than just translation, he would narrate two traditions from which the following general rule can be extracted: 'A believer in the face of stormy circumstances must be like a firm branch.'

On the eleventh of Ramadhan (9th of October), he translated and commentated on verses 20 -27 of Surah Infal, whereas on the thirteenth of Ramadhan he decided to discuss verses from Surah Saff.

These talks lead to SAVAK releasing an official order centered on gathering evidence against him in order to prosecute; so his last talk occurred on the 11th of November and was dedicated to the commentary of Surah Asr.

25

Commentary Sessions at the Karamat Masjid

After less than two months, Sayyid Khamenei transferred his activity headquarters from the Imam Hasan (as) Masjid to the Karamat Masjid. On Thursday nights, after the recitation of the Holy

● ExegeticalResistance Activities

and in his thought it was essential to establish an Islamic system of governance. An example of this is that when his classes at the Imam Hasan (as) Masjid were canceled, he began holding commentary classes in the Qibla Masjid on Thursday and Fridays in which he discussed the fundamentals of belief. These lessons were attended by over 150 seminary students; however, after threats from SAVAK, these gatherings were also eventually canceled in June 1973.

Re-initiating the Lessons at the Imam Hasan (as) Masjid

24 In the Month of Ramadhan of the same year, after seeking advice and with the intention of not creating suspicion within SAVAK, Sayyid Khamenei decided that after performing the Midday Prayer in the Imam Hasan (as) Masjid, he would recite verses from the Holy Quran and then translate them. He also at times would allow the youth who were present an opportunity to translate the selected verses into Farsi if they wished.

During these gatherings he would translate and commentate on verses from Surah Al-Imran; however on the 10th of Ramadhan he commentated on verses 130-135 from Surah A'raf. He protected himself by saying that the goal of the sessions was to only translate the verses of the Holy Qur'an and was not a commentary; it was in this way that he re-iterated the concepts of truth and falsehood

prayers and content himself with explaining Prophetic sayings after the prayer in the Imam Hasan (as) Masjid. He was also allowed to continue his seminary classes that he had containing some fifteen students.

During his final session, he said to those who were present, 'In this week, our discussions will come to an end. However, you should not separate from the Holy Qur'an...all our struggles today are because we do not possess sufficient knowledge of the Holy Qur'an. The Holy Qur'an is the cure of all our ailments. Look at the Qur'an in a detailed and in-depth manner so that you can know its goal and final purpose.'

The cancellation of his sessions on the commentary of the Holy Qur'an at the Imam Hasan (as) Masjid did not however stop him from continuing his research into the Holy Qur'an and during the first months of 1974 he made it his mission to author two researches about the Holy Qur'an.¹

Commentary Gatherings at the Qibla Masjid

Sayyid Khamenei was never stagnant. Whenever a gathering would be canceled, he would merely organize another one, as he viewed the system of governance to be illegitimate from its roots

1. *These will be discussed in a later section dealing with his writings.*

● Exegetical Resistance Activities

Mashhad that let us stop our current program for a period of twenty years and all at once focus solely on the Holy Qur'an. I have been giving lessons on the commentary of the Holy Qur'an for nearly six years and in this way the seminaries have been slightly persuaded towards my beliefs. So I humbly request from the management that they do not just merely give slogans, as they are not beneficial or practical.'

The lessons continued in a systematic way with each session dealing with a verse from Surah Baqarah. In each session a set of verses would be translated into Farsi for the audience and then commentated on. The commentary of verses 96 and 98 were specifically commentated on, on the 18th of March 1973 and the next session focused on verses 99 to 102 of the above mentioned Surah. During this time, the reports of these sessions were sent to SAVAK by spies, who portrayed themselves as being religious, and were present in these sessions. After these reports were received by the SAVAK branch of Mashhad, one of the officials posted there saw no benefit in these gatherings for the system and ordered them to be canceled. These sessions continued until they reached the 109th verse.

Sayyid Khamenei was then ordered to present himself to SAVAK, which he did in July of that year and accepted their request to cancel his commentary classes and to only perform the congregational

They would sit with their gaze fixed upon sheets of paper on which they would take notes from the Qur'anic lessons of Sayyid Khomeini. The commentary classes at the Imam Hasan (as) Masjid were scheduled to be held once a week on Friday mornings. This schedule continued until 1973. The commentary began on the topic of 'the characteristics of the Jews,' on approximately the 9th of March 1973 with the 62nd verse from Surah Baqarah. The methodology of Sayyid Khomeini during these sessions was to comment on the verses of the Holy Qur'an using examples from contemporary times.

It was during this time that SAVAK sought an excuse to arrest and prosecute him, so in order to find one; they closely followed his commentary classes and would note down and record anything that exhibited his political views.

However, Sayyid Khomeini was extremely opposed to anything which would cause these gatherings to be unnecessarily canceled or postponed, even if that reason was a salutation gathering for his leader Imam Khomeini (ra). It is reported that he said in one of his sessions:

'I sincerely request from the management to allow me to continue my activities and not cause them to be delayed or postponed. I believe that the most important element that is required in the current environment is the understanding of the Holy Qur'an. I have also told the seminaries of Qum and

● ExegeticalResistance Activities

these classes, SAVAK officials ordered that he must always be accompanied by one or two of their personnel, who would report back to them about his speeches and activities. In these sessions Surah Maidah, Surah Infal, Surah Bara'at and verses from Surah Yunus were discussed and commentated on.

The Imam Hasan (as) Masjid (Mashhad) Commentary Classes

20 In the autumn of 1972, in the Month of Ramadhan, the lessons on the commentary of the Holy Qur'an became a reality in the Imam Hasan (as) Masjid.

It was after great insistence that Ayatollah Khamenei accepted the recommendation of becoming the congregational prayer leader (imam) at the Imam Hasan (as) Masjid. Gradually his short talks started to become very popular. A blackboard was even brought into the masjid in order for him to begin teaching and explaining the concepts of religion.

People from all walks of life and social strata would participate in his commentary classes. However, it was the youth who were the most attracted to these classes, as they would fill the outside of the masjid with their bicycles and motorcycles, whilst being inside listening to the extent that they outnumbered the older generation.

and partake in these commentary gatherings. These gatherings were firstly held in Masjid Sadiqiha, which was located in the Sar Shur Bazaar; however, because of the vast number of participants that these gatherings attracted, it had to be moved to the School of Mirza Ja'far. This series of lessons, unlike the previous one, was not short lived and went on for a longer period of time. They were eventually brought to a close by members of the security forces and unfortunately also the recordings of those gatherings have been lost and so the contents and material of those gatherings are not known.

The School of Mirza Ja'far Commentary Continued

The constant arrests severely disrupted his social and academic programs; after the fifth arrest he became certain that from amongst his associates there were some who were hired to spy on him and report about his activities to SAVAK. Hence, it was in this way that the restrictions on him became even tighter, which forced him to pay closer attention towards his speech and actions.

After being released for the fifth time in the autumn of 1971, he immediately resumed his commentary classes in the School of Mirza Ja'far, Mashhad, which has now become the Razavi University. However, in April of the following year, after becoming aware of

● ExegeticalResistance Activities

ism and Liberalism and as a result illustrated the depths of Islamic Thought and guided the resistance within the framework that was set up by Imam Khomeini (ra) and in spite of the opposition faced from the Pahlavi regime, he managed to achieve great successes with his endeavors.

After being released from prison for the third time, his second commentary series took shape in 1968 at the request of two of his companions who were both from Gunabad and happened to have a lot in common in addition to history together.

They were Sayyid Rida Kamyab and Muhammad Baqir Farzaneh. During their travels with Sayyid Khamenei, even though very short, they became acquainted with his knowledge and social-political thought and found him a person worthy of learning from. They both approached Sayyid Khamenei and insisted that he began a general class, other than the usual classes, on topics such as commentary of the Holy Qur'an, theology or ethics.

As he had a special fondness to the commentary of the Holy Qur'an, on his return to Mashhad he began giving commentary on Surah Ma'idah, just as he did in 1964.

These classes would take place on a Thursday and Friday and as time went on they became more and more popular. It reached a stage that pupils, university students and even some businessmen would join the large number of seminary students who would attend

sistance - lead to every opportunity which presented itself being used to commentate on the Holy Qur'an. When Sayyid Khamenei fled to Tehran from Mashhad in 1965, he lived in such a way that would make him unrecognizable. However, a few of his associates arranged a program in order for him to deliver nightly lessons on the commentary of the Holy Qur'an. These lessons occurred in the Month of Ramadhan. Sayyid Khamenei describes these sessions as follows:

"These were lively and great sessions, in them I commentated on Surah Kahf for my audience."

The Masjid Sadiqiha and School of Mirza Ja'far Commentary Classes

When Sayyid Khamenei was freed after being arrested for the third time in 1967, he took it upon himself to visit the political prisoners who were being held in Tehran. Through his links with revolutionaries in different cities, he tried to shape the resistance and activists, and to train a new generation of revolutionaries, especially from amongst the seminary and university students, which was based upon Islamic thought. He also made great efforts to try and extract the fundamentals of resistance from the Qur'an and Prophetic traditions as a counter to the materialistic ideals of Marx-

Gathering on the Commentary of the Holy Qur'an before the Victory of the Islamic Revolution

Ayatollah Khamenei held a total of nine series on the commentary of the Holy Qur'an before the victory of the Islamic Revolution. What follows is a chronological explanation of those gatherings.

The First Commentary Series at Payin Khayaban

Ayatollah Sayyid Ali Khamenei began his lessons on the commentary of the Holy Qur'an in the year 1964 at the request of some of the residents of Payin Khayaban, which he accepted under certain conditions. Accordingly, after being released from prison for the second time, he presented his lessons on the commentary on Surah Ma'idah during an entire Month of Ramadhan in the presence of Mashhad's traders and businessmen. These gatherings were also attended by a small group of scholars who had an interest in political issues and would become more famously known as the "Payin Khayaban Gatherings."

Commentary Whilst Being Pursued

The pressing need to spread and propagate the teachings of the Holy Qur'an - even during the most difficult conditions of the re-

these constant changes. It was this idea that was strengthened on the basis of returning to the Holy Qur'an and resulted in what was known as the "Peak of Piety".

These activities of Sayyid Khamenei and those of the other activists were all being monitored by the SAVAK and as a result of the prevailing conditions of that time; all of his speeches and gatherings were attended by members of SAVAK who would then make a report concerning that particular speech. It was because of this that Sayyid Khamenei in explaining the restrictions he had in presenting his material to his audience has said:

"Material that I thought would be detrimental to the regime and system would be presented without making any reference to the actual system. Also the system was never insinuated or hinted at in anyway."

In this manner, because of the all the spying and snitching, Sayyid Khamenei was detained on numerous occasions. Before the victory of the Islamic Revolution, he was arrested no less than six times by SAVAK and placed in prison; he was also eventually exiled.

● ExegeticalResistance Activities

14

on the political thought of the Imam, factors such as the Imam's wisdom and foresight regarding social issues and his deep understanding of Islamic teachings placed him at the forefront of a great and unprecedented revolution. In addition to this, the bravery of the Imam, which he inherited as a family trait was also very significant in this historic movement. The collective of the Imam's religiousness, piety, bravery, political insight and inspiration from the political thoughts of Ayatollahs Mudarris and Shah Abadi were all visible within his movement and it was in this regard that Sayyid Khamenei saw that all of these factors were gathered together under a banner known as "Religious Motivation".

When the revolution, under the leadership of Imam Khomeini, entered a new stage in the 1963 and after the attempted quashing of it by the despotic regime, different socio-political movements chose to take diverse paths. As being part of the revolutionaries, Sayyid Khamenei, as well as joining in the activities of the other revolutionaries, also decided to take it upon himself to lay the foundations of the society's ideology and thought, and it was with this in mind that one of his most effective revolutionary activities was the holding of gatherings dealing with the commentary of the Holy Qur'an.

He made great efforts to try and propose a means of living a pious life in the modern world that would not surrender to the ever changing times. He sought to present ways to counter and manage



Exegetical Resistance Activities

The beginning of resistance and choosing commentary gatherings as one form of it

When the resistance movements began in 1962, Ayatollah Khomeini was one of the first people to align themselves with Imam Khomeini (ra) and one of his first activities was the reproduction and propagation of the Imam's statements. It was during this period that the political dimensions of Imam's personality began to reveal themselves to Ayatollah Khomeini.

With this association with the Imam, many questions arose for example: how was this political insight of Imam Khomeini formed and applied? Who was it that influenced this political thought of the Imam? And other such questions to occupy his mind.

After pondering on the above questions, he reached the conclusion that other than the immense influence that Ayatollah Sayyid Hasan Muddarris and Ayatollah Mirza Muhammad Shah Abadi had

● Qur'anic Education

During his Qur'anic activities he would always stress on Qur'anic awareness being a prerequisite in order to gain an affinity and attachment with it. He would also emphasize the necessity of pondering on the Holy Qur'an and making efforts to establish the teachings of the Holy Qur'an in society. This yearning of his to make the youth acquainted and attached to the Holy Qur'an led to a new chapter in his activities i.e. "Resistance," in order to cement and form a government based on Qur'anic principles.

What follows is a synopsis of his exegetical and research activities.

12

⇒ *and therefore nothing is guaranteed. Before the victory of the Islamic Revolution there were very few well-wishers, they would advise the people while their hearts grieved. Their actions and advices were not ineffective, for every advice affects the heart, but is failed to turn into action. Why? Because the system was an incorrect system, because the direction of the society was towards injustice, inequity, cowardice and immorality. Direction is very important. The source of any direction begins with the establishment of a system.'*

er that these classes be a preliminary in order for people to become aware of the concepts of the Holy Qur'an. ¹

- ¹. 26/08/1994 - In a speech given in the presence of government officials and guests of the Islamic Unity Conference, Sayyid Ali Khamenei said, 'If a government is based upon the foundations of Islam, it would mean that Islam has been applied in a practical manner; however, if Islam only means to have belief and only concerns itself with the actions of the individual within the society and the rule of religion is not established; in such a society Islam and the Qur'an are abandoned. A referent of this appears in the Holy Qur'an. In Surah Furqan the following verse appears, "And the Apostle will say, "'O my Lord! Indeed my people have consigned this Qur'an to oblivion.'"" It is the Holy Prophet (sawa) who is saying this to Allah (swt), but what does consignment to oblivion mean? For surely it does not mean that the Holy Qur'an, its name and the name of the Muslims would be completely erased. This is not what this consignment means! Rather consigning this Qur'an into oblivion or that it is abandoned means that the Quran exists but is abandoned; it is with us but consigned to oblivion. It means that the Qur'an is recited in a society and has outward respect and reverence; however its ordinances are not followed and with the excuse of separating politics from religion, government is negated from the Qur'an. If Islam and the Qur'an were not meant to rule and lead, then what was the purpose of the Holy Prophet's (sawa) struggle?

From his viewpoint, the creation and establishment of a system based on religion is that very action that the Holy Prophet (sawa) did when he migrated from Makkah to Madina. Till there is no society, there is no system as there is no central authority which can overview the activities of the society

● Qur'anic Education

One of his biggest regrets is that he did not partake in the memorization of the Holy Qur'an during his youth; even though in his later years he was able to memorize parts of the Holy Qur'an, but because he does not see himself as being a memorizer (hafiz) of the Holy Qur'an it has led to becoming one of his great disappointments.

Sayyid Ali Khamenei began his seminary studies while he was in Grade five. After completing primary school he then entered the seminary full-time and was present in the advanced jurisprudential classes of Ayatollah Sayyid Muhammad Hadi Milani in the year 1956. He then spent some time in the seminaries of Najaf and Qum and benefitted greatly from the teachers present there. However, while he was in Qum, he spent most of his time reading, researching and teaching. In 1965, because of an eye ailment that had affected his father, it was necessary for him to return to Mashhad from Qum in order to assist his father and it was because of this that he once again found himself present in the classes of Sayyid Milani. He continued attending these classes until 1971.

With regards to Qur'an classes, Sayyid Khamenei believes that merely holding classes to teach recitation is not sufficient, but rath-

↳ *class of which I was the teacher and reciter. The students were from the same school as me, some were from Grade 6, whereas the others were from lower grades.'*



Qur'anic Education

Sayyid Khamenei began nursery at the age of four and at the age of five he entered into primary school. Sayyid Khamenei possessed a good recitation and soon became the school's Qur'an reciter and as a result his recitation found fame even if it was within small vicinity. 9

His father, in order to make his sons more familiar with the Holy Qur'an and to learn the rules of Tajwid, requested Hajj Ramadan Bankdar to teach them. After learning from Hajj Bankdar, Sayyid Ali continued his studies under Mullah Abbas, who was the most renowned teacher of Qur'an recitation in Mashhad at the time, and learned the rules of Tajwid from him.

At the age of twelve, Sayyid Ali Khamenei himself began teaching classes on the recitation of the Holy Qur'an and it was from this time that his progressive Qur'anic activities began.¹

1. *A picture exists on which Sayyid Khamenei wrote on the back of it, '12 years old, Grade 6, Friday after the completion of the Qur'an recitation*



● A Qur'anic Household

the names of the Prophets it was her habit was to give an explanation.'

'In this way I also heard the stories of Prophet Musa (as), Prophet Ibrahim (as) and other Prophets for the first time from my mother; as when she recited verses that contained the names of the Prophets it was her habit was to give an explanation.'

Hence, it was because of having such parents that Sayyid Ali Khamenei from a very young age became acquainted with the Holy Qur'an and was nurtured within its teachings. Therefore, it is this very point that created in him a strong affinity and attachment towards the Divine Revelation.

His mother was Khadija Mirdamadi (b. 1914 – d. 1989). She was the daughter of Ayatollah Sayyid Hashim Najaf Abadi. After his marriage to Bibi Sakina, he went to the city of Mashhad and it was in this city that he partook in guiding the people, explaining the Holy Qur'an and authoring books. During one of his summers in Mashhad, he held discourses on the exegesis of the Holy Qur'an, based upon the exegesis Majma al-Bayan in the Ghoharshad Masjid which was well attended by students and non-students alike.

Khadija Mirdamadi was a pious, religious and devout lady who was also very knowledgeable with regards to the Holy Qur'an, Prophetic traditions (hadith), history and literature. Her knowledge, by reading exegeses of the Holy Qur'an and history books such as Rawdah al-Saffah, reached such a level that she was able to narrate the stories of the Prophets, Imams and Qur'anic personalities to her children in an attractive and story-like way. Her recitation of the Holy Qur'an was exceptional. Sayyid Khamenei in this regard says, 'The first beautiful recitation of the Holy Qur'an that I heard came from my mother. We would gather and sit around her, while she recited the Holy Qur'an in a very sweet and melodious manner and would then also translate the verses for us.' 'In this way I also heard the stories of Prophet Musa (as), Prophet Ibrahim (as) and other Prophets for the first time from my mother; as when she recited verses that contained

A Qur'anic Household



6 If we wish to understand and examine how Sayyid Khamenei gained an affinity with the Holy Qur'an and its impact and position concerning his thought, it is necessary for us to firstly become more aware of his family, as it is the family structure which plays the greatest role in the upbringing of a person and the forming and materializing of his personality.

Ayatollah Sayyid Ali Khamenei was born on the 16th of July 1939 into a religious family in the holy city of Mashhad. His father Sayyid Jawad Khamenei (d. 1986) was from amongst the scholars and jurists of his time. After completing his intermediary in Tabriz, Sayyid Jawad benefitted from many great scholars in the city of Mashhad. He then migrated to Najaf, Iraq in 1345/1926 and was active in the areas of jurisprudence and its principles. He attended and benefited greatly from the classes of Mirza Muhammad Husayn Na'ini, Sayyid Abu al-Hasan Isfahani and Agha Zia al-Din Iraqi; he also gained permission of ijtiḥād from the three mentioned scholars.



Introduction

By paying close attention to the lifestyle of the Leader of the Islamic Republic of Iran, Sayyid Ali Khamenei, it is clear that the Holy Qur'an has great influence in all aspects of his life. This influence is so significant that it can be said that the most critical and important dimension of his personality is that 'Qur'anic dimension' that he possesses.

*Therefore, it was with the intention of becoming further acquainted with the dimensions of his Qur'anic personality that the Department of Cultural and Social Affairs of the Awqaf and Welfare Organization have organized the 35th International Qur'an Competition. This present booklet which you have in your hands titled "**A Qur'anic Leader**," aims to present information about the Leader's Qur'anic activities over the past seven decades; in addition, it also tries to clarify for us the conformity of his thought with the Qur'an and fundamental Islamic principles.*

We hope that this humble effort is of benefit to all

Awqaf and Welfare Organization



• *English*_____



Contents

A Qur'anic Household	6
Qur'anic Education	9
Exegetical Resistance Activities	13
His Methodology of Commentary	32
Writings and Researches	35
Accomplishments in the Field of the Holy Qur'an	45
The position of the Holy Qur'an in the Thought of Ayatollah Khamenei	55
A Good Ending: Quoting a few Qur'anic Accounts as narrated by Saadat Fatimi	62
References	66



In the Name of Allah,
the All-beneficent, the All-merciful